

کتاب مقدس ترسیان

(ترجمه خاص)

تورات

تثیه

کتاب تثنیه

پیشگفتار

خواهد گزید تا نام خود را در آن بنهد...؛ رعایت کردن احکام و قوانین و قواعدی که به شما می‌دهم تا به عمل آورید...؛ دوست داشتن و خدمت کردن خداوند، خدایت، با تمام دلت و تمام وجودت...؛ و غیره...» اما بسیاری از این سیاق‌ها در خطابه‌ها و تأملات که وجه مشخصه کتاب‌های یوشع و سموئیل و پادشاهان است، مجدداً ظاهر می‌گردد.

این خویشاوندی ادبی بیانگر پیوندی میان کتاب تثنیه و کتاب‌هایی است که در کتاب مقدس ما، بعد از آن قرار دارد، و ناشی از این واقعیت است که مکتب اندیشه‌ای که تثنیه را پدید آورده، از نظر نگارشی بر شکل‌گیری تاریخ اسرائیل اثر گذاشته است: این همان مکتب تثنیه‌ای است. اما سنت، کتاب تثنیه را به کتاب‌های قبلی آن متصل ساخته (که باز هم در آنها تأثیر سبک تثنیه را مشاهده می‌کنیم)، با این هدف که مجموعه‌ای عظیم به وجود آورد که شخصیت موسی بر آن مسلط است، شخصیتی که پیش از مرگش با «تمام اسرائیل» سخن می‌گوید: با چنین خیال‌پردازی ادبی‌ای، مجموع کتاب تثنیه (اگر نگوییم تمام تورات) همچون وصیت موسی نمودار می‌گردد.

کتابی محورگونه

کتاب تثنیه روایت عظیم خروج از مصر را پی می‌گیرد: کتاب در همان جایی آغاز می‌شود که کتاب اعداد ناتمام باقی مانده بود، و با رویداد مهم رحلت موسی نیز به پایان می‌رسد. با اینحال، میان صفحه اول و آخر کتاب، پیشرفتی در رویدادهای تاریخی رخ نمی‌دهد، و بنی اسرائیل در جا می‌زنند: از همان آغاز، خود را در آنسوی اردن، در سرزمین موآب می‌یابیم (۵:۱)، و در همین جا است که موسی وفات خواهد یافت.

یکپارچگی و انسجام کتاب به این سبب است که کتاب خود را همچون سخنان موسی به قوم معرفی می‌کند (به همین دلیل است که عنوان کتاب در عبری «سخنان» است)، سخنانی که در آستانه ورود به سرزمین موعود بیان شده است.

یکپارچگی و اصالت سبک کتاب حیرت‌انگیز است. سیاق‌هایی اغلب تکرار می‌شود که در تمام کتاب مشابه است، گرچه هیچگاه تشابه مطلق ندارند، سیاق‌هایی نظیر این: «به مالکیت در آوردن سرزمینی که خداوند سوگند خورده به پدران‌تان بدهد...؛ جستجوی خداوند در مکانی که خداوند، خدای شما، در میان تمام قبیله‌های شما بر

شریعت دوم

فصل‌های ۱۲ تا ۲۶ شامل احکامی به شکل قانون نامه است؛ همین امر توجیه‌کننده عنوان «تثنيه» است، یعنی «شریعت دوم». این همان عنوانی است که مترجمین ترجمه هفتادتنان به آن داده‌اند (ر.ک. ۱۸:۱۷). این احکام در مقایسه با شریعتی که در سینا داده شد (احکام عهد، خروج ۲۰:۲۲ تا ۲۳:۱۸)، «دوم» می‌باشند. این شریعت دوم، در قلب خطابه موسی در دشتهای موآب، شرایطی را تعیین می‌کند که بنی اسرائیل باید تحت آنها در سرزمینی که برای زندگی در آرامش وارد آن می‌شوند، زندگی کنند. این شریعت در واقع حالت «قانون اساسی» را به خود می‌گیرد (ر.ک. ۱۸:۱۶ تا ۲۲:۱۸).

اما رویدادی مهم که از زمان پدران کلیسا نیز به آن توجه شده، کمک می‌کند تا دوره‌ای را تعیین کنیم که در آن، کتاب تثنيه نخستین شکل‌گیری مکتوب خود را یافت. کتاب پادشاهان نقل می‌کند که در هجدهمین سال سلطنت یوشیا (۶۲۲ ق.م.)، «کتاب شریعت» (۲-پاد ۲۲:۸، ۱۱) یا «کتاب عهد» (۲-پاد ۲۳:۲، ۲۱) را در معبد اورشلیم کشف کردند. پادشاه که عمیقاً تحت تأثیر قرائت این کتاب قرار گرفته بود، تمام قوم را گرد آورد و عهد را به شکلی پرشکوه تجدید کرد و حکم به اصلاحات مذهبی داد. برنامه این اصلاحات (۲-پاد ۲۳:۴-۲۰) منطبق بود با اقتضاهای بنیادین کتاب تثنيه، یعنی نابودی همه پرستشگاهها در سایر مناطق و تمرکز مذهب در اورشلیم (تث ۱۲). لذا به نظر می‌رسد که سندی که در زمان یوشیا کشف شد، همین تثنيه باشد، اما قطعاً در

شکلی قدیمی‌تر و کوتاه‌تر (احتمالاً تث ۱۲-۱۶).

این کتاب از کجا آمده بود؟ یوشیا پیش از «انتشار» آن، از یک نبی زن می‌خواهد تا درستی آن را تأیید کند؛ این نبی زن از مردمان مملکت شمالی بود که پس از سقوط سامره، به اورشلیم آمده بود و در محله جدید ساکن شده بود. این امر می‌تواند حاکی از تأثیر محافل نبوتی باشد (خصوصاً الهیات هوشع). از سوی دیگر، به هنگام اصلاحات مذهبی در زمان حزقیای پادشاه که مطابق ۲-پاد ۱۸:۴، ۲۲، کمتر از یک قرن پیش از این، کوشیده بود مذهب را در اورشلیم متمرکز سازد، هیچ اشاره‌ای به سندی مکتوب نشده است. لذا شکل اولیه کتاب می‌تواند پس از شکست این اصلاحات اولیه تألیف شده باشد، یعنی در دوره سلطنت منسی که بار دیگر مذاهب بت پرستی را رواج داد (۲-پاد ۲۱)، یعنی در طول نیمه اول سده هفتم پیش از میلاد. این اثر بیانگر گرایشهای اصلاح طلبانه محافلی است که علیه اختلاط مذهبی و نیز بی‌عدالتی‌های اجتماعی مبارزه می‌کردند، همان گرایشهایی که وجه مشخصه سنت‌های نبوتی است. سبک ادبی و نگارش کتاب تثنيه آنچنان استوار و غنی است که انسان را به فکر محافل «کاتبان» یا بلندپایگانی می‌اندازد که اندیشه‌های اصلاح طلبانه شان به هنگام جلوس یوشیا بر تخت، قویاً مطرح شده است.

این چنین است «خیال‌پردازی ادبی» تثنيه که بر آن است تا شرایط زندگی در سرزمین موعود را از دهان موسی خطاب به قومی بیان کند که می‌رفت وارد این سرزمین گردد؛ محافل مذکور در اثر تجربیاتی که در دوره

(برای مثال، ۲۷:۱۱-۱۴). منظور، گردهم آیی برای تجدید عهد می باشد (نظیر گردهم آیی مذکور در ۲-پاد ۲۳:۱-۳)، که در طی آن، تمامی قوم گرد می آیند تا به اعلام شریعت گوش فرا دهند و متعهد به اجرای آن گردند.

به این ترتیب، رد پای آیین نیایش در این کتاب به چشم می خورد؛ این امر حاکی از آن است که نگارندگان تثبیه اهمیتی بس فراوان برای تجربه عهد قائل بودند و آن را همچون تجربه ای بنیانگذارانه و بنیادین در تاریخ «تمام اسرائیل» تلقی می کرده اند. اما در ضمن، مقوله عهد از تأملی بر سنت های مربوط به معاهده های بزرگ در خاور نزدیک باستان ناشی می شود، چه به لحاظ قضایی و سیاسی و چه به لحاظ الهیاتی. به همین دلیل است که احکام قانون نامه و نیز بخشهایی که نقش چارچوب آن را بازی می کنند، حاکی از تماس های مهم با اسناد قضایی متعلق به تمدن های مجاور می باشد. ترتیبی که در مجموع کتاب تثبیه وجود دارد، ترتیبی نسبتاً مشابه را با این اسناد دنبال می کند: یادآوری گذشته و نصایح (۱-۱۱)؛ اعلام شریعت (۱۲-۲۶)؛ تعهد متقابل (۲۶-۱۶-۱۹)؛ وعده ها و تهدیدها (۲۷ تا ۳۰:۱۸) که شامل اعلام برکات و لعنت ها می باشد (۲۸)؛ و احضار شاهدان (۳۰:۱۹-۲۰).

تجربه عهد به خطابه ای که موسی درست پیش از ورود قوم به سرزمین موعود، در دشتهای موآب بیان می دارد، شکل می بخشد: این لحظه همان «امروز» عهد می باشد. این عهد قویاً با عهد نخستین پیوند دارد، یعنی با عهد سینا، درست پس از گذر از دریا؛ در

سلطنت، چه در شمال و چه در اورشلیم، از شئون مختلف زندگی قوم کسب کرده بود، در مورد شرایط زندگی نوین اندیشیده بودند و مایل بودند اصلاحاتی ژرف پدید آورند. پیگیری این نوع اندیشه در بطن مکتب تثبیه ای، به هنگام مواجهه با رویدادهای تبعید، سبب خواهد شد که خصوصیت آرمانی احکام کتاب تثبیه، لحنی حتی جدی تر به خود بگیرد.

عهد

خطابه تثبیه «تمام اسرائیل» را مخاطب قرار می دهد (۱:۱؛ ۱۲:۳۴)، یعنی در آن واحد، هم تک تک بنی اسرائیل را به طور انفرادی، و هم تمامیت قوم را که با ایشان همچون همکار شخصی خداوند سخن رانده می شود (مثلاً ر. ک. ۴:۶-۵ یا ۱:۹). خطابه موسی گاه با ضمیر «تو» به بنی اسرائیل بیان می شود و گاه با ضمیر «شما»: این امر اساسی را به وجود آورده تا فرضیه های مختلفی در خصوص تاریخ نگارش کتاب پدید آید. این عامل را می توان همچنین به حساب پویایی خطابه گذاشت؛ یعنی بر اساس لحظات و محتوای خطابه، می توان افراد را به طور فردی مخاطب قرار داد (ستوز)، یا به طور گروهی (سشماز). چنین شیوه ای برای مخاطب قرار دادن افراد، احتمالاً مربوط می شود به شرایط برگزاری مراسمی که طی آن عملاً تمام اسرائیل گرد می آمدند تا قرائت شریعت را بشنوند، چنانکه در ۳۱:۹-۱۳ نیز به این اشاره شده است. بخشهای دیگر نیز احتمالاً به این نوع گردهم آیی ها اشاره می کنند که ریشه در تاریخ اسرائیل دارد

واقع، عهد دوم موضوع رهایی از بردگی را از عهد نخستین بر می‌گیرد. روحیه و حالت فکری ملاموسی که هر یک از افراد بنی اسرائیل، در اثر پذیرش عهد، به آن متعهد می‌گردد، ریشه در خاطره رهایی از بردگی دارد؛ این امر همچنین نحوه ملاموس عمل او را شکل می‌بخشد؛ برای مثال، انگیزه او را برای رعایت سبب در «ده گفتار» (۵: ۱۲-۱۵) تشکیل می‌دهد؛ حکم مربوط به آزاد ساختن بدهکاران و بردگان نیز ناشی از همین تعهد است (۱۵: ۱-۱۸)؛ همچنین احکام مربوط به

دستگیری از تنگدستان برخاسته از همین حالت فکری و عملی است (۲۴: ۱۷-۲۲). عهد دوم ریشه در خاطره خروج از مصر دارد؛ به این ترتیب، قوم را علی‌رغم دل‌سخت و فراموشکارشان، در مقابل یک انتخاب قرار می‌دهد، انتخاب آزادی و حیات (فصل ۳۰). برخلاف کتاب ارمیا که ضرورت عهدی «جدید» را احساس می‌کند (ار ۳۱: ۳۱-۳۴)، کتاب تثنیه مراسم تجدید دوره‌ای عهد را در حیات قوم بنیان می‌گذارد (فصل ۳۱).

کتاب در شکل نهایی اش و طرح آن

شکل‌گیری کتاب تثنیه که از اواسط سده هفتم پیش از میلاد آغاز شد، پس از دوره‌ای نسبتاً طولانی، سرانجام شکل کنونی اش را می‌گیرد که ترکیب آن نسبتاً روشن است. ساختار مجموعه کتاب که آن را «آرشیوها» می‌نامند، آن را به چهار بخش تقسیم می‌کند. این آرشیوها با چهار عبارت مشخص می‌شوند: «این است سخنان موسی» (۱: ۱)؛ «و این است شریعتی که موسی عرضه داشت» (۴: ۴)؛ «این چنین است سخنان عهد»

و سخنان برکت. چهار فصل اول بار دیگر پایان سفر قوم در بیابان را بیان می‌کند (ر. ک. اعد)، که هم مقدمه‌ای است تاریخی برای مراسم تجدید عهد، و هم آغاز تاریخ به روایت محافل تثنیه‌ای (یعنی تاریخ مذکور در تث ۱ تا ۲-پاد ۲۵).

قانون نامه احکام در مرکز کتاب قرار دارد (۱: ۱۲ تا ۱۶: ۲۶) و مجموعه‌ای از «احکام و قواعد» محسوب می‌شود. این قانون نامه شامل سه بخش است. بخش نخست (۲: ۱۲ تا ۱۶: ۱۷) که احتمالاً قدیمی‌ترین بخش است، به موضوع وحدت می‌پردازد: مکانی واحد (۱۲)، خدایی واحد (۱۳)، رابطه‌ای منحصربه‌فرد با خدا (۱۴)، و در پایان آن به اعیاد اشاره می‌شود (۱۶). بخش دوم (۱۶: ۱۸ تا ۲۲: ۱۸) به نهادها می‌پردازد (عدالت، سلطنت، کهنانت، نبوت). بخش سوم (۱: ۱۹ تا ۱۶: ۲۶) دستورهای قانون نامه عهد را تکرار می‌کند و احتمالاً آنها را بر اساس منهیات بزرگ «ده گفتار» تنظیم می‌نماید.

در رأس قانون نامه، پیش از هر چیز، عطیه «ده گفتار» (فصل ۵) قرار دارد؛ سپس مجموعه‌ای از نصایح می‌آید که قلب تجربه عهد را به صراحت تشریح می‌کند: نگاه داشتن احکام، و خدمت کردن و دوست داشتن خداوند. در انتهای قانون نامه، مجموعه‌ای قرار دارد که اشکال مختلف عهد را ترکیب

الف خدای اسرائیل

«گوش فرا ده، ای اسرائیل، یهوه، خدای ما، یگانه یهوه است» (۴:۶). این برای اسرائیل نقطه مرجع بنیادین است، نقطه حرکت و تلاقی تمام اندیشه اش و تمام عملش.

اسرائیل می تواند بگوید «خدای ما». در واقع، اگر یهوه به ندرت، خصوصاً در متون متأخر، خود را خالق بشریت معرفی کرده (۳۲:۴)، اما او پیش از هر چیز، همچون کسی شناخته شده که خود را در طول تاریخ قومش آشکار ساخته است. کتاب تثنیه به ماجراهای اندکی از این تاریخ اشاره می کند، اما گفتارهای آن دائماً بر پایه مراحل اساسی آن استوار است: وعده هایی که به پدران داده شده (۳۱:۴)، خروج از مصر (۱۹:۷)، اعطای شریعت بر کوه حوریب (۵:۵)، عبور از بیابان (۲:۸)، ورود برای زندگی طولانی و سعادت مند (۴۰:۴) به سرزمینی نیکو (۱:۲۵) که در گذشته وعده اش داده شده است. در نظر نگارنده، این مرحله آخر که در چارچوب خطابه موسی به شکل امری در آینده معرفی شده، مسلماً جزئی از اعمال خدا تلقی می شود که یاد آن را باید بی وقفه حفظ کرد (۹:۴). اسرائیل در این رویدادها، قدرت خدای خودش را «به چشم دیده» - یا بهتر است بگوییم که یهوه به او چشمانی داده تا قادر باشد او را از اعمالش بشناسد (۳:۲۹). آن سان که «اعتقادنامه» اسرائیل، که از کهن ترین روزگاران مبتنی بوده بر یادآوری اعمال عظیم خداوند در حیات قومش، در قلب کتاب تثنیه قرار می گیرد: این اعتقادنامه که گاه به صراحت بیان شده (۶:۲۱-۲۳:

می کند، مانند تعهد متقابل (۱۷:۲۶-۱۹)، آیین نیایش کهن (۲۷)، معاهده ای که با بیان برکت ها و لعنت ها پایان می پذیرد (۲۸)، و نصایحی که مفهوم تجدید عهد را روشن می سازد (۲۹-۳۰).

پس از سرود موسی که خداوند را همچون «صخره اسرائیل» ستایش می کند (۳۲)، و برکت دادن دوازده قبیله اسرائیل (۳۳: ر.ک. پید ۴۹ در خصوص کل تورات)، سنت های مربوط به رحلت موسی (۳۴)، پایان بخش مجموعه کتاب و نیز تمام تورات می گردد.

الهیات کتاب

کتاب تثنیه با اینکه در طول زمانی طولانی و با مطالبی متنوع (نیایشی و قضایی) شکل گرفته، با اینحال از انسجامی قوی برخوردار است که نشان از کار محفل تثنیه ای دارد و گذشته را با آینده ای آرمانی ترکیب می کند. از ورای تنوع مطالبی که آن را تشکیل می دهند، می توان خطوط مهم الهیاتی آن را تشخیص داد.

در قلب تجربه عهد، خطابه ای بنیادین یافت می شود:

گوش فرا ده، ای اسرائیل، یهوه، خدای ما، یگانه یهوه است. یهوه، خدایت، را با تمامی دلت و با تمامی جدانت و با تمامی قوتت دوست خواهی داشت (۴:۶-۵).

در اینجا چیزی همچون خلاصه موضوعات اصلی کتاب تثنیه را مشاهده می کنیم: راز خدا، انتخاب قومی در پیوستگی تاریخش، نیاز به عملی که تمام شئون زندگی را در بر می گیرد.

که شخص عاشق می تواند باشد (۹:۵). کتاب تثنیه که وارث سنت های ایلیا است، انحصاری بودن رابطه با یهوه را با وحدانیت او مرتبط می سازد: نخستین و بزرگترین حکم مربوط است به عبادت انحصاری یهوه (۷:۵-۱۰) و پرهیز از کشیده شدن به سوی خدایان دیگر. در چنین چشم اندازی که باید تمامی شئون حیات قوم را تحت تأثیر قرار دهد، تثنیه پیش از هر کتاب دیگری، اصل یگانگی پرستشگاه را مطرح می سازد (۵:۱۲) که جماعت اسرائیل (۲۲:۵) باید در آنجا گرد آیند، همانطور که در حوریب گرد آمدند. به این شکل، هر آنچه که می تواند عبادت مختص به یهوه را منشعب سازد، از سر راه برداشته می شود (۴:۶). شریعت نیز خودش نشانی از وحدانیت دارد؛ مشاهده این امر حیرت انگیز است که در ضمن اینکه در این کتاب مجموعه ای طولانی از «احکام» و «قواعد» مطرح می شود، کماکان این علاقه هست که از «شریعت» و از «حکم» سخن به میان آورده شود (۵:۱؛ ۵:۳۱؛ ۱:۶)؛ شریعت آن طریقت یگانه ای را تعیین می کند که تمام قوم باید در آن سلوک کنند. «یگانه پرستی» کتاب تثنیه را نباید بر اساس استنباط امروزی درک کرد؛ در واقع، منظور این است که اسرائیل دعوت شده تا شاهد وحدانیت خدا باشد، در ضمن اینکه به تمام جنبه های زندگی نیز وحدت می بخشد: خدایی واحد، پرستشگاهی واحد، شریعتی واحد، قومی واحد.

ب) قوم خدا

اسرائیل این تجربه را داشته که یهوه واحد

۱۱:۲-۶؛ ۲۶:۵-۹)، در همه جا به شکلی مستتر محسوس است؛ و همین اعتقادنامه است که انتقاد از بت پرستی و دعوت به پیوندی انحصاری به خداوند را پایه ریزی می کند. به این ترتیب، رویدادهای گذشته نشانه ای بزرگ از وفاداری خدا به قومش می باشد. نشانه دیگر، سخنگویان یهوه می باشد. در این چارچوب، موسی قبلاً نقشی منحصر به فرد ایفا کرده (۱۰:۳۴، ۱۱)، نقشی که به واسطه شریعتی که عرضه داشت، تا ابد تداوم خواهد یافت؛ اما در طول حیات اسرائیل، انبیا (۱۵:۱۸) و- به شکلی دیگر- لاویان (۹:۳۱) به بعد، شاهدان و مفسران یهوه هستند، یا به عبارتی دیگر، واسطه هایی میان او و انسان ها. به خاطر وجود چنین نشانه هایی، اسرائیل می تواند پی ببرد که خدایش خدایی است نزدیک (۷:۴) که با او عهدی بسته (۱۷:۲۶)، زیرا دوستش می دارد (۵:۶).

بدینسان، برای اسرائیل، یهوه واحد و منحصر به فرد است. کتاب تثنیه مطابق نیروی محرکی که میراث انبیا است، بر این اعتقاد الهیاتی می اندیشد؛ اما شیوه ای که در این رهگذر به کار می برد، نسبت به اعتقادات مذکور در سایر معاهدات، حالتی انتقادی دارد، گرچه شکل خود را از آنها به عاریت گرفته است. با پیروی از الهیات هوشع (ر.ک. هو ۱-۳)، وحدانیت یهوه را باید در چارچوب استعاره پیوند زناشویی درک کرد: به همین دلیل است که آنچه در عهد پیش از هر چیز دیگری قرار می گیرد، «دوست داشتن» یهوه است (۵:۶)؛ به همین دلیل است که یهوه «حسود» است، به همان سان

او را «سهم شخصی» خود ساخته (۶:۷)؛ ۲۸:۱۰)، و نیز «قوم مقدس» خود (۶:۷)، که به رایگان مورد لطف قرار گرفته (۵:۹)، علی‌رغم کوچکی اش (۸:۷)، و همچون پسر خانواده با او رفتار شده است (۵:۸؛ ۳۱:۱). الهیات برگزیدگی، سرچشمه خود را در بازخوانی و تفسیر مجدد رویدادهای گذشته می‌یابد؛ این الهیات حس آگاهی از محبت خدا را شکل می‌بخشد، حسی که در هر نسلی تجدید می‌گردد (۲:۱۱؛ ۱۴:۲۹)، آن سان که در هر دوره، قوم خدا باید تصدیق کند که خدایش او را «امروز» مخاطب قرار می‌دهد (۱۰:۱؛ ۱۵:۳۰).

این امر طبعاً مستلزم پاسخی فعال است که تمامیت قوم را در بر می‌گیرد، و نیز تک تک افراد قوم را. لازم است که «دل خود را ختنه کرد» (۱۶:۱۰؛ ۶:۳۰)؛ به عبارت دیگر، باید از اعماق وجود وارد عهد شد. لازم است که هر نوع سازشی را با قوم‌های همجوار و خدایان نشان رد کرد (۳:۱۷؛ ۱۹:۴) تا بتوان در «کلام» زندگی کرد (۸:۶)، به آن گوش سپرد، آن را حفظ کرد، و به شریعت در تمامی جزئیاتش و نیز در کلیتش وفادار ماند؛ خلاصه باید «یهوه را با تمامی دل و با تمامی جان و تمامی قوت دوست داشت» (۵:۶). به این نحو است که می‌توان عادل بود (۲۵:۶) و کل زندگی خود را شهادتی از ایمان ساخت.

اما کار به اینجا خاتمه نمی‌یابد: اسرائیل در اثر وفاداری به شریعت، به رویدادهای نجات می‌پیوندد، زیرا اطاعتش در نهایت مبتنی است بر نیل به نتایج ملاقات‌هایش با خدا (۱۵:۵). اگر لازم است که نوبرهای سرزمین کنعان را به او تقدیم داشت (۵:۲۶)،

به این علت است که قوم را یهوه تا به این سرزمین هدایت کرده: اگر لازم است اعیاد را برگزار کرد (۱:۱۶؛ ۳، ۱۲) و سبت را نگاه داشت (۵:۵)، علتش خاطره دوره خروج است؛ اگر لازم است که اسرائیل امروز فقیران را دستگیری کند (۱۸:۱۰) و از ستم به هر کسی که باشد دوری کند (۸:۲۳)، به خاطر این است که اسرائیل خودش در مصر تحت ستم بود. بدینسان، اگر تشنه می‌تواند حتی از تنگ نظری برخی محافل که اشخاص بیگانه را از خود جدا می‌ساختند فراتر برود، باز علتش همان خاطره خروج از مصر است (۱۴:۲۱؛ ۳:۱۵؛ ۲۳:۲۱؛ ۱۲:۲۸). کل زندگی قوم، در طول موجودیتش، تبدیل می‌شود به یادمان رویدادهای نجاتش.

اصل «حرمت به تنگدستان»، جایگاهی بنیادین را در این مجموعه اشغال می‌کند. برای مثال، با خواندن دستورهای مربوط به ده یک سه ساله (۲۸:۱۴)، عفو بدهی‌ها (۱:۱۵)، آزادسازی بردگان (۱۵:۱۲-۱۸)، برداشت محصول و خوشه‌چینی (۲۳:۲۵-۲۶)، به این نکته پی می‌بریم. حتی خود پادشاه نیز باید تا حد امکان مانند یک فقیر زندگی کند (۱۵:۱۷). چنین تأکیدی به طور خاص در دوره‌ای عاجل می‌نمود که قدیمی‌ترین بخش کتاب نوشته شد، و مستقیماً از افشاگری نبوتی سده پیش از آن ناشی می‌شود؛ زیرا آینده قوم در آن دوره در اثر عدم تعادل اجتماعی در خطر قرار داشت: طبقه ثروتمندی که به شکلی فزاینده نیرومند می‌شد، در نقطه مقابل قومی محقر قرار داشت که روز به روز بینواتر می‌شد؛ لذا ضروری بود که به نام گذشته، یادآوری شود که همه افراد

بنی اسرائیل برادرند، و مبارزه در راه تنگدستان در دستور کار قرار گیرد (۴:۱۵). نویسندگان اولیه تثنیه خوش بین بودند، اگر نگوییم آرمان‌گرا: ایشان بر این تصور بودند که اسرائیل قادر است به دعوت خدا پاسخ دهد و براستی زندگی خود را تبدیل کند به یادمانی از رویدادهای نجات (ر.ک. ۲۸:۱۲؛ ۱۶:۲۶-۱۹).

با این وصف، نویسندگان نمی‌توانستند از این نکته غافل بمانند که «فاجعه‌ای» در راه است. در اینجا دو طریقت وجود داشت: طریقت وفاداری و سعادت؛ و طریقت سرکشی و سیاه‌روزی (۲۷:۱۱-۲۸:۲۸): بایست انتخاب کرد، انتخابی که آینده قوم را رقم می‌زند (۳۰:۱۵-۲۰). اما عملاً چه اتفاقی افتاد؟ از همان زمان خروج، قوم بی‌وقفه سرکشی کرده‌اند، و همواره لازم بوده که موسی وساطت کند و خدا نیز به شکلی خستگی‌ناپذیر وفاداری نشان دهد تا اسرائیل زیر ضربه خشمی که سزاوارش می‌باشد، هلاک نشود (۷:۹). حال، در دیگر دوره‌های تاریخ اسرائیل چه اتفاقی خواهد افتاد، یعنی در این «امروز» که هر کس دعوت شده تا تصمیم بگیرد؟ نویسندگان کتاب این فاجعه را از پیش احساس کرده بودند. زمانی فرا خواهد رسید که هر توهمی کنار می‌رود: اسرائیل ثابت کرده که قادر نیست یهوه را انتخاب کند و از این راه، به حیات دست یابد؛ قوم به سوی فاجعه پیش می‌رود. پس از تبعید، نمی‌توان باز ایستاد از بازگو کردن این امر (۲۸:۱۵؛ ۲۹:۲۱)، و اندیشیدن به شیوه‌ای الهیاتی در مورد شرایط لازم برای «بازگشت به سوی یهوه» (باب ۳۰).

در مقابل فاجعه تاریخ و گناه، اندیشه تثنیه می‌کوشد امید یافرهم سازد. زیرا گناه انسان نمی‌تواند آخرین کلام باشد: روزی فرا خواهد رسید که خدا کاری خواهد کرد که قوم بازگشت کنند و آموزش را دریافت دارند (۳۰:۳). در چنین انتظار و در چنین یقینی است که علی‌رغم فاجعه آزادی‌قصورپذیر، بازگشت دل و انتخاب حیات بار دیگر میسر می‌گردد.

جایگاه تثنیه در کتاب مقدس

تثنیه در کتاب مقدس جایگاه مهمی دارد. علتش فقط این نیست که سنت یهود در آن اعتقادنامه بنیادین خود را می‌یابد، یعنی «شَمع اسرائیل» را که می‌فرماید: «گوش فرا ده، ای اسرائیل، یهوه، خدای ما، یگانه یهوه است» (۴:۶)؛ و نه به این علت که عیسی از آن بزرگترین حکم را بر می‌گیرد: «یهوه، خدایت، را با تمامی دلت و با تمامی جانت و با تمامی قوتت دوست خواهی داشت» (۵:۶). این سنت به سبب روح خاصی که آن را جان می‌بخشد و نیز به سبب نیروی اندیشه تاریخی و الهیاتی‌اش، عمیقاً بر دیگر جریان‌های تفکر عهدعتیق تأثیر گذارده است. قرابت در واژگان و موضوع‌ها در تثنیه و پیام کتاب ارمیا، اغلب مورد توجه محققان قرار گرفته است: از یاد بردن نیکویی‌های خداوند (ار ۲:۴-۷؛ تث ۶:۱۰-۱۳)، و ختنه دل (ار ۴:۴؛ ر.ک. تث ۱۰:۱۶). اینها موضوعاتی هستند مختص تثنیه، که نشان از پای‌ورزی اندیشه این کتاب در مکتب تثنیه‌ای دارد، اندیشه‌ای که فراتر از خود کتاب می‌رود. سبک تثنیه با خطابه‌ها و تأملاتی که در کتاب‌های تاریخی در مورد مراحل بزرگ

تاریخ اسرائیل صورت گرفته، تلاقی و تشابه دارد؛ و این امر حاکی از تأثیر مکتب تثنیه‌ای بر این تابلوی گسترده تاریخ‌نگاری است که توجه‌اش بیشتر معطوف به معبد اورشلیم و اطاعت از احکام شریعت می‌باشد. «شریعت دوم» یعنی کتاب تثنیه، با مرتبط ساختن شریعت و ایمان با قاطعیتی که ریشه در تجربه عهد دارد، کلید درک تاریخ را به دست می‌دهد. موضوع انتخاب میان دو طریقت، که یکی منتهی به حیات می‌شود و دیگری منتهی به مرگ (تث ۳۰)، به شکلی گسترده در تعلیمات اخلاقی یهودیت متأخر (نظیر مزامیر) تداوم می‌یابد، و نیز در انجیل (مت ۷، ۱۳-۱۴). و آگاهیم که دستگیری از برادران فقیر که دغدغه دائمی کتاب تثنیه و درون‌مایه حیات اجتماعی یهودیان است، چگونه در دل انجیل جای می‌گیرد. همچنین باید خاطر نشان ساخت که انجیل یوحنا که در آن سبک خطابه غالب است، و نیز حتی الهیاتش، یعنی الهیات محبت، تا چه حد به کتاب تثنیه شباهت دارد.

تثنیه در روزگار ما

آیا کتاب تثنیه دستاوردی برای مسیحیان قرن بیست و یکم دارد؟ اکثر احکام آن مربوط می‌شود به موقعیت اجتماعی و فرهنگی که با روزگار ما بسیار متفاوت است. نتیجه این امر آن است که برای دوره‌های بعدی، پاره‌ای از اعتقادات این کتاب و شکلی که به آنها می‌بخشد، دشوار بنماید. برای مثال، امروز چگونه می‌توان مقوله برگزیدگی را درک کرد؟ وحدانیت خدا را؟ دغدغه تنگدستان را؟ وانگهی، حال که مسیح نظام ایمان و فیض و روح القدس را برقرار ساخته، آیا نباید فکر

کرد که شریعت زوال پذیرفته است (ر.ک. روم ۳:۲۸؛ ۶:۱۴؛ غلا ۳:۲۳؛ ۵:۱۸)؟ در اینجا باید این نکته را تکرار کرد که تثنیه، پیش از آنکه مجموعه‌ای از احکام باشد، تأملی است بر آنچه که بنیاد تمامی اطاعت ما را از خدا تشکیل می‌دهد، که همانا عمل او در حیات و تاریخ قومش می‌باشد. بنا بر این، آنچه که باید بر وجود مؤمنین چیره باشد، حالت قدردانی است. افزون بر این، خود این احکام، گرچه به همین شکلی که ارائه شده‌اند طالب اطاعت ما نیستند، اما به نحوی بیان شده‌اند که می‌توانند به ما بصیرت ببخشند. در واقع، آنچه بر تمام این تعلیمات حاکم است، نیت شخص است برای دستیابی به وفاداری‌ای اصیل در قلب دنیایی که در حال تحول می‌باشد.

در این روزگار که مؤمنین از هر مذهبی در خصوص بنیادی استوار برای اخلاقیات سردرگم می‌باشند، تثنیه الگویی بسیار پرمغز از قانونی به دست می‌دهد که نمی‌کوشد خود را از بیرون بر انسان تحمیل کند، بلکه سعی دارد در اندیشه و تصمیمات دل او ریشه بدواند. این اخلاقیات هم معقول است، هم روشن بین و هم بالغانه؛ حکمتی است واقعی (۴:۵-۸)، اخلاقیاتی که در پی عدالت است (۱۶:۲۰)، چرا که به عدالت خدا باور دارد (۱۰:۱۸). از آنجا که خدا را در جریان تاریخ ملاقات می‌کنیم، رفتار هرروزه ما باید بر اساس رویدادهای نجات جهت بیابد. این کتاب همچنین اخلاقیاتی مبتنی بر محبت عملی را تعلیم می‌دهد؛ دوست داشتن یهوه تمام شئون وجود بشری را فرا می‌گیرد، از

سیاست گرفته تا بهداشت، و از زندگی اجتماعی گرفته تا رفتار با برادر، حتی احترام به حیوانات (۷:۲۲)، یا درخت (۱۹:۲۰). هر موقعیتی در زندگی، ما را در مقابل انتخابی به نفع یهوه یا بر علیه او قرار می‌دهد؛ آینده ما بستگی به این انتخاب دارد، زیرا داوری ما بر اساس اعمالمان خواهد بود، و خصوصاً بر اساس حالت و رفتار ما نسبت به آنان که تنگدست ترند.

کتاب تثبیه همچنین از راه دیگری نیز با ما سخن می‌گوید، و این راه همانا تأکید بر خصوصیت رایگان و در عین حال جدی رابطه انسان با خدا است، رابطه‌ای بر اساس عهد الهی، رابطه‌ای که مبتنی است بر گوش فرا دادن به کلام خدا و به عمل آوردن آن از سوی قوم او. شریعت در واقع فقط به شکلی آرمانی در باره شرایط لازم برای ورود به سرزمین موعود سخن نمی‌گوید، بلکه به طور خاص بر عواقب ناشی از برگزیدگی رایگان و میراث

سرزمین کنعان نیز تأکید می‌گذارد. نویسندگان کتاب بر جدیت گوش سپردن و به عمل آوردن شریعت پای می‌ورزند؛ اعلام شریعت همراه است با وعده سعادت برای آنان که به آن عمل می‌کنند، و وعده تیره بختی برای آنان که از آن تخطی می‌ورزند؛ چرا که عهد، قوم را در برابر موضوع حیات و مرگ قرار می‌دهد (۱۵:۳۰ - ۲۰). کتاب تثبیه تعادلی را میان این دو خصوصیت عهد نگاه می‌دارد، یعنی خصوصیت‌های رایگان بودن و جدیت. حفظ این تعادل دشوار است و نه فقط در یهودیت، بلکه در فرقه‌های مختلف مسیحیت نیز اغلب سبب پیدایی اندیشه اخلاقیات مبتنی بر صواب یا اخلاق‌گرایی سخت‌گیرانه گردیده است.

در میان تمام گواهان در کتاب مقدس، تثبیه یکی از بارورترین بنیادها را برای کشف مجدد اخلاقیات الهیاتی بالغانه، متعادل و پویا فراهم می‌سازد.

کتاب تثنیه

نخستین خطابه موسی (۱:۱ تا ۴۳:۴)

در این کوه مسکن گزیده‌اید؛^۷ برگردید و حرکت کنید^b؛ به کوهستان اموریان و نزد تمام همسایگان نشان بروید: در عرب، در کوهستان، در سرزمینهای پست، در نِگب و بر کناره‌های دریا، به سرزمین کنعانیان، و به لبنان، تا به رود بزرگ، رود فرات^c.
^a بنگر؛ من سرزمین را به دست شما می‌سپارم؛ بروید و مالک سرزمینی شوید که یهوه به پدرانتان، به ابراهیم و به اسحاق و به یعقوب سوگند یاد کرده که آن را به ایشان بدهد، به ایشان و به اعقابشان بعد از ایشان.^d

پید ۱۲:۷
۱۳:۲۸

۲۰-۱۸:۱۶
۱۳-۸:۱۷
۳-۱:۲۵
خروج ۱۳:۱-۳۶
اعد ۱۷-۱۱:۲۱

انتصاب داوران

^a در آن زمان به شما گفتم: «من به تنهایی نمی‌توانم متحمل شما گردم. ^{۱۰} یهوه، خدایان، شما را فزونی بخشیده، و اینک شما امروز^c به اندازه ستارگان آسمان، ^{۱۰} یهوه، کثیر هستید. ^{۱۱} بادا که یهوه، خدای

۲۲:۱۰
پید ۱۵:۵
۱۷:۲۴

^a این است سخنان^a که موسی به تمام اسرائیل گفت، در آن سوی اردن، در بیابان، در عرب، در مقابل سوف، بین فاران، توفل، لابان، حصیروت و دی دهب.^۲ یازده روز است، از راه کوه سعیر، از حوریب تا قادش برنعب.^۳ باری، در سال چهلم، ماه یازدهم، اول ماه، موسی با بنی اسرائیل سخن گفت، مطابق هر آنچه یهوه برای ایشان امر فرموده بود.^۴ این بعد از آن بود که سیحون پادشاه اموریان را که در حشبون ساکن بود، و عوج پادشاه باشان را که در عشتاروت و در ادّرعی ساکن بود، شکست داده بود؛^۵ در آن سوی اردن، در سرزمین مواب بود که موسی شروع کرد به بیان این شریعت، به این مضمون:

۴۹-۴۵:۴

۱۶:۱۱:۱:۵
۱۲:۱۳
۲۱:۲۱
۱:۲۹:۹:۲۷
۱۱:۷:۱:۳۱
۴۵:۲۱
۱۲:۳۴

۸:۳-۲۴:۲
اعد ۲۱-۲۱:۳۵

۸:۲۷

دستور حرکت

^a «یهوه، خدای ما، در حوریب با ما به این مضمون سخن گفت: «به اندازه کافی

a تقسیم بند کتاب به چهار مجموع بزرگ را به واسطه کاربرد اصطلاح «این است...» می‌توان تشخیص داد: ۱:۱ تا ۴:۴ (که در ۴۵:۴ تکرار شده): ۶۸:۲۸ تا ۳۳:۱ این ترتیب که آن را «ارشو» می‌نامند، کتاب تثنیه را دارای خصوصیتی ساخته که آن را این چنین نامگذاری کنند: «سخنان موسی» (۱:۱): «تورات» (۴:۴): «سخنان عهد» (۶۸:۲۸): «برکات» (۱:۳۳).
 b این عبارت در فصل‌های اولیه کراراً به کار رفته (۴۰:۱ تا ۲:۱۳:۸، ۱:۳:۱۰، ۵:۹ تا ۱۰:۵)، و هر بار به مسیر جدیدی اشاره می‌کند که خداوند برای حرکت قومش تعیین می‌فرماید.
 c این فهرست دلالت دارد بر مناطق مختلف سرزمین موعود که شامل حدودی می‌شود که اسرائیل هرگز به آنها دست نیافت (ر.ک. توضیح خروج ۳۱:۲۳؛ توضیح یوشع ۱:۴).
 d یادآوری از عهد خداوند با پاتریارک‌ها: پید ۱۲:۷ تا ۱۳:۱۴:۱۵، ۱۸:۱۵ تا ۲۰:۲۶ تا ۳۰:۲۶ تا ۳۱:۲۸ تا ۱۳:۱۴ (که در e کلمه «امروز» که در تثنیه بسیار به کار رفته (ر.ک. ۴:۴، ۸:۳۹، ۱:۵ تا ۶:۶ تا ۷:۱۱ تا ۸:۱ تا ۱۱:۷ تا ۱۲:۲۶ تا ۱۷:۱۸ تا ۱۵:۳۰)، در آن واحد، هم به روزی اشاره دارد که موسی قوم را در آستانه سرزمین موعود مخاطب قرار می‌دهد، و هم به روزی

آنچه را که می بایست انجام دهید، به شما امر کردم.

شناسایی کنعان و طغیان قوم

اعد۱۳-۱۴

^{۱۹} از حوریب حرکت کردیم و در تمامی این بیابان بزرگ و هولناک که دیدید راه رفتیم، در جهت کوهستان اموریان^h، مطابق ^{۴:۲۹} ^{۱۹:۷} آنچه که یهوه، خدایمان، ما را امر فرموده بود، و به قادش - برنیع رسیدیم. ^{۲۶:۱۳}

^{۲۰} به شما گفتم: «به کوهستان اموریان که یهوه، خدایتان به شما می دهد، رسیده اید. ^{۲۱} بنگر؛ یهوه، خدایت، این سرزمین را به دست تو سپرده: بر آ، آن را به تصاحب در آور، مطابق آنچه که یهوه، خدای پدرانت به تو گفته است؛ مترس و هراسان مباش.» ^{۲۲} و شما همگی، به من نزدیک شدید و گفتید: «مردانی پیشاپیش خود بفرستیم؛ باشد که ایشان برای ما سرزمین را ملاحظه کنند و به ما در باره راهی که به آن بر خواهیم آمد و در باره شهرهایی که داخل خواهیم شد، گزارش دهند.»

^{۲۳} این امر مرا پسند آمد، و از میان شما دوازده مرد، یکی از هر قبیله، برگرفتم. ^{۲۴} ایشان برگشتند و به سوی کوهستان بر آمدند و به دره اشکول رسیدند و آن را

پدرانتان، شما را هزار بار بیش از آن سازد که هستید، و شما را آن سان که گفته است، برکت دهد! ^{۱۲} چگونه می توانم به تنهایی بار شما، مسؤولیت شما و منازعات شما را حمل کنم؟ ^{۱۳} مردانی حکیم و هوشمند و باتجربه برای خود تعیین کنید، برای هر یک از قبیله هایتان، و من ایشان را در رأس شما خواهم نهاد.» ^{۱۴} شما مرا پاسخ دادید و به من گفتید: «آنچه می گویی که انجام دهیم، نیکو است.» ^{۱۵} من بزرگان قبیله ها را برگرفتم، مردان حکیم و باتجربه، و ایشان را در رأس شما، همچون بزرگان هزاره، بزرگان صده، بزرگان پنجاهه، بزرگان دهه، و همچون کاتبان^f برای هر یک از قبیله هایتان قرار دادم. ^{۱۶} در آن زمان، به داورانتان این دستورها را دادم: ^{۵۱:۷} «به آنچه که میان برادرانتان هست گوش فرا خواهید داد، و میان مرد و برادرش و غریبه اش^g بر اساس عدالت داوری خواهید کرد. ^{۱۷} در داوری، به شخص نخواهید نگرست: به کوچک گوش خواهید گرفت آن سان که به بزرگ، از هیچکس بیم نخواهید داشت، زیرا داوری از آن خدا می باشد. چنانچه امری برای شما بیش از حد دشوار باشد، آن را به من عرضه خواهید داشت تا آن را بشنوم.» ^{۱۸} در آن زمان، هر

که خداوند با خواننده کتاب سخن می گوید: به این ترتیب، خطابه موسی به همان اندازه که خطاب به تمام جماعت اسرائیل است، به خوانندگان آتی کتاب نیز می باشد.

f تعیین نقش این کاتبان که در تثنيه اغلب به آنها اشاره شده، دشوار است (تث ۱۶:۱۸؛ ۵:۲۰؛ ۸، ۹؛ ۹:۲۹؛ ۳۱:۲۸)؛ در خروج ۵، و یوشع (مثلاً ۳:۲) و تواریخ (مثلاً ۱-۲؛ ۴:۲۳) نیز از آنان یاد شده. چنین نهادی تداعی کننده دوره سلطنت است. اشاره مکرر به آنان در کتاب تثنيه، احتمالاً بازتابی است از این واقعیت که این کتاب ناشی از محفل کاتبان است.

g ر.ک. توضیح خروج ۱۲:۴۳/

h نام «اموریان» در اینجا دلالت دارد بر کل مردمان قدیمی سرزمین موعود، و «کوهستان» ایشان همانا کل سرزمین است.

خدایتان، ایمان نیاوردید،^{۳۳} که در راه، پیشاپیش شما راه می‌رفت، تا برای شما مکان‌های اردوگاه را کشف کند، در آتش، خروج ۲۱:۱۳ شب هنگام، تا راهی را که می‌بایست پیمایید به شما نشان دهد، و در ابر، در روز».

^{۳۴} یهوه صدای سخنان شما را شنید؛ او به خشم آمد و این سوگند را یاد کرد:^{۳۵} «نه، حتی یک نفر از این اشخاص از این نسل بدکار سرزمین نیکویی را که قسم خوردم تا به پدرانان بدهم، نخواهد دید،^{۳۶} مگر کالیب پسر یفته؛ او آن را خواهد دید، و سرزمینی را که زیر پا گذارد به او خواهم داد، به او و به پسرانش، چرا که یهوه را تماماً پیروی نمود.»

^{۳۷} به سبب شما، یهوه بر من نیز خشمگین شد و گفت: «تو نیز به آنجا داخل نخواهی شد.^{۳۸} یوشع پسر نون که در مقابل تو می‌ایستد، او است که به آنجا داخل خواهد شد. او را قوی ساز، زیرا او است که [سرزمین] را به اسرائیل به میراث خواهد داد.^{۳۹} و فرزندان شما که در باره آنان گفتید: به غنیمت گرفته خواهد شد! و اعدا ۳:۱۴ پسران شما که هنوز نمی‌توانند آنچه را که خوب است از آنچه که بد است تشخیص دهند، آنان هستند که داخل آنجا خواهند

جاسوسی کردند.^{۲۵} ایشان از میوه‌های سرزمین به دست خود گرفتند و برای ما فرود آوردند؛ ایشان به ما گزارش دادند و گفتند: «سرزمینی که یهوه، خدای ما، به ما می‌دهد، نیکو است.»

^{۲۶} اما شما نخواستید که برآیید و به امر یهوه، خدایتان، طغیان‌گر شدید.^{۲۷} در خیمه‌های خود غرغر کردید و گفتید: «یهوه ما را از سرکینه از سرزمین مصر بیرون آورده است، تا ما را به دست اموریان بسپارد و ما را از میان ببرد.^{۲۸} به کجا بر خواهیم آمد؟ برادران ما دل ما را آب کردند زیرا گفتند: ایشان قومی هستند بزرگتر و بلندقامت‌تر از ما؛ شهرها بزرگ است و تا به آسمان حصاردار^{۲۹} و در آنجا حتی بنی‌عناقیم^k را دیدیم.»

^{۲۹} شما را گفتیم: «لرزان مباشید و از ایشان مه‌راسید.^{۳۰} یهوه، خدایتان، که پیشاپیش شما راه می‌رود، هم او است که برای شما خواهد جنگید، همان سان که با شما در مقابل چشمانتان در مصر عمل کرد،^{۳۱} و نیز در بیابان، آن‌جا که دیدی که یهوه، خدایت، تو را آن‌گونه حمل کرد که پدر پسرش را حمل می‌کند، در تمام طول راهی که تا رسیدنتان به این مکان پیمودید.»^{۳۲} و با وجود این، به یهوه،

i کتاب تثنيه بارها تکرار می‌کند که «سرزمینی» که خداوند به قومش داده، «نیکو» می‌باشد (۱:۲۵، ۳:۳۵، ۴:۲۱، ۲۲:۶، ۷:۸، ۱۰:۹، ۱۱:۱۷). این کلمه نه فقط دلالت دارد بر زیبایی منطقه و حاصل خیزی آن، بلکه در معنایی گسترده‌تر، به سعادت که (ر.ک. توضیح ۴:۴۰) خدا می‌خواهد با اسکان دادن قوم خود در سرزمینی که برای ایشان انتخاب کرده، به آنان ارزانی دارد، سرزمینی که از دیرباز وعده‌اش را به پدرانان داده بود. اسرائیلیان باید همواره و از سر نواز این هدیه فیض‌آمیز الهی به شگفت‌آیند تا از طریق قدردانی، به اطاعت از خداوند برانگیخته شوند؛ اما ایشان فقط زمانی می‌توانند از این «سرزمین نیکو» بهره ببرند که به آن کس که آن را به ایشان داده وفادار بمانند.

j منظور یا ارتفاع دیوارها است، یا بیشتر ارتفاع نواحی شهرها.

k در خصوص این مردمان هولناک، ر.ک. ۲:۱۰، ۲۱:۲، ۹:۲ و توضیح اعدا ۱۳:۲۲

عبور از ادوم، موآب و عمون

۲^{۱۲} ما برگشتیم و به سوی بیابان در جهت دریای نیزار حرکت کردیم، مطابق آنچه یهوه به من امر فرموده بود و کوه سعیر را برای روزهایی طولانی دور زدیم. ^۲ یهوه به من گفت: ^۳ «به اندازه کافی این کوه را دور زده اید؛ به سوی شمال برگردید. ^۴ این دستور را به قوم بده؛ از قلمرو بردارانتان، بنی عیسو، عبور خواهید کرد که در سعیر ساکن اند. ایشان از شما خواهند ترسید، اما خوب مراقب خواهید بود؛ ^۵ ایشان را تحریک منمایید، زیرا چیزی از سرزمین ایشان به شما نخواهم داد، نه حتی آنچه کف پا می تواند لگدمال کند: کوه سعیر را به ^{۵:۷ع} عیسو به مالکیت داده ام. ^۶ خوراکی را که ^{۲۸:۲} خواهید خورد به بهای نقره خواهید خرید؛ و حتی آبی که خواهید نوشید، آن را به بهای نقره به ایشان خواهید پرداخت. ^۷ چرا که یهوه، خدایت، تو را در تمام کارهای دستانت برکت داده است؛ او از راه یمودن تو در این بیابان بزرگ آگاه است؛ اینک چهل سال است که یهوه، خدایت، با تو است ^m: هیچ چیز کم نداشته ای!»^۸

^۸ ما به دور از بردارنمان، بنی عیسو که در سعیر ساکن اند، عبور کردیم، به دور از راه عرب، ایلت و عصیون-جابر؛ سپس برگشتیم و از راه بیابان موآب عبور کردیم.

شد، آن را به ایشان خواهم داد، آن را ایشان به تصاحب در خواهند آورد. ^{۴۰} اما شما، برگردید و به بیابان بروید، در جهت دریای نیزار.»

^{۴۱} شما پاسخ دادید و مرا گفتید: «بر علیه یهوه گناه کردیم. بر خواهیم آمد و مطابق تمام آنچه یهوه، خدایمان، ما را امر فرموده، خواهیم جنگید.» هر یک از شما اسلحه جنگ را به کمر بست، و گمان بردید که می توانید به آسانی به کوهستان بر آید! ^{۴۲} یهوه به من گفت: «به ایشان بگو: بر نخواهد آمد و نخواهد جنگید؛ زیرا من در میان شما نیستم؛ بدینسان در مقابل دشمنانتان شکست نخواهید خورد.» ^{۴۳} من با شما سخن گفتم، اما شما گوش فرا ندادید؛ شما بر علیه امر یهوه طغیان گر شدید، و دچار غرور گشتید تا به کوهستان بر آید. ^{۴۴} اموریانی که در این کوهستان ساکن اند، به ملاقات شما بیرون آمدند؛ ایشان آن سان که زنبورها می کنند، شما را تعاقب نمودند و شما را در سعیر قطعه قطعه کردند تا به حرما. ^{۴۵} شما باز گشتید و در حضور یهوه گریه کردید، اما یهوه صدای شما را نشنید و به شما گوش نسپارد. ^{۴۶} و ایامی مدید در قادش ساکن شدید، تمام ایامی که در آنجا ساکن بودید!»

I این گونه نیز می توان درک کرد: «تا آن زمان که می بایست در آنجا بمانید». اعد ۱۴:۳۴ آن ۴۰ سال سرگردانی مجازات آمیز را مرتبط می سازد به ۴۰ روز کاوش، اما نمی دانیم که آیا در تثنيه نیز همین دیدگاه حاکم است یا نه.

m «یهوه با قوم خود می باشد» (ر.ک. ۱:۲۰:۱-۱:۲۰:۸؛ اش ۷:۱۴:۷:۴۱:۱۰). او به طور خاص با داود بود و ظاهراً این فرمول اول در مورد او به کار رفت (۱-سمو ۱۶:۱۸:۱۸:۴-۲-سمو ۷:۹ و غیره). او همچنین با اسحاق بود (پید ۲۶:۳)، و با یعقوب (پید ۲۸:۱۵)، با یوسف (پید ۳۹:۲)، با موسی (خروج ۳:۱۲:۳؛ ر.ک. توضیح ۳:۱۴)، با یوشع (تث ۳۱:۲۳؛ یوشع ۱:۵)، با جدعون (داور ۶:۱۲)، با حزقیا (۲-پاد ۱۸:۷)، با ارمیا (ار ۱:۸). و عیسی نیز «عمانوئیل» نامیده خواهد شد، یعنی «خدا با ما» (مت ۲۳:۱؛ ر.ک. اش ۷:۱۴).

۹ یهوه مرا گفت: «موآب را مضطرب مساز و او را به جنگ تحریک منما، زیرا از سرزمین او چیزی به مالکیت تو نخواهم داد:

عار را به مالکیت بنی لوط داده ام.»^{۱۰} پیش از آن، ایامیان در آنجا ساکن بودند، قومی بزرگ، بی شمار و بلندقامت

همچون عناقیم.^{۱۱} ایشان نیز مانند عناقیم، از رفاییمⁿ به شمار می آمدند، اما موآبیان ایشان را ایامیان می نامند.^{۱۲} در سعیر نیز

پیش از آن، حوریان ساکن بودند، اما بنی عیسو ایشان را خلع ید کردند و آنان را در مقابل خود از میان بردند و به جای

ایشان ساکن شدند، همان کاری که اسرائیل کرد، برای سرزمینی که صاحب آن شده، آن که بهوه به او داده است.^{۱۳}

۱۳ «اکنون به پا خیزید! و از وادی زارد عبور کنید.» ما از وادی زارد عبور کردیم.

۱۴ زمان حرکت ما از قادش - برنیع تا عبورمان از وادی زارد سی و هشت سال بود، تا آن زمان که تمامی نسل های مردان

جنگی تماماً از میان اردوگاه از بین رفتند، مطابق آنچه که بهوه برای ایشان سوگند خورده بود.^{۱۵} و دست بهوه نیز بر ایشان

بود تا ایشان را از میان اردوگاه قلع و قمع کند، تا نابودی کامل ایشان.

۱۶ پس هنگامی که مرگ تمامی مردان جنگی را از میان قوم به طور کامل از میان

برد،^{۱۷} یهوه به این مضمون با من سخن گفت:^{۱۸} «امروز از سرحد موآب به عار گذر خواهی کرد،^{۱۹} و تا به مقابل بنی عمون نزدیک خواهی رفت. ایشان را مضطرب مساز و تحریکشان منما، زیرا

چیزی از سرزمین بنی عمون به تو به مالکیت نخواهم داد: آن را به بنی لوط به مالکیت داده ام.»^{۲۰} آن نیز سرزمین

رفاییم به شمار می آمد: پیش از آن، رفاییم در آنجا ساکن بودند، و عمونیان ایشان را زمزمومیم می نامند،^{۲۱} قومی بزرگ، بی شمار و بلندقامت، همچون عناقیم، اما

یهوه ایشان را در مقابل [عمونیان] نابود کرد و آنان ایشان را خلع ید کردند و به جای ایشان ساکن شدند.^{۲۲} او همین کار را برای بنی عیسو انجام داده بود که در سعیر ساکن اند، آن هنگام که حوریان را در

مقابل ایشان از میان برد و ایشان آنان را خلع ید کردند تا در جای آنان ساکن شوند، تا به امروز.^{۲۳} بدینسان، عویان که تا به

غزه در دهات ساکن بودند: کفتوریم^p که از کفتور بیرون آمده بودند، ایشان آنان را از میان بردند و در جای ایشان ساکن شدند.

۲۴ «به پا خیزید! حرکت کنید و از وادی ارنون عبور نمایید. بنگر: من سیحون

اشغال ممالك سیحون و عوج

۲۱ رفاییم» یا «رفاییان» در اینجا دلالت دارد بر یکی از اقوام ساکن در کنعان که به نظر می رسد خاطره ای خاص از ترس و وحشت بر جای گذاشته بودند (ر.ک. پید ۱۴:۵؛ ۲-سمو ۲۱:۱۵-۲۲). همین کلمه در جاهای دیگر بر «متوفیان»، یعنی ساکنان دنیای مردگان دلالت دارد (ر.ک. اش ۱۴:۹؛ ۱۴:۲۶؛ ۱۹:۱۱؛ ۱۱:۱۳).

۲۲ این نکته که ادوم سرزمین خود را به تصرف در آورد، در اینجا تشبیه شده به استقرار اسرائیل در کنعان: نویسنده می گذارد تا خواننده اینگونه برداشت کند که تقدیر تاریخی اسرائیل و سایر اقوام از نقاط مشترکی برخوردار است، و اینکه خدای اسرائیل به «ملت ها» نیز توجه دارد (ر.ک. ۲:۵، ۱۲، ۱۹، ۲۲).

۲۳ منظور فلسطینیان است (ر.ک. پید ۱۴:۱۰؛ عا ۷:۹). نام «کفتور» دلالت دارد یا بر جزیره کرت، یا بر کرانه جنوبی آسیای صغیر.

۲۴ این کلمه «رفاییم» یا «رفاییان» در اینجا دلالت دارد بر یکی از اقوام ساکن در کنعان که به نظر می رسد خاطره ای خاص از ترس و وحشت بر جای گذاشته بودند (ر.ک. پید ۱۴:۵؛ ۲-سمو ۲۱:۱۵-۲۲). همین کلمه در جاهای دیگر بر «متوفیان»، یعنی ساکنان دنیای مردگان دلالت دارد (ر.ک. اش ۱۴:۹؛ ۱۴:۲۶؛ ۱۹:۱۱؛ ۱۱:۱۳).

۲۵ این نکته که ادوم سرزمین خود را به تصرف در آورد، در اینجا تشبیه شده به استقرار اسرائیل در کنعان: نویسنده می گذارد تا خواننده اینگونه برداشت کند که تقدیر تاریخی اسرائیل و سایر اقوام از نقاط مشترکی برخوردار است، و اینکه خدای اسرائیل به «ملت ها» نیز توجه دارد (ر.ک. ۲:۵، ۱۲، ۱۹، ۲۲).

۲۶ منظور فلسطینیان است (ر.ک. پید ۱۴:۱۰؛ عا ۷:۹). نام «کفتور» دلالت دارد یا بر جزیره کرت، یا بر کرانه جنوبی آسیای صغیر.

۹:۲
۲۸:۱
اعد ۱۳:۲۲، ۲۳

۱۱:۲
۲۸:۱
اعد ۱۳:۲۲، ۲۳

۳۸-۳۰:۱۹
پید ۴:۲۳

۳۲-۲۱:۲۱
اعد ۳۲

پادشاه حشبون، آن اموری را به دستان تو می سپارم، همچنین سرزمینش را. تصرف را آغاز کن و او را به جنگ تحریک نما. ^{۲۵} از امروز به بعد، شروع می کنم به حک کردن هراس تو و ترس تو در روی قوم هایی که زیر تمام آسمانها هستند: آنان که درباره تو سخنی بشنوند، در برابر تو لرزان خواهند شد و خواهند لرزید.»

^{۲۶} از بیابان قدیموت پیام آورانی را فرستادم تا به سیحون پادشاه حشبون این سخنان صلح آمیز را بگویند: ^{۲۷} «بگذار از سرزمین تو عبور کنم؛ مستقیم به راه خود خواهم رفت، بی آنکه به راست یا چپ دور شوم. ^{۲۸} خوراکی را که خواهم خورد به بهای نقره به من خواهی فروخت، و آبی را که خواهم نوشید به بهای نقره به من خواهی داد؛ فقط بگذار پای پیاده عبور کنم، ^{۲۹} آن سان که بنی عیسو که در سعیر ساکن اند و موآبیانی که در عار ساکن اند برای من انجام دادند، تا آنکه از اردن به سوی سرزمینی که یهوه، خدایمان، به ما می دهد عبور کنم.»

^{۳۰} اما سیحون پادشاه حشبون، نخواست بگذارد که از نزد او عبور کنیم، زیرا یهوه، خدایت، روح او را سخت ساخته بود و دلش را نیز سخت، تا او را به میان دستان تو بسپارد، آن گونه که امروز [شده است]. ^{۳۱} یهوه مرا گفت: «بنگر؛ من آغاز کرده ام به سپردن سیحون و سرزمینش به دست تو؛

تصرف را شروع کن و سرزمینش را (متصرف شو). ^{۳۲} سیحون به ملاقات ما برای جنگ در یاهص بیرون آمد، او و تمامی قومش. ^{۳۳} یهوه، خدای ما، او را به دست ما سپرد؛ ما او را زدیم، او، پسرانش و تمام قومش را. ^{۳۴} در آن زمان، تمامی شهرهای او را به تصرف در آوردیم، و هر شهری را به لعنت نذر کردیم: ^{۳۵} مرد، زن و کودک را؛ کسی را زنده باقی نگذاشتیم. ^{۳۵} فقط احشام را برای خود به یغما گرفتیم، و نیز غنائم شهرهایی را که متصرف شده بودیم. ^{۳۶} از عروعر که بر کناره وادی ارنون است، و از شهری که در آبکند است، تا به جلعاد، شهری نبود که برای ما بیش از حد بلند باشد؛ یهوه، خدایمان، همه را به دست ما سپرد. ^{۳۷} فقط به سرزمین بنی عمون نزدیک نشدی: تمامی کناره وادی یبوق، شهرهای کوهستان و تمام آنچه که یهوه، خدای ما، منع فرموده بود.

^۱ برگشتیم و در جهت باشان بر آمدیم. ^۳ عوج، پادشاه باشان، برای جنگ، در اذرعی به ملاقات ما بیرون آمد، او و تمام قومش. ^۲ یهوه به من گفت: «از او هراسان مباش، زیرا او را به دستان تو سپرده ام، او، تمام قومش و سرزمینش را؛ با او به همان سان عمل خواهی کرد که با سیحون، پادشاه اموریان که در حشبون ساکن بود، عمل کردی.» ^۳ یهوه، خدایمان،

q «نذر کردن به لعنت» که در اینجا و در ۶:۳-۷ محدود به اشخاص شده، با مفهوم کلاسیک آن که شامل نابودی همه اموال می شود و در ۱۶:۱۳، ۱۸ به آن اشاره شده، تفاوت دارد. (در خصوص معنای «لعنت»، ر.ک. توضیح اعد ۲:۲۱؛ توضیح تث ۴:۲۰؛ توضیح ۱۸:۲۰). نذر کردن به لعنت، بدون تصریحی بیشتر، در ۲:۷، ۲۶ و ۱۷:۲۰ مورد اشاره قرار گرفته است.

r «کسی را زنده باقی نگذاشتیم» برای این اصطلاح ر.ک. ۳:۳؛ اعد ۲:۳۵؛ یوشع ۸:۲۲؛ ۱۰:۲۸، ۳۰، ۳۷، ۳۹، ۴۰؛ ۱۱:۸؛ ۱۰:۲

عوج، پادشاه باشان را نیز به دستان ما سپرد، و نیز تمام قومش را؛ او را زدیم تا حدی که زنده ای برایش باقی نگذاریم. ^۴ در آن زمان، تمامی شهرهایش را به تصرف در آوردیم؛ شهری نبود که از ایشان نگرفته باشیم: شصت شهر، تمام منطقه ارجوب، مملکت عوج در باشان. ^۵ همه آنها شهرهای حصاردار با دیوارهای بلند و دروازه‌ها و کسوها بود؛ بدون احتساب شهرهای بی حصار^۵، به تعداد بسیار. ^۶ ما آنها را به لعنت نذر کردیم، آن سان که برای سیحون، پادشاه حشبون کرده بودیم: لعنت برای هر شهری: مرد، زن و کودک. ^۷ اما تمام احشام و غنائم شهرها، آنها را برای خود به غنیمت گرفتیم.

تقسیم جلعاد ۳۲ عدد

^۸ در آن زمان، از دو پادشاه اموریان، سرزمینی را که در آنسوی اردن است گرفتیم، از وادی ارنون تا کوه حرمون- ^۹ صیدونیان حرمون را سریون می نامند، و اموریان آن را سنیر می نامند- ^{۱۰} تمامی شهرهای جلگه، تمام جلعاد و تمام باشان تا سلخه و ادرعی را، شهرهای مملکت عوج در باشان را. ^{۱۱} زیرا که فقط عوج، پادشاه

مز: ۱۱:۱۳۵
۲۰-۱۹:۱۳۶

باشان، از زنده ماندگان رفاییم باقی مانده بود. اینک آیا تختخواب او، تختخواب یوشع^{۱۲}: ۱۵-۲۶ آهین، در ربه بنی عمّون نیست؟ طولش نه ذراع و عرضش چهار ذراع، به ذراع انسان^{۱۱}. ^{۱۲} پس در آن زمان، این سرزمین را به مالکیت در آوردیم. از عروعر که بر وادی ارنون است، و نیز نیمی از کوهستان جلعاد با شهرهایش را به رئوبینیان و جادیان دادم. ^{۱۳} و بقبه جلعاد و تمام باشان، مملکت عوج را به نیم قبیله منسی دادم، تمام منطقه ارجوب را. - تمام باشان همان است که آن را سرزمین رفاییم می نامند. - ^{۱۴} یائیر پسر منسی که تمام منطقه ارجوب را تا مرز جشوریان و معکیان گرفته بود، قصبه های باشان را به نام خود خواند، [که] تا به امروز قصبه های یائیر [هستند]. ^{۱۵} و به ماکیر جلعاد را دادم. ^{۱۶} به رئوبینیان و به جادیان، از جلعاد تا وادی ارنون را دادم، در حالی که میانه وادی سرحد را تشکیل می دهد^{۱۷}، و تا وادی یبوق، سرحد بنی عمّون را: ^{۱۷} عربی که سرحدش اردن بود، از کنرت^{۱۸} تا دریای عربی-دریای نمک- در پایین سراسیبی فسجه، به سوی مشرق. ^{۱۸} در آن زمان، این دستور را به شما^X دادم: «یهوه، خدایتان، این سرزمین را به

اعد ۳۲:۴۱
یوشع ۱۳:۳۰
داور ۱:۴
یا ۱۳:۴
اتوا ۲۳:۱

پید ۲۳:۵۰

۳:۲۷
اعد ۲۰:۲۱
۳:۱۷:۴۹
۳۴:۱

S در اینجا منظور شهرکها یا روستاهای بی حصار است که در آنها دهقانان ساکن بودند و به هنگام خطر، آنها را ترک می گفتند تا در شهرهای حصاردار پناه بگیرند.

U این ذراع قاعدتاً ۴۵ سانتیمتر بود. ذراع دیگری نیز وجود داشت که بزرگتر بود و در بابل به کار می رفت و اندازه آن ۵۲ سانتیمتر بود (ر.ک. حزق ۴۰:۵).

V تحت اللفظی: «میانه گردنه ها و سرحد». این اصطلاح که حالتی مستتر دارد، در آیه بعدی نیز یافت می شود (تحت اللفظی: «اردن و سرحدز»)، و نیز در اعد ۳۴:۶؛ یوشع ۱۳:۲۳، ۲۷؛ ۱۲:۱۵، ۴۷.

W آیات ۱۶-۱۷ محدوده قلمروی را تعیین می کند که در شرق رود اردن، میان «یبوق» و «ارنون» واقع است. اشاره به «کنرت» (همان جنیسارت) تنها موردی است که بیرون از این چارچوب قرار می گیرد. شاید منظور مکان دیگری است به همین نام.

X این دستورها خطاب به قبیله های ساکن در شرق رود اردن بیان شده است. این قبایل که پیش از سایرین استقرار یافته اند، باید پیش فراول قوم باشند، و همکاری خود را با قبایلی که سهم خود را پس از عبور از رود اردن دریافت می دارند، قطع نکنند.

شما داده تا آن را به مالکیت در آورید؛ شما، مجهز، پیشاپیش برادرانتان، بنی اسرائیل، عبور خواهید کرد، شما که همگی دلیر می باشید.^{۱۹} فقط زنانتان، فرزندانانتان و گله هایتان - که می دانم گله های بسیار دارید - در شهرهایی ساکن خواهند شد که به شما داده ام،^{۲۰} تا آن زمان که یهوه به برادرانتان، همچون شما، استراحت داده باشد، و ایشان نیز سرزمینی را که یهوه، خدایتان، در آنسوی اردن به ایشان می دهد، به مالکیت در آورند. آنگاه هر یک به ملکی که به شما داده ام باز خواهید گشت.»

۳۸:۱ و نیز در آن زمان، این دستور را به یوشع دادم: «چشمان تو آنچه را که یهوه، خدایتان، به این دو پادشاه کرده است، دیده اند؛ یهوه با تمام مملکت هایی که از آنها عبور کنی، چنین خواهد کرد.^{۲۲} از ایشان نخواهید ترسید، زیرا یهوه، خدای شما است که برای شما خواهد جنگید.»

کدامین خدا است، در آسمان و بر روی زمین، که بتواند کارهایی همچون کارهای تو، و اعمال عظیمی همچون اعمال تو انجام دهد؟^{۲۵} پس لطف بفرما و بگذار عبور کنم و سرزمین نیکویی را که آنسوی اردن است ببینم، این کوهستان نیکو و لبنان را!»^{۲۶} یهوه به سبب شما بر من خشم گرفت و به من گوش فرا نداد. یهوه به من گفت: «دیگر کافی است! باز بنای سخن گفتن در این مورد را با من منه.^{۲۷} به قله فسججه بر آی و چشمانت را به سوی غرب، به سوی شمال، به سوی جنوب، و به سوی مشرق بلند کن و با چشمان خود ببین زیرا از اردن عبور نخواهی کرد!»^{۲۸} دستوراتی به یوشع^{۳۸:۱} بده: او را قوی و شجاع بساز؛ زیرا او است که پیشاپیش این قوم عبور خواهد کرد، و اوست که ایشان را وارث سرزمینی خواهد ساخت که خواهی دید.»

پس در دره ای که در مقابل بیت - ۶:۳۴:۴۶:۴ - فغور است ماندیم.

اعطای شریعت^۲

۴ و اکنون، ای اسرائیل، به فرایض^{۴:۶} و قواعدی که شما را تعلیم می دهد، گوش فرا دار تا آنها را به عمل آورید: تا زیست کنید و وارد سرزمینی شوید که

درخواست موسی

در آن زمان، از یهوه استدعا کردم:^{۲۳} «خداوند یهوه، این توهستی که آغاز نمودی به نشان دادن عظمتت و دست نیرومندی به خدمتگزارت؛ براستی،

Y سنت در این زمینه متفق القول است که موسی نتوانست وارد سرزمین موعود شود و پیش از عبور قوم از رود اردن، وفات یافت (۴:۳۴-۵:۶). بیان شده که این امر طبق خواست الهی بوده است (۴:۳۱:۲:۳۴). اکثر متون، دلیل آن را طغیان قوم در بیابان ذکر کرده اند؛ موسی نیز در مقام یکی از اعضای این نسل که از مصر بیرون آمده بودند، در مجازات آنان سهم می شود، نه به دلیل خطای خودش، بلکه به سبب خطای قوم، همانطور که در اینجا نیز چنین گفته شده است (ر. ک. ۱:۳۷:۴:۲۱: مز ۱:۱۰۶:۳۲). اما برخی متون دیگر، علت این امر را بی ایمانی موسی و هارون در ماجرای مریبه ذکر می کنند (۳۲:۵۱: ر. ک. اعد ۱۲:۲۰ و توضیح: ۱۲:۲۷-۱۴).
Z بعد از اشارات تاریخی ابتدای کتاب، فصل ۴ موعظ خاص تثنيه ای را با موضوعات مخصوص آن آغاز می کند (ر. ک. «مقدمه»).

یهوه، خدای پدرانتان، به شما می دهد تا ملت بزرگ که فرایض و قواعدی آن را به مالکیت در آورید.^۲ به آنچه به شما این چنین عادلانه داشته باشد همچون امر می کنم چیزی نخواهید افزود، و از آن این شریعت که امروز در برابر شما چیزی بر نخواهید کند، و اوامر یهوه، می نهم فقط مراقب خود باش و جان خدایتان را که به شما امر می کنم، نگاه خود را خوب حفظ کن مبادا چیزهایی را خواهید داشت.^۳ چشمان شما هستند که که چشمانت دیده است فراموش کنی^b آنچه یهوه به بعل-فغور کرد دیدند: هر آن و بگ گذاری آنها حتی یک روز از کس که به دنبال بعل-فغور رفت، یهوه، زندگی ات، از دل تو دور شود. خدایت، او را از میان تو نابود ساخت، پسران و پسران پسران را از آنها^۴ حال آنکه شما که به یهوه، خدایتان، وابسته ماندید، همگی امروز زنده هستید. ۱۰:۱

خروج ۱۹

مکاشفه حوریب

^{۱۰} آن روز که در حضور یهوه، خدایت، در حوریب ایستادی، آن هنگام که یهوه به من گفت: «قوم را برای من گرد آور و من سخنان خود را به ایشان خواهم شنواید، آن سان که بیاموزند در تمامی روزهایی که بر روی زمین زنده اند از من بترسند، و آن را به پسرانشان تعلیم دهند»،^{۱۱} نزدیک آمدید و در پایین کوه ایستادید، و کوه در اثر آتش، فروزان بود تا دل آسمان...^{۱۲} ظلمات، ابر و ابر تاریک! یهوه از میان آتش با شما سخن گفت؛ سخنانی را می شنیدید، اما هیچ شکلی نمی دیدید: فقط یک صدا!^{۱۳} او عهد خود را به شما

^۵ بنگر؛ من به شما فرایض و قواعد تعلیم دادم، مطابق آنچه که یهوه، خدایم، مرا امر فرمود، تا این چنین عمل کنید در میان سرزمینی که وارد آن خواهید شد تا آن را به مالکیت در آورید.^۶ آنها را نگاه داشته، به عمل خواهید آورد؛ زیرا این حکمت شما و هوشمندی شما در نظر قوم هایی است که در باره تمامی این فرایض خواهند شنید و ایشان خواهند گفت: «این نمی تواند باشد مگر قومی حکیم و هوشمند، این ملت بزرگ!»^۷ فی الواقع، کدامین ملت بزرگی است که خدایانی این چنین نزدیک به خود داشته باشد همچون یهوه، خدای ما، هر بار که به او دعا می کنیم^a؟^a و کدام است آن

a کتاب تثنيه قویاً بر این نکته تاکید می کند که یهوه و کلامش به اسرائیل نزدیک هستند (ر. ک. ۱۴:۳۰) و اینکه خدا در میان قومش می باشد (۲۱:۷؛ ۱۵:۶).

b تثنيه با اصرار تمام، قوم را از خطر «فراموش کردن» خداوندش (۱۲:۶؛ ۱۱:۸؛ ۱۴، ۱۹؛ ۱۳:۲۶؛ ۱۸:۳۲) و رویدادهای حوریب (۲۳، ۹:۴) و بیابان (۷:۹) بر حذر می دارد. و نیز با همین اصرار، در جاهای دیگر قوم را سفارش می کند به «یاد آوردن» خداوندش (۱۸:۸)، و بندگی در مصر که از آن رهایی یافت (۱۵:۵؛ ۱۸:۷؛ ۱۹؛ ۱۵:۱۵؛ ۳:۱۶؛ ۱۸:۲۴) و تجربیاتی که در بیابان داشته است (۲:۸؛ ۷:۹؛ ۹:۲۴؛ ۱۷:۲۵؛ ر. ک. ۷:۳۲). منظور فقط این نیست که خاطره رویدادها را به یاد بیاورد، رویدادهایی که نسل های بعدی در طول زمان، از آنها فاصله بیشتری می گیرند. منظور از «یاد آوردن» این است که رویدادهای خروج را همچون عناصری بنیانگذار مد نظر داشته باشند، چه جنبه شریعت و احکام آن، و چه جنبه رفتاری آن در تمام شئون زندگی.

است^f، حال آنکه شما را یهوه بر گرفته و از کوره آهن^g (یعنی) مصر، بیرون آورده تا قوم میراث او شوید، آن سان که امروز [شده است].

^{۲۱} سپس یهوه به سبب شما بر من خشم گرفت و سوگند یاد کرد که از اردن عبور نخواهم کرد و وارد سرزمین نیکویی که ۳۷:۱ یهوه، خدایت، به تو همچون میراث ۲۵:۱ می دهد، وارد نخواهم شد. ^{۲۲} آری، من در

همین سرزمین خواهم مرد: از اردن عبور باب ۳۴ نخواهم کرد، حال آنکه شما از آن عبور خواهید کرد و این سرزمین نیکو را به مالکیت در خواهید آورد. ^{۲۳} مراقب خود باشید مبدا عهدهی را که یهوه، خدایتان، با ۹:۴

شما بسته، از یاد برید، و تمثالی به شکل هر آنچه که یهوه، خدایت، منع کرده بسازی. ^{۲۴} زیرا یهوه، خدایت، آتشی ۲۹:۱۲ عبر: ۳:۹ نبودکننده است، خدایی حسود!

^{۲۵} چون پسران و نوادگان تولید کنی، آن هنگام که در سرزمین سالخورده شوید، چنانچه فاسد شوید و اگر برای خود تمثالی بسازید به شکل هر چه که می خواهد باشد، اگر آنچه را که در نظر یهوه، خدایت، بد ۶۸-۱۵:۲۸ است انجام دهید تا او را به خشم آورید،

اعلام داشت و شما را امر فرمود که به آن عمل کنید- آن ده گفتار^e را- و او آنها را بر روی دو لوح سنگی نوشت. ^{۱۴} اما در باره خودم، یهوه در آن زمان مرا امر فرمود که به شما فرایض و قواعد تعلیم دهم، تا در سرزمینی که به آن عبور خواهید کرد تا آن را به مالکیت در آورید، به آنها عمل کنید.

^{۱۵} به دقت مراقب خود باشید: از آنجا که در روزی که یهوه در حوریب، از میان آتش، با شما سخن گفت، هیچ شکلی ندیدید، ^{۱۶} به فاسد کردن خود و ساختن تمثالی به شکل هر بتی^e که می خواهد باشد، نپردازید: شکل (انسان) نریا ماده، ^{۱۷} شکل حیوانی که بر روی زمین است، شکل پرنده ای بالدار که در آسمان پرواز می کند، ^{۱۸} شکل خزنده ای که بر روی زمین می خزد، شکل ماهی ای که در آبهای زیر زمین است. ^{۱۹} و آن گاه که چشمان خود را به سوی آسمان بلند کنی و خورشید و ماه و ستارگان را ببینی، تمامی لشکر آسمانها را، مگذار که به سجده کردن در مقابل آنها و خدمت کردن به آنها کشیده شوی، همانهایی که یهوه، خدایت، همچون سهم، ۱۰:۱

۲۲:۵
:۱۷-۹:۹
:۴-۱:۱۰
خروج ۱۲:۲۴
۱۸:۳۱

:۸:۵
خروج ۴:۲۰
:۱۲:۳۲
روم ۲۳:۱

۱۰:۳:۱۷:۲:۱۷

۷:۱۷:۲

۶:۷

c این نامی است که کتاب مقدس (ر.ک. ۴:۱۰؛ خروج ۲۸:۳۴) به آن چیزی داده که ما طبق عادت «ده فرمان» می نامیمش؛ چنین نامگذاری ای در کتاب مقدس نیامده است.

e کلمه ای که در اینجا «بت» ترجمه شده، به عبری «سمیل» است و معنای آن چندان روشن نیست. برخی آن را «الوهیت» ترجمه کرده اند. این کلمه فقط در حزق ۳:۸، ۵ و ۲-توا ۷:۳۳، ۱۵ به کار رفته است.

f پرستش ستارگان از سوی اسرائیلیان، همواره قویاً محکوم شده است (توضیح ۳:۱۷؛ ر.ک. ۲-یاد ۱۷:۱۶؛ ۴:۲۳؛ ۲:۸؛ حزق ۱۶:۸). اما این امر در مورد سایر اقوام صدق نمی کند، زیرا خداوند را نمی شناسند. به این ترتیب، تثنيه نوعی واقعیت را برای مذاهب بت پرستی قائل می شود (نیز ر.ک. ۲۵:۲۹؛ توضیح ۸:۳۲)؛ بعدها، تأیید خواهد شد که هر انسانی باید ستارگان را همچون نشانه هایی از خدای واقعی تصدیق کند، و پرستندگان آنها- البته با اندکی تبعیض- محکوم شده اند (ر.ک. حک ۱۳:۱-۹).

g حرارت غیر قابل تحمل کوره، تداعی کننده وضعیت تحمل ناپذیر اسرائیل در بردگی می باشد (ر.ک. ۴:۱۱). در اینجا منظور جنبه تطهیرکنندگی کوره نیست که در جاهای دیگر به آن اشاره شده است (ر.ک. اش ۱:۲۵؛ ۱-پتر ۷:۱).

وا نخواهد گذارد، و آن عهد با پدران را از یاد نخواهد برد، همان که در مورد آن برای ایشان سوگند خورده بود^{۲۶}.

شگفتی انتخاب خدا

^{۳۲} پس، از ایام کهن که پیش از تو بوده اند سؤال کن، از روزی که خدا انسان را بر روی زمین آفرید^k، و از یک انتهای

آسمان تا انتهای آسمان! آیا چیزی به این ^{۴:۳۰}

عظمت رخ داده است، یا چیزی مشابه شنیده اند؟ ^{۸-۶:۷} آیا قومی هست که صدای

خدا را شنیده باشد که از میان آتش سخن

گوید، آن سان که تو شنیدی، و زنده مانده ^{۲۶-۲۴:۵}

باشد؟ ^{۳۴} یا آیا خدایی هست که اقدام به

آمدن و برگرفتن قومی از بطن قومی خروج ^{۲۰-۱۸:۲۰}

[دیگر] کرده باشد، با آزمایشها، با نشانه ها، با شگفتی ها، با جنگ، با دستی

نیرومند و بازویی درازشده، و با هراس های ^{۸:۲۶:۱۹:۷}

عظیم، همچون تمام آنچه که یهوه، خدای ^{۱۱:۳۴:۲:۲۹}

شما، در مصر، در مقابل چشمانت، انجام ^{۳۰:۱}

داده است؟

^{۳۵} به تو است که این نشان داده شد، تا ^{۳:۲۹}

بدانی که یهوه است که خدا است، و خارج ^{۳۹:۳۲}

مرد ^{۳۲:۱۲}

^{۱۸:۹} من امروز آسمان و زمین را علیه شما شاهد می گیرم: شما از میان خواهید رفت، ^{۲۹:۳۱}

آری، خیلی سریع از سرزمین که آن را با ^{۲۱:۱۶:۳۲}

عبور از اردن به مالکیت در خواهید آورد، ^{۱۹:۳۰}

از میان خواهید رفت، و روزهای خود را در ^{۲۸:۳۱}

آن طولانی نخواهید ساخت، بلکه تماماً ^{۱:۳۲}

نابود خواهید شد. ^{۴۰:۴} یهوه شما را در میان

قوم ها پراکنده خواهد ساخت، و در میان

ملت هایی که یهوه شما را در آنها هدایت ^{۶۲:۲۸}

خواهد کرد، تعدادی اندک از مردمان باقی

خواهید ماند. ^{۲۸} در آنجا، خدایانی را

خدمت خواهید کرد که عمل دست انسان ^{۶۴:۳۶:۲۸}

هستند، از چوب و از سنگ، که نه می بینند ^{۱۶:۲۹}

و نه می شنوند، و نه می خورند و نه ^{۸-۴:۱۱۵}

استشمام می کنند. ^{۲۸-۲۷:۴}

اش ^{۲۰-۹:۴}

^{۲۹} از آنجا، یهوه، خدایت را خواهی

جست، و او را خواهی یافت، اگر او را با

تمامی دل و با تمامی جان جستجو کنی.

^{۵:۶} در پریشانی ات، آن هنگام که تمام این

چیزها بر تو رخ دهد، در دنباله روزها، به

یهوه، خدایت، باز خواهی گشت و به ^{۱۷:۳۱}

صدای او گوش فرا خواهی داد: ^{۳۱} زیرا

یهوه، خدایت، خدایی رحیم است: او تو را ^{۳۰:۳۰:۱۸:۱۳}

خروج ^{۱۹:۳۳}

۶:۳۴

h این اشاره به تبعید به هیچ وجه با دوره موسی سازگار نیست، بلکه با دوره ای متأخرتر، احتمالاً دوره ای که متعاقب ویرانی اورشلیم، در سال ۵۸۷ ق.م. بوده است.

j خداوند، برای کتاب تثبیه، خدای «پدران» است، یعنی ابراهیم و اسحاق و یعقوب (ر.ک. ۲۱:۱): به ایشان بوده که خداوند سوگند یاد کرده تا سرزمین کنعان را به قوم ایشان بدهد (۸:۱، ۳۵:۶، ۱۰:۸، ۱:۸، ۱۱:۱۰، ۳:۲۶): به علت محبتی که به آنان داشت، قوم اسرائیل را برگزید (۴:۳۷، ۷:۸): او خود را به ایشان بیوند داد (۱۰:۱۵) و با ایشان عهد بست (۷:۱۲). این عهد تمام اعقاب ایشان را در بر می گیرد، و به طور شخصی، تا به اکنون، برای هر نسلی تجدید می شود (۱۰:۱۵). با اینحال، کتاب تثبیه، از نقطه نظری دیگر، بر امتیازات نسل خروج تأکید می ورزد (ر.ک. توضیح ۲:۱۱).

k اسرائیلیان در آغاز، خداوند را همچون خدایی شناختند که در تاریخ قوم حضور دارد. با عمیق تر شدن اندیشه، کشف می کنند که او آفریدگار نیز هست، همان که سرچشمه وجود بشر و تمامی پدیده ها است. این بخش، تنها بخشی در تثبیه است که در آن اقرار شده که خدا خالق است، آنچه که پیش از این نزد عاموس می یابیم (ر.ک. توضیح عا ۴:۱۳)، و خصوصاً در بخش دوم اشعیا (ر.ک. اش ۴۰:۲۸)، و نیز در سنت «کهنانی» (ر.ک. توضیح پید ۱:۱).

l تحت اللفظی: «از یک آنها تا انتهای دیگر آسمان».

را که امروز به تو دستور می‌دهم، نگاه خواهی داشت، آن سان که سعادت نصیب تو شود^P، تو و پسرانت بعد از تو، و تا روزهای خود را بر زمینی که یهوه، خدایت، برای تمامی روزها به تو می‌دهد، طولانی کنی.»

۴:۶ از او خدای دیگری نیست. ^{۳۶}او از آسمان صدای خود را به تو شنواید تا تو را تعلیم دهد، و بر روی زمین، آتش عظیم خود را به تو نشان داد، و تو سخنانش را از میان آتش شنیدی^m.

^{۳۷}از آنجا که پدران را دوست

می‌داشت، اعقاب ایشان را بعد از ایشان بر گزیدⁿ، و تو را به واسطه روی خود^o از مصر بیرون آورد، با قدرت عظیمش، ^{۳۸}تا در برابر تو، ملت‌های بزرگتر و نیرومندتر از تو را خلع ید کند، تا تو را وارد سرزمین ایشان نماید و آن را به تو به میراث دهد، ^{۱۰:۱} آن گونه که امروز [شده است].

^{۳۹} امروز خواهی دانست و به دلت یادآوری خواهی کرد که یهوه است که خدا است، بالا در آسمان و پایین بر روی زمین: خدای دیگری نیست. ^{۴۰}فرایض و اوامر او

۱:۱۹-۱۳:
خروج ۲۱:۱۳:
اعد ۳۵:۹-۳۴:

سه شهر پناهگاه در آنسوی اردن
^{۴۱}آنگاه موسی سه شهر را در آنسوی اردن، به سوی مَطْلَعِ آفتاب کنار گذارد: ^{۴۲}قاتلی که همسایه خود را از روی بی توجهی کشته باشد، بی آنکه پیش از آن از او کینه داشته باشد^q، می‌تواند به آنجا بگریزد: با گریختن به یکی از این شهرها، زندگی‌اش در امان خواهد بود. ^{۴۳}اینها باصر، در بیابان، در سرزمین جلگه، برای رثوبینیان بود؛ و راموت در جلعاد برای جادیان؛ و جولان در باشان برای منسیان.

خطابه دوم موسی (۴:۴ تا ۱۱:۳۲)

دره، در مقابل بیت-فغور، در سرزمین سیحون، پادشاه اموریان، که در حشبون ساکن بود، هم او که موسی و بنی اسرائیل به هنگام خروجشان از مصر شکست داده بودند. ^{۴۷}ایشان سرزمین او و سرزمین

^{۴۴}و این است شریعتی که موسی به بنی اسرائیل عرضه داشت؛ ^{۴۵}اینها هستند اوامر و فرایض و قواعدی که موسی به بنی اسرائیل بیان داشت، به هنگام خروجشان از مصر، ^{۴۶}در آنسوی اردن، در

m صدای خداوند در همه تَجَلی او در سینا شنیده شد: سخنان او همان «ده گفتار» است (ر.ک. توضیح ۱۳:۴).
n قرائت متن عبری: «اعقاب او را بعد از او»: این شکل مفرد شاید اشاره‌ای باشد به یعقوب. متن ما حاوی اصلاحاتی است مبتنی بر ترجمه‌های قدیمی.

o یعنی «با متجلی ساختن حضور خود». می‌توان این گونه نیز ترجمه کرد: «او تو را در مقابل خود از مصر بیرون آورد».
p در «سرزمین نیکو» که خدا به اسرائیل می‌دهد (ر.ک. توضیح ۱:۲۵)، ایشان «سعادت» را خواهند یافت (۵:۱۶، ۲۹:۳:۶، ۱۸:۱۰:۱۳:۱۲:۲۵، ۲۸:۱۹:۱۳:۲۲:۷:۳۰:۹، ۱۵): این دو کلمه در زبان عبری از یک خانواده هستند. یکی از آشکال مشخص این سعادت، این است که وقتی در سرزمین صلح و آرامش برقرار باشد، انسان می‌تواند «روزهای خود را طولانی سازد» (۴:۲۶، ۴۰:۵:۳۳:۹:۱۱:۲۰:۱۷:۷:۲۲:۳۰:۱۸:۳۲:۴۷). در نوشته‌های حکمتی نیز موضوعی مشابه می‌یابیم (ر.ک. امث ۳:۲).
q تحت اللفظی: «نه دبروز، نه پریروز».

آنچه در پایین روی زمین است، و از آنچه که در آنها زیر زمین است.

^۹ در مقابل آنها سجده نخواهی کرد و آنها را خدمت نخواهی نمود؛ زیرا من، یهوه، خدای تو، خدایی حسود هستم، که خطای پدران را بر پسران، و بر [نسل] سوم و چهارم مجازات می‌کنم، برای آنان که مرا نفرت می‌دارند؛^{۱۰} اما وفاداری نشان

می‌دهم بر هزاران، برای آنان که مرا دوست ۵:۶ می‌دارند و احکام مرا^{۱۱} رعایت می‌کنند.

^{۱۱} نام یهوه، خدایت را به عبث اعلام نخواهی داشت؛ زیرا یهوه آن کس را که نامش را به عبث اعلام دارد بی مجازات نمی‌گذارد.

^{۱۲} روز سبّت را رعایت کن تا آن را ۲۷:۲ مرد

تقدیس نمایی، مطابق آنچه که یهوه، خدایت امر فرموده است.^{۱۳} به مدت شش

روز کار خواهی کرد و تمام کارت را انجام خواهی داد؛^{۱۴} اما روز هفتم، سبّت است

برای یهوه، خدایت. هیچ کاری نخواهی کرد، نه تو، نه پسرت، نه دخترت، نه

خدمتگزارت، نه کنیزت، نه گاو، نه الاغت، نه هیچیک از حیوانات، و نه

شخص غریبت که در دروازه‌های تو است، تا خدمتگزارت و کنیزت همچون تو

استراحت کنند.^{۱۵} به یاد خواهی آورد که در سرزمین مصر^{۱۶} برده بودی، و اینکه یهوه،

خدایت، تو را از آنجا با دستی نیرومند و بازویی دراز شده بیرون آورد؛ به همین

عوج، پادشاه باشان، دو پادشاه اموریان که در آنسوی اردن بودند، در مَطْلَع آفتاب، به تصرف در آورده بودند،^{۱۸} از عروعر که در کناره وادی ارنون است تا به کوه سیئون که همان حرمون است،^{۱۹} با تمام عربیه، در آنسوی اردن، به سوی مشرق، تا دریای عربیه، در پایین سراسیمبی فسّجه. ۲۷:۳

اعطای ده گفتار

۱۷-۱:۲۰ خروج ۱:۱ موسی تمامی اسرائیل را احضار کرد و به ایشان گفت: «گوش فرا

ده، ای اسرائیل، به فرایض و قواعدی که امروز به گوشهای شما بیان می‌دارم: آنها را

خواهید آموخت و در اجرای آنها دقت خواهید کرد.^۲ یهوه، خدای ما، با ما در

حوریب عهدی بست.^۳ این عهد را یهوه با پدران ما نیست، بلکه با ما، خود ما که

امروز همگی زنده هستیم.^۴ یهوه با شما، بر کوه، از میان آتش، رو در رو سخن گفت؛^۵ و در آن زمان، من میان یهوه و شما

می‌ایستادم، تا سخن یهوه را به شما اعلام دارم، زیرا شما به سبب آتش ترسان بودید

و بر کوه بر نیامدید. او می‌فرمود:^۶

«من، یهوه، خدای تو هستم که تو را از سرزمین مصر بیرون آوردم، از خانه بردگان.

^۷ در برابر من، خدایان دیگر نخواهی داشت.

^۸ برای خود تمثالی نخواهی ساخت، هیچ شکلی از آنچه در بالا در آسمان است، و از

S در کتاب تثنيه، نسخه «ده گفتار» (آیات ۶-۲۱) با نسخه آن در خروج ۲۰:۲-۱۷ متفاوت بوده، احتمالاً قدیمی تر است.

t قرائت متن عبری: «احکام او را»؛ ما در این ترجمه، بر اساس ترجمه‌های قدیمی اصلاحی انجام داده‌ایم.

u خاطره آنچه که یهوه در گذشته، در مصر، برای قومش انجام داد، بنیادی است که تثنيه در اغلب موارد از آن استفاده می‌کند تا مطالباتش را برای زندگی امروز توجیه کند (ر.ک. ۱۰:۱۹؛ ۱۵:۱۵؛ ۱۶:۱، ۳، ۱۲؛ ۲۳:۸؛ ۲۴:۱۸، ۲۲، و مقدمه‌ای که اساس ده گفتار است؛ ر.ک. آیه ۶). به این ترتیب، عمل تاریخی خدا در مصر، الگویی است برای رفتار و سلوک اسرائیلیان، همان طور که عمل تاریخی خدا در عیسی مسیح، الگویی است برای مسیحیان (مثلاً ر.ک. فیل ۱:۲-۱۱).

۲۲ این سخنان را یهوه به تمامی
گردهم آبی^۷ شما گفت، بر کوه، از میان
آتش، از ابر و از ابر تاریک، با صدایی
نیرومند؛ و چیزی نیفزود^Z آنها را بر دو لوح
سنگی نوشت و به من داد.

خروج ۲۰:۱۸-۲۱:
۵:۱ تیموتای

موسی، واسط میان خدا و انسان

۲۳ پس چون صدا را از میان ظلمات
شنیدید و کوه به آتش فروزان بود، به من
نزدیک شدید، تمام بزرگان قبیله های شما
و مشایختان،^{۲۴} و گفتید: «اینک یهوه،
خدای ما، جلال^a و عظمت خود را به ما
نمایاند، و صدای او را از میان آتش
شنیدیم؛ امروز، دیدیم که خدا با انسان
سخن می گوید و وی زنده می ماند.^{۲۵} و
اکنون چرا باید بمیریم؟ زیرا این آتش عظیم
ممکن است ما را هلاک سازد. اگر بار

سبب است که یهوه، خدایت، تو را امر
فرموده که روز سبت را به عمل آوری.^۷

۱۶ پدر و مادرت را حرمت دار، مطابق
آنچه که یهوه، خدایت، تو را امر فرموده
است، تا روزهایت طولانی شود، و بر روی
زمینی که یهوه، خدایت، به تو می دهد،
سعادت^w نصیبت شود.

۱۷ نخواهی کشت.

۱۸ و مرتکب زنا نخواهی شد.

۱۹ و دزدی نخواهی کرد.

۷:۲۴

۲۰ بر علیه همسایه ات همچون شاهد
دروغین شهادت نخواهی داد.

۲۱ به زن همسایه ات شهوت نخواهی
ورزید؛ و آرزومند^x خانه همسایه ات،
مزرعه اش، و نه خدمتگزارش، نه کنیزش،
گاووش، و نه الاغش، نه چیزی که از آن
همسایه ات می باشد، نخواهی بود.

۷ انگیزه حکم مربوط به سبت با انگیزه ای که در خروج ۲۰:۸-۱۱ برای آن عنوان شده، متفاوت است. تثنيه با یادآوری رویداد
رهایی از مصر، این نهاد را بیشتر مرتبط می سازد به تاریخ نجات، تا به آفرینش، و آن را نشانه ای قرار می دهد از رهایی و
آزادی قوم خدا. این آزادی، از طریق همبستگی، شامل بردگان (۱۶:۲۳)، غریبان یا مهاجران (۱۹:۱۰)، و حتی حیوانات
اهلی نیز (۴:۲۵) می گردد.

W این اشاره به سعادت که با موضوع اطاعت پیوند دارد، خاص نسخه تثنيه از ده گفتار می باشد (ر.ک. توضیح ۴:۴۰).
X این فعل (آرزومند بودن) خاص نسخه تثنيه از ده گفتار است. این فعل تداعی کننده مشغله فکری افراطی و همراه با هیجاناتی
تند و حق طلبانه می باشد (اعد ۱۱:۴-۲ سمو ۲۳:۱۵؛ عا ۵:۱۸).

Y کتاب تثنيه، با استفاده از این اصطلاح، به قومی اشاره می کند که در پای کوه حوریب گرد آمده بودند تا عهد را منعقد سازند و
شریعت را دریافت دارند (۹:۱۰؛ ۱۰:۹؛ ۱۰:۴؛ ۱۶:۱۸؛ ۳۱:۳۰). این همان گردهم آبی مذهبی نمونه است که موجب پدید آمدن
اسرائیل همچون قوم خدا شد (۲۳:۲-۹؛ ر.ک. یوشع ۸:۳۵؛ ۱-پاد ۸:۲۲). سنت «کهناتی» واژه «جماعت» را ترجیح
می دهد (لاو ۸:۴؛ اعد ۱:۲، ۵۳ و غیره). گاه هر دو واژه به یکدیگر می پیوندند (خروج ۱۲:۶؛ لاو ۸:۳). ترجمه یونانی در
اینجا از کلمه *synagôgè* استفاده می کند که بعدها به جماعت یهودی اشاره کرده، و در زبانهای غربی، همان کلمه ای شد که
برای نامیدن «کنیسه» به کار می رود. اما کلمه «جماعت» اغلب به زبان یونانی *ekklesia* برگردانده شده (ریشه کلمه
فارسی «کلیسا») که مسیحیان برای اشاره به جماعت عهد جدید از آن استفاده خواهند کرد.

Z این توضیح صریح سبب می شود که «ده گفتار» را مجموعه ای مجزا بپنداریم که چیزی نباید به آن افزود. همچنین میان سخنان
یهوه که در سینا به تمام قوم داده شده (همان «ده گفتار») و سخنانی که بعداً به موسی داده شد تا به قوم انتقال دهد (ر.ک.
آیه ۳۱)، تمایزی پدید آید.

a «جلال» درخشش عظمت خدا که در ابر یا آتش آشکار می شود.

به عمل آورید؛ نه به راست دور خواهید شد و نه به چپ؛^{۳۳} طریقتی که یهوه، خدایتان، برای شما امر کرده، در همه چیز در آن سلوک خواهید کرد، تا که زیست کنید و ۴:۴۰ سعادتی نصیبتان شود، و روزهای خود را در سرزمینی که مالکش خواهید شد طولانی سازید.

«یهوه، خدایت را دوست خواهی داشت»

۶ و این است حکم و فرایض و قواعدی که یهوه، خدایتان، امر فرموده تا به شما تعلیم داده شود، تا آنها را در سرزمینی که برای تملک به آن عبور خواهید کرد، به جا آورید،^۲ تا از یهوه، خدایت، بترسی و در تمامی روزهای زندگی ات، خودت، پسرت، و پسر پسرت، تمامی اوامر و احکام او را که به تو امر می کنم رعایت کنی، و روزهای طولانی شود.^۳ تو، ای اسرائیل، گوش فرا خواهی داشت و مراقب اجرا خواهی بود، آن سان که در^۴ سرزمینی که شیر و شهد در آن ۴:۴۰ جاری است، سعادتی نصیب گردد و بسیار فزونی یابید، مطابق آنچه که یهوه، خدای خروج ۳:۸ پدران، به تو گفته است.

^۴ گوش فرا ده، ای اسرائیل، یهوه، خدای ما، یگانه یهوه است.^۵ یهوه، خدایت، را با تمامی دلت و با تمامی جانت و با تمامی ۴:۳۵:۴ قرن ۴:۸

دیگر به شنیدن صدای یهوه، خدایمان، ادامه دهیم، خواهیم مرد.^۶ زیرا کدامین موجود گوشتین است که همچون ما صدای خدای زنده را که از میان آتش سخن می گوید شنیده باشد و زنده مانده باشد؟^۷ تو نزدیک برو و هر آنچه را که یهوه، خدای ما، می گوید گوش کن، سپس تو تمام آنچه را که یهوه، خدای ما به تو می گوید، به ما خواهی گفت: ما به آن گوش فرا خواهیم داشت و آن را به عمل خواهیم آورد.»

^۸ یهوه صدای سخنان شما را، در حینی که با من سخن می گفتید، شنید،^b و یهوه مرا گفت: «من صدای سخنان این قوم را شنیدم، آنچه را که به تو گفتند: هر آنچه گفتند نیکو است.^۹ کاش همین دل را برای ترسیدن از من و رعایت کردن تمام احکام من در تمامی روزها می داشتند، تا سعادتی نصیب ایشان گردد، نصیب ایشان و پسرانشان، برای همیشه!^{۱۰} برو و به ایشان بگو: به خیمه های خود باز گردید. -^{۱۱} اما تو همینجا نزد من بایست، و تمامی حکم و فرایض و قواعد را که به ایشان تعلیم خواهی داد به تو خواهم گفت، و ایشان آنها را در سرزمینی که به ایشان می دهم تا آن را مالک شوند به عمل خواهند آورد.»^{۱۲} پس مراقب خواهید بود که مطابق ۱۷:۱۱-۲۰ آنچه که یهوه، خدایتان، امر فرموده،

b همانطور که قوم «صدای» خداوند را شنیدند (آیه ۲۲)، خداوند نیز «صدای» قوم را شنید. به این ترتیب، بعد عاطفی ارتباط برجسته می شود که منتهی می گردد به توافقی از طریق شنیدن سخنان یکدیگر.
c کلمه «در» در متن عبری نیامده است.
d این آیه، جمله اول از اقرار ایمان سنتی اسرائیل است که بر اساس نخستین کلمه آن، «شماع» (یعنی «گوش فرا ده») نامیده می شود. نسخ قدیمی، ابتدا و انتهای این آیه را با حروف درشت تر نوشته اند تا بر اهمیت آن تأکید ورزند. می توان این چنین نیز ترجمه کرد: «یهوه خدای ما است، یهوه یگانه است» (ر.ک. تث ۴:۳۵ و توضیح مر ۲۹:۱۲). ترجمه متداول در یهودیت چنین است: «یهوه خدای ما است، یهوه واحد است».

که خدمتش خواهی کرد، و به نام او است مت ۱۰:۴ موازی که سوگند خواهی خورد.
 ۱۴ به دنبال خدایان دیگر نخواهید رفت،
 از میان خدایان قوم‌هایی که در پیرامون شما ۸:۱۳ خواهند بود،
 ۱۵ زیرا که یهوه، خدایت، که در میان تو است، خدایی است حسود؛ بترس ۹:۵ خروج ۱۴:۳۴
 که مبادا خشم یهوه، خدایت، بر تو افروخته شود و تو را از سطح زمین قلع و قمع کند.
 ۱۶ یهوه، خدایتان، را نخواهید آزمود، آن سان که او را در مسأ آزمودید. ۱۷ می باید خروج ۱۷:۱-۷ احکام یهوه، خدایتان را رعایت کنید، و نیز اوامر و فرایضی را که به تو امر فرموده است. ۱۸ در نظر یهوه آنچه را که راست است و آنچه را که نیکو است انجام خواهی داد، تا سعادت نصیبت گردد و وارد سرزمین نیکو شوی و آن را مالک گردی، (سرزمینی) که یهوه همراه با سوگند به پدران تو داد، ۱۹ و جمیع دشمنانت را از مقابل تو عقب راند، مطابق آنچه که یهوه فرمود.
 ۲۰ چون فردا پسرت از تو بپرسد: «این خروج ۱۲:۲۶: ۱۴:۱۳
 اوامر و فرایض و قواعد چیست که یهوه، خدای ما، به شما امر فرموده است؟» ۲۱ به

قوت دوست خواهی داشت. ۶ این سخنان که امروز به تو امر می‌کنم، بر دل تو باشد. ۷ آنها را به پسرانت خواهی فهماند، و در باره آن سخن خواهی گفت به هنگام نشستن در خانه و راه رفتن در راه، به هنگام خوابیدن و برخاستن؛ ۸ آنها را همچون نشانه به دست وصل خواهی کرد، و همچون پیشانی بند میان چشمانت خواهد بود؛ ۹ آنها را بر تیرهای خانه‌ات و بر درهایت ۱۰ خواهی نوشت.
 ۱۰ پس هنگامی که یهوه، خدایت، تو را وارد سرزمینی سازد که برای پدران تو، ابراهیم و اسحاق و یعقوب سوگند خورده که ۲۵:۱ به تو بدهد: شهرهای بزرگ و زیبا که تو بنا نکرده‌ای، ۱۱ خانه‌هایی پر از هر نوع اموال که تو پر نکرده‌ای، آب‌انبارهایی حفر شده که تو حفر نکرده‌ای، تاکستانها و درختان زیتون که تو نکاشته‌ای: آن‌گاه که بخوری و سیر شوی، ۱۲ مراقب باش که یهوه را که تو را از سرزمین مصر، از خانه بردگان بیرون آورد، از یاد نبری. ۱۳ از یهوه، خدایت است که خواهی ترسید، هم او است

f خدا در کتاب تثنيه، خدایی است که قوم خود را دوست می‌دارد (۴:۳۷، ۷:۸، ۱۳:۱۰، ۱۵:۲۳، ۶). او همچنین خدایی است که نه فقط می‌توان و باید از او ترسید و خدمتش کرد، بلکه می‌توان و باید او را دوست نیز داشت (۵:۱۰، ۶:۵، ۷:۹، ۱۰:۱۲، ۱۱:۱، ۱۳، ۲۲:۱۳، ۴:۱۹، ۹:۳۰، ۶:۱۶، ۲۰): این نکته‌ای است که احتمالاً کسی جرأت نکرده بوده پیش از تثنيه بیان دارد. این محبت شامل تمامیت وجود انسان می‌گردد که با عناصر سه‌گانه‌ای بیان شده که آن را در ۲-پاد ۲۵:۲۳ نیز باز می‌یابیم (انجیل عنصر چهارمی را به آن می‌افزاید: ر. ک. مر ۳۰:۱۲ و بخشهای مشابه). سه فعل «ترسیدن» و «خدمت کردن» و «دوست داشتن» بنیان مجموع ۱۲:۱۰ تا ۱۷:۱۱ را تشکیل می‌دهد. در کتاب تثنيه، بیشتر اوقات به عناصر دوگانه «با تمامی دلت» و «تمامی جان» برمی‌خوریم که به «دوست داشتن» مرتبط است (۱۰:۱۲، ۳۰:۶) و نیز به «جستجو کردن خدا» (۴:۲۹)، «خدمت کردن» او (۱۰:۱۲)، «عمل کردن و نگاه داشتن» احکام (۲۶:۱۶)، «گوش فرا دادن» به خداوند (۳۰:۲)، «بازگشت کردن» به سوی او (۳۰:۲، ۱۰): این افعال گوناگون تداعی‌کننده اشکال ملموسی است که باید محبت قوم به خدایش را شکل ببخشد، همانند محبتی که خدا نسبت به خاصانش دارد (۱۰:۱۸).
 f ر. ک. توضیح خروج ۱۳:۹ و ۱۳:۱۶ کلام خدا آن عاملی است که تعلق اسرائیل را به خدایش مشخص می‌سازد. یهودیان دیندار را عادت است که قطعاتی از پوست حیوانات را که بر آنها سخنان شریعت نوشته شده، بر پیشانی و میج خود ببندند (phylactère، ر. ک. مت ۲۳:۵): این نشانه‌ای بیرونی از وابستگی‌ای درونی به شریعت می‌باشد.
 g تحت اللفظی: «روی چارچوبهای در خانه‌ات و بر دروازه‌های شهر».

۱۵:۵ پسرت خواهی گفت^h: «ما در مصر بردگان فرعون بودیم، و یهوه ما را با دستی نیرومند از مصر بیرون آورد. ^{۲۲}یهوه در مقابل چشمان ما، بر علیه مصر و بر علیه فرعون و بر علیه تمام خاندانش، نشانه‌ها و شگفتی‌های عظیم و مهلک انجام داد. ^{۲۳} و ما را از آنجا بیرون آورد تا ما را وارد سرزمینی سازد که به ما می‌دهد، (سرزمینی) که با سوگند وعده‌اش را به پدران ما داده بود. ^{۲۴}یهوه به ما امر فرمود تا تمامی این فرایض را به جا آوریم، و از یهوه، خدایمان، بترسیم، تا در تمامی روزها، سعادت نصیبمان گردد و ما را زنده نگاه دارد، آن سان که امروز [شده است]. ^{۲۵} و برای ما [عمل] عدالت خواهد بود که مراقب باشیم تا تمام این حکم را در حضور یهوه، خدایمان، به عمل آوریم، مطابق آنچه که او به ما امر فرموده است.»

اسرائیل در میان ملت‌ها

۱ چون یهوه، خدایت، تو را وارد سرزمینی سازد که به آن داخل خواهی شد تا آن را مالک شوی، و ملت‌های بسیار را از مقابل تو بیرون براند، (یعنی)

۱۷:۲۰
بید ۱۹:۱۹-۲۱
خروج ۸:۳
اع ۱۹:۱۳

حتیان و جرجاشیان و اموریان و کنعانیان و فرزیان و حویان و یبوسیان، هفت ملتی را که زیادت‌تر و نیرومندتر از تو هستند، ^۲ و یهوه، خدایت، ایشان را به دست تو بسپارد و تو ایشان را شکست دهی، ایشان را به لعنت نذر خواهی کرد، با آنان عهد نخواهی بست، ^{۳۴:۲} و برایشان ترحم نخواهی کرد. ^۳ با ایشان از طریق ازدواج متحد نخواهی شد: دخترت را به پسر ایشان نخواهی داد، و دختر ایشان^k را برای پسرت نخواهی گرفت، ^۴ زیرا این ممکن است پسرت را از عقب من دور سازد^k ^{۲۷-۲۵:۴} و خدایان دیگر را خدمت کند! آنگاه خشم یهوه بر علیه شما بر افروخته خواهد شد و او تو را خیلی سریع از میان خواهد برد. ^۵ اما این است آن گونه که با ایشان عمل خواهید کرد: قربانگاه‌هایشان را در هم خواهید کوفت؛ ستونهای سنگی ایشان را خرد خواهید ساخت؛ تیرهای چوبی مقدسشان را قطع خواهید کرد؛ و تمثال‌هایشان را به آتش خواهید سوزاند. ^۶ زیرا تو قومی هستی اختصاص یافته به یهوه، خدایت؛ این تو هستی که یهوه، خدایت، برگزیده^m، تا در میان جمیع قوم‌هایی که بر سطح زمین هستند، قوم خاص او شوی.

۲۱-۲:۱۴
روم ۴:۹
تیط ۱۴:۲
۱ پط ۹:۲

h کوشش کتاب تثنيه این است که اصول ایمان را به نسل‌های بعدی منتقل سازد. باید توجه داشت که این «کتاب تعلیمات دینی» اساساً حالت روایتی دارد. در خصوص این اقرار ایمان، ر.ک. توضیح ۲۶:۵

i تحت اللفظی: «و این برای ما یک عدالت خواهد بود». در اینجا عادل بودن به معنی نگه داشتن خویشتن در رابطه مبتنی بر عهد با یهوه، با انجام دادن حکم، می‌باشد، آن سان که قوم متعهد آن شده است (ر.ک. ۲۷:۵). مقررات این احکام پیوند میان این عدالت در چارچوب عهد را با عدالت اجتماعی برقرار می‌سازد (ر.ک. ۱۳:۲۴).

j تحت اللفظی: «پسرت» و «دخترش». اما احتمالاً منظور پیروی از موسی است. این هشدار در مورد پیروی از خود خدا باشد (ر.ک. توضیح ۱۴:۱۱).

l تحت اللفظی: «خدایان دیگر را خدمت کنند»: فعل که در حالت جمع است، همه پسران بی وفا را مد نظر دارد. **m** قوم «مقدس» است (ر.ک. ۲:۱۴، ۲۱:۲۶؛ ۱۹:۲۶؛ ۹:۲۸) زیرا تماماً متعلق به یهوه می‌باشد. این خصوصیتی نیست که خود این قوم کسب کرده باشند، بلکه وضعیتی است از زندگی‌ای خاص که برگزیده شدن و اختصاص یافتنشان به یهوه برایشان

سوگند خورده بود، برایت نگاه خواهد داشت.^{۱۳} او تو را دوست خواهد داشت، ۵:۶
تو را برکت خواهد داد، و تو را فزونی ۴:۲۸
خواهد بخشید؛ او ثمره بطنت و ثمر زمینت را برکت خواهد داد، یعنی گندمت، شراب تازه‌ات و روغن تازه‌ات را، و حمل گاوهایت و افزایش میشهایت^{۱۰} را، بر زمینی که برای پدرانت سوگند یاد کرده که به تو بدهد.^{۱۴} بیش از جمیع قوم‌ها مبارک خواهی بود؛ هیچکس نزد تو نازا نخواهد بود، مرد یا زن، و نه در احشامت.^{۱۵} یهوه هر بیماری را از تو دور خواهد ساخت؛ همه آن بیماریهای واگیردار و مهلک را که در مصر شناختی، آنها را بر تو وارد نخواهد ساخت، بلکه با آنها تمام آنانی را خواهد زد که تو را نفرت می‌دارند.^{۱۶} جمیع قوم‌هایی را که یهوه، خدایت، به تو می‌سپارد از میان خواهی برد؛ چشمت بر آنان ترحم نخواهد کرد و خدایان ایشان را خدمت نخواهی کرد؛ این می‌تواند برایت دام باشد.

۱۷ چنانچه در دلت بگویی: «این ملت‌ها از من زیادترند؛ چگونه می‌توانم ایشان را خلع ید کنم؟»^{۱۸} از آنها ترسان مباش؛ کافی است به یاد آوری آنچه را که یهوه، خدایت، با فرعون و تمام مصر کرد، آن

۷ اگر یهوه شیفته شما شده و شما را برگزیده، به این سبب نیست که زیادتر از قوم‌های دیگر هستی؛ چرا که شما ناچیزترین تمام قوم‌ها می‌باشید.^{۱۸} اما علتش این است که یهوه شما را دوست می‌دارد و سوگندی را که برای پدرانتان یاد کرده نگاه می‌دارد، و به همین سبب یهوه شما را با دستی نیرومند بیرون آورده و تو را از خانه بردگان، از دست فرعون، پادشاه مصر، رهایی داده است.^{۱۹} پس خواهی دانست که این یهوه، خدایت می‌باشد که خدا است، خدایی امین که عهد و وفاداری را تا هزاران نسل برای آنانی که او را دوست می‌دارند و احکامش را رعایت می‌کنند، نگاه می‌دارد؛^{۲۰} اما همان شخصی را که از او نفرت می‌دارد، تقاص می‌دهد و او را هلاک می‌سازد؛ در مورد کسی که او را نفرت می‌دارد تأخیر روا نمی‌دارد؛ بر خود آن شخص است که تقاص وارد می‌سازد.^{۲۱} پس حکم و فرایض و قواعد را رعایت خواهی کرد، (آنهایی) که امروز تو را امر می‌کنم تا به جا آوری.

۲۲ و چنانچه به این قواعد گوش فرا دهی، اگر آنها را نگاه دارید و اگر آنها را به جا آورید، یهوه، خدایت، به نوبه خود، عهد و وفاداری‌ای را که برای پدرانت

۹:۱۳
۱۳:۱۹
۱۲:۲۵

۱۰:۵
۱۳:۱۰

۵:۶
۴۱:۳۲
۱۶:۲۴

تحمیل می‌کند: این همان نکته‌ای است که در آخر آیه توضیح داده شده است. نتیجه چنین تعلقی باید در سلوک قوم نمودار شود؛ ایشان باید از روش زندگی سایر اقوام بگسلند (ر.ک. ۳۱:۱۲، ۹:۱۸، ۱۴) تا در طریقت یهوه سلوک کنند.

n کوچک بودن اسرائیل در نقطه مقابل عظمت گزینشی است که خدا در حق او روا داشته است (ر.ک. حزق ۱:۱۶-۱:۱۴؛ اش ۵۱:۱-۱:۲؛ ۱-قرن ۲۶:۱-۳۱). این گزینش دلیل دیگری ندارد جز محبت یهوه (ر.ک. ۴:۳۲-۳۸). این امر هر نوع دلیل مباحث را از اسرائیل می‌گیرد (ر.ک. عا ۷:۹)، و او را به حیرت و قدردانی فعالانه فرا می‌خواند. همچنین این گزینش گواه است بر وفادار ماندن یهوه در طول قرون و اعصار: یهوه به قول خود پایبند می‌ماند.

o این دو واژه نسبتاً نادر (ر.ک. ۴:۲۸، ۱۸، ۵۱) دلالت دارند یا بر بچه‌های این احشام، یا بر مادران گله بین احشام بزرگ و کوچک.

بر نخواهی گرفت، مبدا که به سبب آن در ۳۱:۱۲
 دام بیفتی، زیرا این برای یهوه، خدایت، ۳:۱۴:۱۵:۱۳
 نفرت انگیز است. ۲۶ و «نفرت انگیزی» را ۱۸:۴-۱:۱۷
 وارد خانه ات نخواهی ساخت، چرا که ۱۸:۲۰:۱۲-۹
 مانند آن، لعنت خواهی شد؛ آن را باید ۱۹:۲۳:۵:۲۲
 نجس بینداری و آن را نفرت انگیز بداری، ۱۶:۲۵:۴:۲۴
 زیرا این یک لعنت است. ۱۶:۳۲:۱۵:۲۷
 ۳۴:۲

آموزش اسرائیل در بیابان

تمام حکمی را که امروز به تو امر ۱
 می کنم، مراقب خواهید بود که به ۸
 آن عمل کنید، تا زیست کنید و فزونی
 یابید و وارد سرزمینی شوید که یهوه با
 سوگند به پدران و وعده داده است، و آن را
 به مالکیت در آورید. ۲ به یاد خواهی آورد
 تمام راهی را که یهوه، خدایت، تو را
 به مدت این چهل سال، در بیابان، راه برد،
 تا تو را خوار سازد، و تو را در آزمایش قرار
 دهد، ۹ تا بداند در دل تو چه هست^r و اینکه ۴:۱۳
 آیا احکام او را رعایت خواهی کرد یا نه.
 ۳ او تو را خوار ساخت و تو را گرسنگی داد،
 سپس تو را با من خوراک داد که تو آن را ۱۶:۱-۳۵
 نمی شناختی و پدران آن را نشناخته
 بودند، تا تو را آگاه سازد که انسان تنها به
 نان زیست نمی کند، بلکه انسان به هر آنچه
 که از دهان یهوه بیرون آید زیست می کند^s.
 ۴ جامه ات بر تنت فرسوده نشد، و پایت در

آزمایشهای بزرگ را که چشمانت دید، ۳:۲۹
 نشانه ها، شگفتی ها، دست نیرومند و ۳۴:۴
 بازوی دراز شده را، که با آنها، یهوه،
 خدایت، تو را بیرون آورد^p: چنین خواهد
 کرد یهوه، خدایت، با تمام قوم هایی که از
 آنان ترسانی. ۲۰ یهوه، خدایت، حتی
 زنبورهای درشت را بر علیه آنان خواهد
 فرستاد، تا زمانی که آنانی که باقی مانده
 باشند و از مقابل تو پنهان شده باشند، از
 میان بروند.

در مقابل آنان لرزان نخواهی بود، زیرا ۲۱
 یهوه، خدایت، در میان تو است، خدایی
 عظیم و مهیب. ۲۲ یهوه، خدایت، این
 ملت ها را کم کم از مقابل تو دور خواهد
 ساخت؛ نخواهی توانست آنها را آنجا قلع و ۲۹:۲۳
 قمع کنی، مبدا حیوانات صحرا بر علیه تو ۲۰:۲۳-۲۰:۲
 فزونی یابند. ۲۳ یهوه، خدایت، آنها را به
 دست تو خواهد سپرد؛ ایشان را به هراسی
 عظیم خواهد زد، تا زمانی که از میان
 بروند. ۲۴ او پادشاهان ایشان را به میان
 دستان تو خواهد سپرد، و نام ایشان را از
 زیر آسمانها محو خواهی ساخت؛ هیچکس
 در مقابل تو مقاومت نخواهد کرد، تا آن
 زمان که ایشان را از میان برده باشی.
 ۲۵ تمثال های خدایانشان را به آتش
 خواهید سوزاند. به نقره و طلایی که بر آنها
 است طمع نخواهید ورزید؛ آن را برای خود

p همین فعل «بیرون آوردن» کافی است تا نجاتی را که به هنگام خروج از مصر به قوم اعطا شد، تداعی کند (ر. ک. توضیح
 ۱۵:۵؛ ۱:۲۷؛ ۵:۶؛ ۶:۶؛ ۸:۱۴؛ ۹:۷؛ ۱۳:۶؛ ۱۱:۱۶؛ ۳:۲۹؛ ۲۴). رویداد خروج نمونه ای است از تمام راهبانی های آتی
 (ر. ک. اش ۴۳:۱۶-۲۰؛ ۴۸:۲۰-۲۱؛ ۲۳:۷-۸).

q در خصوص موضوع آزمایش در بیابان، ر. ک. توضیح ۸:۳۳؛ توضیح خروج ۱۵:۲۴؛ توضیح ۱۷:۲ /
 r این گونه نیز می توان تفسیر کرد: «تا متوجه شوی که چه چیزی در دلت هست».

s آنچه که از دهان یهوه بیرون می آید، «کلام» است (۲۳:۲۴؛ اعد ۳:۳۰؛ ۱۳؛ ۱۷:۱۶؛ مز ۸۹:۳۵). این کلام همانا «نان
 حیات» واقعی است (ر. ک. یو ۶:۴۸). این اصطلاح همچون تکیه گاهی خواهد بود برای عیسی به منظور ایستادگی در مقابل
 وسوسه شیطان (لو ۴:۴).

مدت این چهل سال ورم نکرد. ^۵ در دلت^۴ خواهی دانست که همان سان که مردی پسر خود را اصلاح می کند، یهوه، خدایت، نیز تو را اصلاح می کند، ^۶ و با سلوک در طریق های یهوه، خدایت، و با ترسیدن از او، احکام او را رعایت خواهی کرد.

امث ۳:۱۱-۱۲:۳
عبر ۷:۱۲

سرزمین موعود و وسوسه هایش

^۷ زیرا یهوه، خدایت، تو را وارد سرزمینی نیکو خواهد کرد، سرزمین آبهای جاری و چشمه ها و دریاچه های عمیق که در دره و در کوهستان بیرون می آیند، ^۸ سرزمین گندم و جو، تاک، درختان انجیر و انار، سرزمین درختان زیتون روغنی و عسل، ^۹ سرزمینی که در آن نانت را با امساک نخواهی خورد، و در آنجا چیزی کم نخواهی داشت، سرزمینی که سنگهایش از آهن^{۱۰} است، و از کوههایش مس استخراج خواهی کرد. ^{۱۰} خواهی خورد و سیر خواهی شد و یهوه، خدایت، را مبارک خواهی خواند، برای سرزمین نیکویی که به تو داده است. ^{۱۱} مراقب خود باش که یهوه، خدایت، را از یاد نبری و احکام و قواعد و اوامر او را که امروز به تو امر می کنم، رعایت کنی. ^{۱۲} چون بخوری و سیر شوی، چون خانه هایی زیبا بسازی و در آنها ساکن شوی، ^{۱۳} چون [بینی] که احشام بزرگ و کوچکت فزونی می یابند، و نقره و طلا برایت فزونی

۲۵:۱
۱۲-۱۰:۱۱

اعد ۵:۲۰

۱۲:۶:۲۳:۴

می یابد، و هر آنچه از آن تو است فزونی می یابد، ^{۱۴} مراقب باش که دلت بلند نشود و یهوه، خدایت، را که تو را از سرزمین مصر بیرون آورد، از خانه بردگان، از یاد نبری، ^{۱۵} او را که تو را در بیابان عظیم و مهیب راه برد، در میان مارهای سوزان^۷ و اعد ۶:۲۱-۹
کژدمها، سرزمین تشنگی که در آن آب نیست، او را که برایت از صخره چخماق آب بیرون آورد، ^{۱۶} او را که تو را در بیابان با من خوراک داد که پدران آن را نشناختند، تا تو را خوار سازد و تو را در ۳:۲:۸
آزمایش قرار دهد، تا تو را در آخر خیریت دهد. ^{۱۷} مراقب باش که در دلت نگوئی: «قدرت خودم و نیروی دستم بود که این ثروت را برایم کسب کرد.» ^{۱۸} یهوه، خدایت، را به یاد خواهی آورد، زیرا او است که به تو قوت می بخشد تا ثروت کسب کنی، تا عهد خود را حفظ کند که آن را برای پدران تو سوگند خورد، آن سان که امروز [شده است]. ^{۱۹} اما اگر بر تو رخ دهد که یهوه، خدایت، را فراموش کنی، و به دنبال خدایان دیگر بروی و آنها را خدمت کنی و در مقابل آنها سجده نمایی، امروز بر علیه تو شهادت می دهم: به یقین هلاک خواهید شد! ^{۲۰} مانند ملت هایی که یهوه در برابر شما هلاک خواهد کرد، به همان سان هلاک خواهید شد، زیرا به ۶۳،۵۱:۲۸
صدای یهوه، خدایتان، گوش فرا ندادید.

خروج ۱:۱۷-۷:
اعد ۱۳-۱:۲۰

اش ۱۰:۱۳-۱۴

مز ۱:۱۲۷-۲:
هو ۱۰:۲

t تحت اللفظی: «(با یعنی به کمک) دلت».

u «آهن» که در خاورمیانه بسیار دیر کشف شد (حدود ۱۲۰۰ ق.م)، در دنیای کتاب مقدس از اهمیت بسیاری برخوردار است و همچون نقطه اوج پیشرفت فنون و ابزارهای جنگی به شمار می رود (ر.ک. تختخواب عوج در ۳:۱۱؛ آلات کشاورزی در ۱-سمو ۲۰:۱۳؛ تجهیزات جلیات در ۱-سمو ۱۷:۷؛ و بسیار دیرتر، کاربرد آهن همچون نماد هولناک امپراطوری سلوکی در دان ۲:۴۰:۷:۷ و غیره).

۷ «مارهای سوزان» را در اعد ۶:۲۱ می یابیم.

اسرائیل عادل تر از سایر ملت‌ها نیست

۴:۶ ۹ گوش فرا دار، ای اسرائیل! امروز از اردن عبور خواهی کرد تا بروی و ملت‌هایی بزرگتر و قوی‌تر از خود را خلع ید کنی، به شهرهایی عظیم که تا به آسمان حصاردار است،^۲ قومی عظیم و بلندقامت، بنی‌عناقیم که ایشان را می‌شناسی و در باره ایشان شنیده‌ای که می‌گویند: «چه کس در مقابل بنی‌عناق ایستادگی خواهد کرد؟»^۳ بدان که امروز یهوه، خدایت، خود در مقابل تو همچون آتشی هلاک‌کننده عبور خواهد کرد؛ هم او است که ایشان را از میان خواهد برد، او است که ایشان را در برابر تو پایین خواهد آورد، آن سان که ایشان را خلع ید خواهی کرد و آن‌ا ایشان را هلاک خواهی ساخت، مطابق آنچه که یهوه به تو گفته است.^۴ چون یهوه، خدایت، ایشان را از مقابل تو عقب براند، در دل خود مگو^۵: «به سبب عدالتم است که یهوه مرا وارد این سرزمین ساخته تا آن را مالک شوم، حال آنکه به سبب بدکاری این ملت‌ها است که یهوه ایشان را در برابر تو خلع ید می‌کند.^۵ به سبب عدالت و راستی دل تو نیست که مالک سرزمین

ایشان خواهی شد، بلکه به سبب بدکاری این ملت‌ها است که یهوه، خدایت، ایشان را در مقابل تو خلع ید می‌کند، و نیز به منظور اینکه سخنی را که یهوه برای پدرانت، ابراهیم و اسحاق و یعقوب قسم خورده حفظ کند.^۶ بدان که به سبب عدالت تو نیست که یهوه، خدایت، این سرزمین نیکو را به تو می‌دهد تا مالک آن شوی؛ چرا که تو قومی هستی با گردن سخت.

روم ۱۱:۳۲

خروج ۳۲

گوساله طلایی^۷: بی‌دینی اسرائیل

^۷ به یاد آور و فراموش مکن که تو یهوه، خدایت، را در بیابان به خشم آوردی. از روزی که از سرزمین مصر بیرون آمدی تا رسیدنتان به این مکان، علیه یهوه سر به طغیان برداشتید.^۸ در حوریب نیز یهوه را به خشم آوردید و یهوه بر شما خشم گرفت تا آنجا [که می‌خواست] شما را نابود سازد.^۹ من که بر کوه برآمده بودم تا^{۱۰} لوح‌های سنگی را بگیرم، لوح‌های عهدی^{۱۱} را که یهوه با شما بسته، چهل روز و چهل شب بر فراز کوه ماندم، و نان نخوردم و آب ننوشیدم.^{۱۲} یهوه آن دو لوح سنگی را که به انگشت خدا نوشته شده بود به من

W ر.ک. روم ۱۰:۶

X این تأملی است جدید بر خصوصیت رایگان عطیه‌های الهی به قومش (ر.ک. ۴:۳۲-۷:۳۸). اما اخراج ملت‌ها از برابر اسرائیل، در اینجا همچون مجازات گناهانشان تلقی شده: اسرائیل نیز تهدید شده که در صورت ناطاعتی، خلع ید گردد (ر.ک. ۴:۷؛ ۸:۱۹-۲۰).

Y در تث ۷:۹ تا ۱۱:۱۰ موضوع مذکور در خروج ۳۲-۳۴ تکرار شده و بر این امر تأکید می‌شود که اسرائیل از همان آغاز، هرگز دست از طغیان‌گری بر ضد خدا بر نداشته است. در مقابل تاریخچه بزرگواریهای خدا، تاریخچه بی‌وفایی‌های قوم همچون متهم‌کننده آنان، قد علم می‌کند. موسی میان این دو در مقام شفاعت‌کننده و مصالحه‌گر می‌ایستد. و این خداوند است که همواره در مقام بخشایشگر باقی می‌ماند: اعطای جدید شریعت نشانه‌ای از این حقیقت است.

Z در قیاس با ۲۲:۵، لوح‌های سنگی در اینجا «لوح‌های عهد» نامیده شده‌اند. خطای عمد اسرائیل، گسستن عهد است. این سرچشمه و سرمشق تمام خطاهای دیگر در تاریخ است: این متن روایت این ماجرا را تا حد امکان به اعطای شریعت نزدیک می‌سازد، حال آنکه موسی هنوز از کوه فرود نیامده بوده است.

داد که بر روی آنها تمامی سخنانی بود که
 ۲۲:۵ یهوه بر روی کوه به شما گفته بود، از میان
 آتش، در روز گردهم آیی.

۱۱ باری، در انتهای چهل روز و چهل
 شب، یهوه آن دو لوح سنگی را به من داد،
 لوح های عهد را. ۱۲ یهوه مرا گفت: «بر
 خیز! از اینجا خیلی سریع پایین برو، زیرا
 قوم تو فاسد شده اند، همانها که از مصر
 بیرون آوردی! ایشان خیلی زود از طریقتی
 که به ایشان امر کردم دور شده اند: ایشان
 برای خود بتی از فلز ذوب شده
 ساخته اند.» ۱۳ یهوه مرا گفت: «این قوم را
 دیده ام، و اینک این قومی است با گردنی
 سخت. ۱۴ بگذار (چنین) کنم: ایشان را از
 میان ببرم و نامشان را از زیر آسمانها
 بزدایم، حال آنکه از تو ملتی نیرومندتر و
 کثیرتر از ایشان خواهم ساخت!»

۱۵ برگشتم و از کوه فرود آمدم، و کوه در
 آتش شعله ور بود، و دو لوح عهد را بر دو
 دست خویش داشتم. ۱۶ به واقع دیدم که بر
 علیه یهوه، خدایتان، گناه ورزیده بودید؛
 برای خود گوساله ای از فلز ذوب شده
 ساخته بودید؛ خیلی زود از طریقتی که یهوه
 به شما امر فرموده بود، دور شده بودید.
 ۱۷ آن دو لوح را گرفتم و آنها را از روی دو
 دستم انداختم و آنها را در مقابل چشمان
 شما خرد کردم.

گوساله طلایی: شفاعت موسی

۱۸ خود را در حضور یهوه انداختم؛
 همچون قبل، به مدت چهل روز و چهل

شب، نان نخوردم و آب ننوشیدم، به سبب ۹:۹
 تمام گناهی که مرتکب شده بودید و آنچه
 را که در نظر یهوه بد بود انجام داده بودید ۲۵:۴
 تا او را به خشم بیاورید. ۹ زیرا از خشم و
 غضبی که یهوه را بر علیه شما برانگیخته
 بود، هراسان بودم، تا آنجا که
 [می خواست] شما را نابود سازد؛ اما این
 بار نیز یهوه به من گوش فراداد. ۲۰ یهوه بر
 هارون نیز بسیار خشمگین شد، تا آنجا که
 [می خواست] او را نابود سازد، و در آن
 زمان، برای هارون نیز دعا کردم. ۲۱ اما در
 خصوص گناه شما، گوساله ای که ساخته
 بودید، آن را برداشتم و به آتش سوزاندم و
 آن را خرد کردم، و با دقت آن را ساییدم تا
 جایی که تبدیل به گرد شد و این گرد را در
 سیلابی که از کوه جاری است، انداختم.

۲۲ و در تبعیره، در مسّا، و در قبروت -
 ۱۱:۱۶:۶ اعدا
 هت-تاوه، خشم یهوه را برانگیختید^a.
 ۲۳ و چون یهوه شما را از قادش-برنیع
 فرستاد و گفت: «بر آید و سرزمینی را که
 به شما داده ام به تصرف در آورید، شما
 نسبت به دستور یهوه، خدایتان، طغیان گر
 شدید، و به او ایمان نیاوردید و به صدای
 او گوش فرا ندادید. ۲۴ از روزی که شما را
 می شناسم، نسبت به یهوه طغیان گر
 بوده اید.

۲۵ پس خود را در حضور یهوه انداختم، در
 مدت آن چهل روز و چهل شبی که خود را
 انداختم؛ زیرا یهوه در باره این سخن
 می گفت که شما را از میان ببرد. ۲۶ من از
 یهوه استدعا کردم و گفتم: «ای خداوند

a آیات ۲۲-۲۴ خلاصه ای از سایر ماجراهای مربوط به طغیان اسرائیل علیه خدایش را در میان این رویداد جای داده است. شاید
 این آیات در اصل دنباله آیه ۸ را تشکیل می داده اند. روایت گوساله طلایی در آیه ۲۵ از سر گرفته می شود.

را که بار نخست نوشته شده بود، نوشت، آن ده گفتار را که یهوه بر روی کوه، از میان آتش، در روز گردهم آیی، به شما گفته بود؛ سپس یهوه آنها را به من داد. ^۵ من برگشتم و از کوه فرود آمدم، و لوح ها را در صندوقی که درست کرده بودم گذاردم - و آنها آنجا هستند -، مطابق آنچه که یهوه به من امر فرموده بود.

۷:۱

اعد۳۳:۳۰-۳۲

^۶ بنی اسرائیل از بعروت - بنت - یعقان به سوی موسیره ^b حرکت کردند. در آنجا هارون وفات یافت و در آنجا دفن شد. العازار، پسر او، به جایش کاهن شد. ^۷ از آنجا به سوی جدجوده حرکت کردند، و از جدجوده به سوی یطباتا، سرزمین آبهای جاری، حرکت کردند.

اعد۳۳:۳۸-۲۲:۲۰

^۸ در آن زمان، یهوه قبیله لای ^c را کنار گذارد برای حمل صندوق عهد یهوه، و برای ایستادن در حضور یهوه، و برای خدمت کردن به او و برای برکت دادن به نام او، [همان گونه که] تا به امروز [شده است]. ^۹ به همین سبب است که لای نه سهمی با برادرانش دارد و نه میراثی: میراث او یهوه می باشد، مطابق آنچه یهوه، خدایت، به او گفته است.

۲۵:۹:۳۱

^{۱۰} اما من، بر کوه ایستادم، همچون روزهای پیشین، به مدت چهل روز و چهل شب، و یهوه این بار نیز به من گوش فرا

۹:۹

یهوه، قوم خود و میراث را نابود مساز، همان را که با عظمت خودرهای داده ای و با دستی نیرومند از مصر بیرون آوردی. ^{۲۷} به یاد آور خدمتگزارانت را، ابراهیم و اسحاق و یعقوب را؛ به سختی این قوم منگر، نه به بدکاری اش، و نه به گنااهش، ^{۲۸} مبادا که در سرزمینی که ما را از آن بیرون آوردی بگویند: به این سبب که یهوه نتوانست ایشان را وارد سرزمینی سازد که به ایشان گفته بود، و به دلیل کینه اش نسبت به آنان بود که ایشان را بیرون آورد تا ایشان را در بیابان بمیراند. - ^{۲۹} با این حال، ایشان قوم تو و میراث تو می باشند که با قوت عظیم و با بازوی دراز شده ات بیرون آوردی.»

:۲۷:۳۲
اعد۱۴:۱۶:
مز۱۱۵:۲:

گوساله طلایی: بخشایش الهی

^{۱۰} در آن زمان، یهوه مرا گفت: «دو لوح سنگی، مانند اولین، برای خود بتراش، و به سوی من به کوه بر آی؛ سپس صندوقی چوبین برای خود خواهی ساخت. ^۲ من روی لوح ها، سخنانی را که روی لوح های اول بود که آنها را خرد کردی، خواهم نوشت، و تو آنها را در صندوق خواهی گذارد.» ^۳ من صندوقی از چوب افاقیا ساختم، و دو لوح سنگی مانند اولین تراشیدم، و بر کوه بر آمدم، و آن دو لوح در دست من بود. ^۴ او بر روی لوح ها همانهایی

۱۳:۴

b دو تذکر کوتاه، یعنی آیات ۶-۷ و ۸-۹، جریان روایت را قطع می کند. مسیری که در تذکره اول مشخص شده، نقطه آغازش حوریب نیست؛ لذا مربوط می شود به مرحله ای متأخرتر از حرکت و کوچ بنی اسرائیل.
c تذکر دوم مربوط می شود به «لاویان»: در اینجا ایشان از کاهنان متمایز شده اند (ر.ک. آیه ۶، حال آنکه ۱۸:۱-۸ فقط در باره «کاهنان لای» سخن می گوید؛ ر.ک. توضیح اعد ۱۶:۱۰). در متن «انتخاب شدن» ایشان به روشنی به ماجرای گوساله طلایی مربوط نشده، یعنی آن کاری که در خروج ۲۵:۳۲-۲۹ صورت گرفته است (نیز ر.ک. توضیح تث ۳۳:۸). بیشتر به نظر می رسد که این انتخاب مربوط شده باشد به ساخته شدن صندوق (ر.ک. آیات ۱ و ۵) که لاویان حمل کنندگان آن می باشند.

داد: یهوه نخواست که تو را نابود سازد. ^{۱۱} یهوه به من گفت: «برخیز! پیشاپیش قوم حرکت کن تا بروند و سرزمینی را که برای پدرانشان قسم خوردم که به آنان بدهم، به مالکیت در آورند.»

حکم محبت و اطاعت

^{۱۲} و اکنون، ای اسرائیل، یهوه، خدایت، از تو چه می خواهد؟ جز اینکه از یهوه، خدایت، بترسی، و در تمامی طریق های او سلوک نمایی، و او را دوست بداری، یهوه، ^{۵:۶} خدایت، را خدمت کنی با تمامی دلت و تمامی جانت، ^{۱۳} و احکام یهوه و اوامر او را که امروز به تو امر کردم نگاه داری، تا سعادت بیایی. ^{۱۴} بین: آسمانها و آسمانهای آسمانها^d، و زمین و هر چه که در آن یافت می شود، از آن یهوه، خدایت، می باشد؛ ^{۱۵} و یهوه فقط شیفته پدرانست شد تا آنان را دوست بدارد، و اعقاب آنان را بعد از ایشان، (یعنی) شما که او از میان تمامی قوم ها برگزیده، آن سان که امروز [شده است].

^{۶:۳۰} ^{۱۶} قَلْفَةُ دِلْتان را ختنه خواهید کرد^e، و گردنتان را سخت نخواهید کرد. ^{۱۷} زیرا

یهوه، خدایتان، خدای خدایان و خداوند خداوندان است، خدا، عظیم، قهرمان، مهیب، که از کسی جانبداری نمی کند و هدیه نمی پذیرد، ^{۱۸} و حق یتیم و بیوه زن را می دهد، و شخص غریب را دوست می دارد و به او نان و پوشاک می دهد. ^{۱۹} شخص غریب را دوست خواهید داشت، چرا که شما در سرزمین مصر غریب بودید. ^{۲۰} زیرا از یهوه، خدایت، است که خواهی ترسید، هم او را خدمت خواهی کرد، و به او خواهی چسبید، و به نام اوست که سوگند خواهی خورد. ^{۲۱} هم او است که ستایش تو است و هم او است که خدای تو است، او که برای تو این امور عظیم و مهیب را انجام داده که چشمانت دیده است. ^{۲۲} پدرانست با هفتاد نفر به مصر فرود آمدند، و اکنون یهوه، خدایت، تو را همچون ستارگان آسمان کثیر ساخته است.

درک عمل الهی

۱۱ یهوه، خدایت، را دوست خواهی داشت و فریضه و اوامر و قواعد و احکام او را رعایت خواهی کرد، در تمامی روزها. ^۲ امروز شما آگاهید- زیرا منظور

d «آسمانهای آسمانها» مانند «خدای خدایان» و «خداوند خداوندان» (آیه ۱۷)، فرمولی است که حالت تفضیلی را می رساند. این کلمات توصیفی است از آسمان، در تمام عظمت و شگفتی اش.

e کتاب تثنيه ختنه فیزیکی را که نشانه عهد است نادیده نمی گیرد، اما مانند ارمیا (ار ۴:۴)، در باره «ختنه دل» نیز سخن می گوید (نیز ر. ک. روم ۲:۲۹). آنچه که خداوند از قومش انتظار دارد، تنها اجرای صادقانه آیینهای شریعت نیست، بلکه می خواهد شخص تماماً به او ببیند و از درون دگرگون شود. این نوع ختنه درونی که در اینجا وابسته به تلاش خود شخص است، در ۶:۳۰ همچون اثر عمل الهی معرفی شده و گفته می شود که فقط خدا است که می تواند قومش را در محبتی راستین نگاه دارد.

f «یتیم، بیوه زن، و غریبه» که فاقد هرگونه امکانات و پشتیبانی می باشند، دقیقاً همان کسانی هستند که حق دارند از دلسوزی و رحمت خدا و قوم او برخوردار شوند (ر. ک. ۲۹:۱۴-۱۱:۱۶-۱۴:۲۴، ۱۷، ۱۹-۲۱-۲۶:۱۲-۱۳:۱۳-۲۷:۱۹؛ حزق ۷:۲۲-۱۰:۷؛ زک ۷:۱۰؛ ملا ۳:۵؛ مز ۹۴:۶؛ ۱۴۶:۹). چنین دغدغه ای در تمدن مشرق زمین باستان به فراوانی به چشم می خورد.

۴۰:۴ را طولانی کنید برزمینی که یهوه برای پدران تنان سوگند خورده تا به آنها بدهد، به ایشان و اعقابشان، سرزمینی که در آن شیر و شهد جاری است.

سرزمینی که خدا از آن مراقبت می کند

۱۰ زیرا سرزمینی که به آن داخل خواهید شد تا به مالکیت در آورید، مانند سرزمین مصر نیست که از آن بیرون آمدید، جایی که بعد از پاشیدن بذر، با پا آبیاری می کردی^۱، مانند باغ صیفی کاری.^{۱۱} سرزمینی که به آن عبور خواهید کرد تا آن را به مالکیت در آورید، سرزمین کوهساران و دره ها است که آبهای باران آسمان را می نوشد،^{۱۲} سرزمینی که یهوه، خدایت، از آن مراقبت می کند؛ چشمان یهوه، خدایت، دائماً بر آن می باشد، از ابتدای سال تا به انتهایش.^{۱۳} پس چنانچه احکام مرا که امروز به شما امر می کنم، به خوبی اطاعت کنید، و یهوه، خدایتان را دوست بدارید و او را با تمام دل خود و تمام جان خود خدمت کنید،^{۱۴} باران سرزمینتان را در زمانش خواهم داد^{۱۵}، باران پاییزی و باران بهاری را، و

پسرانتان نیست^g که از درس یهوه، خدایتان آگاه نیستند و آن را ندیده اند -
 شما از عظمت و دست نیرومند و بازوی دراز شده او [آگاهید]^h،^۳ و نیز از نشانه ها و اعمال او که در میان مصر بر علیه فرعون، پادشاه مصر و بر علیه تمام سرزمینش انجام داد،^۴ و از آنچه که به لشکر مصر کرد، به اسبانش و ارا به هایش، که بر آنها آبهای دریای نيزار را غلطانید، آن هنگام که شما را تعاقب می کردند و یهوه ایشان را هلاک کرد، تا به امروز؛^۵ و از آنچه او برای شما در بیابان کرد تا رسیدنتان به این مکان؛^{۱۶} از آنچه به داتان و ابیرام، پسران الیاب، پسران رئوبین، کرد، آن هنگام که سرزمین دهان خود را باز کرد و آنان را بلعید، با خانواده هایشان، خیمه هایشان و هر موجودی که بر روی پاهایشان [حرکت می کردند]، در میان تمام اسرائیل.^۷ آری، چشمان شما است که تمام کار عظیمی را که یهوه انجام داد، دیده اند.
 تمام حکمی را که امروز به شما امر می کنم رعایت می کنید، تا نیرومند باشید و وارد سرزمین شوید و آن را به مالکیت در آورید، آن جایی که عبور خواهید کرد تا آن را به مالکیت در آورید،^۹ و تا روزهای خود

g این تذکر بر امتیاز نسلی که شخصاً در طول رویدادهای خروج از مصر زنده بوده اند، تأکید می گذارد. آنچه که ایشان یا چشمان خود دیدند، باعث شد که ایمان بیاورند، و شهادت آنان بنیادی است که بر پایه آن، نسل های بعدی دعوت شده اند به نوبه خود ایمان بیاورند (ر. ک. یو. ۲۹:۲۰).

h در اینجا نوعی اقرارنامه اعتقادات را به شکل سرود مشاهده می کنیم (ر. ک. توضیح ۵:۲۶) که در آن، چهار عمل بارز در تربیت الهی ذکر شده است، یعنی: بلاهای مصر (آیه ۳)، معجزه دریا (آیه ۴)، منزلگاهها و مراحل سفر در بیابان (آیه ۵)، و مجازات طغیان گران (آیه ۶). این نشانه ها هم آشکارکننده هویت خداوندی است که به نفع قومش عمل می کند، و هم بنیان محبت و اطاعت از او را می گذارد.

i اشاره ای است به فنون آبیاری زمین در مصر: جویها را با پا باز می کردند یا می بستند.
 j در اینجا خطابه به روشنی (ر. ک. توضیح ۴:۷) شکل گفتاری را می گیرد که مستقیماً از سوی خدا به قومش خطاب می شود (آیات ۱۴-۱۵)، تا نشان دهد که خدا شخصاً ضامن تحقق یافتن این وعده ها می باشد (ر. ک. ۲۸:۲۰؛ توضیح ۴:۲۹).

این ملت‌ها را در مقابل شما خلع ید خواهد
کرد، و شما ملت‌های بزرگتر و نیرومندتر
از خود را خلع ید خواهید کرد.^{۲۴} هر مکانی
که کف پایتان آن را لگدمال کند، از آن
شما خواهد بود: قلمرو شما از بیابان و
لبنان، از رود، رود فرات، تا دریای غربی،
گسترش خواهد یافت.^{۲۵} هیچکس در
مقابل شما مقاومت نخواهد کرد؛ یهوه،
خدای شما، هراس و ترس شما را در مقابل
شما بر سطح تمامی سرزمینی که لگدمال
خواهی کرد، حک خواهد نمود، مطابق آنچه
که به شما گفته است.

برکت و لعنت

^{۲۶} بین: من امروز در مقابل شما برکت و
لعنت را قرار می‌دهم.^{۲۷} برکت را، هنگامی
که از احکام یهوه، خدایتان، که امروز به
شما امر می‌کنم، اطاعت نمایید؛^{۲۸} و لعنت
را، اگر از احکام یهوه، خدایتان، اطاعت
نکنید، و از طریقتی که امروز به شما امر
می‌کنم دور شوید تا به دنبال خدایان دیگر
که نشناخته‌اید بروید.^{۲۹} پس چون یهوه،
خدایت، تو را وارد سرزمینی سازد که به آن
داخل خواهی شد تا آن را به مالکیت در
آوری، برکت را بر کوه جریزیم قرار خواهی
داد، و لعنت را بر کوه ایبال.^{۳۰} آیا آنها در
آنسوی اردن نیستند، پشت راه غروب
خورشید، در سرزمین کنعانیان که در عربه
ساکن‌اند، در مقابل جلجال، در کنار
بلوستان موره^k؟^{۳۱} به واقع، شما از اردن
عبور خواهید کرد تا وارد شوید و سرزمینی

گندمت را، شراب تازه‌ات را و روغن
تازه‌ات را جمع‌آوری خواهی کرد؛^{۱۵} و در
صحرایت علف برای احشامت خواهم
گذارد. خواهی خورد و سیر خواهی شد.
^{۱۶} مراقب باشید که نگذارید دلتان فریفته
شود و برای خدمت به خدایان دیگر و سجده
کردن در مقابل آنها، دور شوید؛^{۱۷} آنگاه
ممکن است خشم یهوه بر علیه شما افروخته
شود و آسمان را ببندد: آنگاه بارانی
نخواهد بود و زمین محصول خود را نخواهد
داد، و خیلی سریع از روی سرزمین نیکویی
که یهوه به شما می‌دهد، نابود خواهید شد.
^{۱۸} این سخنان که [به شما می‌گویم]، آنها
را بر روی دلتان و بر روی جانتان خواهید
نهاد؛ آنها را همچون نشانه به دست خود
وصل خواهید کرد، و در میان چشمانتان
پیشانی بند خواهد بود.^{۱۹} آنها را به پسران
خود تعلیم خواهید داد و در مورد آنها با ایشان
سخن خواهید گفت، آن‌گاه که در خانه‌ات
نشسته‌ای و در راه می‌روی، و به هنگام
خوابیدن و برخاستن.^{۲۰} آنها را بر تیرهای
خانه‌ات و بر درهای خواهی نوشت،^{۲۱} تا
روزهای شما و روزهای پسرانتان بر زمینی که
یهوه برای پدران‌تان سوگند خورده که به
ایشان بدهد، کثیر باشد، به کثرت روزهای
آسمانها بر بالای زمین.
^{۲۲} چنانچه تمامی این حکم را که به شما
امر می‌کنم تا به عمل آورید، به خوبی
رعایت کنید و یهوه، خدایتان را دوست
۵:۶ بدارید و در تمامی طریق‌های او سلوک
نمایید و با او پیوند بخورید،^{۲۳} یهوه جمیع

k این تذکره که در آن اشاراتی آمده که تشخیص آنها دشوار است، قاعدتاً محل پرستشگاه شکیم را تعیین می‌کند که در آن به طور دوره‌ای، عهد را جشن می‌گرفتند (ر.ک. توضیح ۱:۲۷).

خواهید بود که تمامی فرایض و قواعدی را که امروز در مقابل شما قرار می‌دهم، به عمل آورید.

را به مالکیت در آورید که یهوه، خدایتان، به شما می‌دهد؛ مالک آن خواهید شد و در آن سکونت خواهید گزید. ۳۲ پس مراقب

قانون نامه احکام^{k*} (۱:۱۲ تا ۱۹:۲۶)

خواهید کرد؛ تیرهای چوبی مقدسشان را قطع خواهید نمود؛ و تمثال‌های خدایان نشان را به آتش خواهید سوزانید. نام^m آنها را از آن مکان محو خواهید ساخت.

^۴ در حق یهوه، خدایتان، چنین عمل نخواهید کرد. ^۵ بلکه مکانی را که یهوه، خدایتان، از میان تمامی قبیله‌هایتان انتخاب خواهد کرد تا نامⁿ خود را در آن بگذارد، تا آن را در آنجا ساکن گرداند^o، آن را جستجو خواهید کرد؛ به آنجا است که خواهی آمد. ^۶ به آنجا قربانی‌های سوختنی و قربانی‌های ذبحی‌تان را خواهید آورد، ده یک‌هایتان و آنچه را که دستتان

^{۱۲} این است فرایض و قواعدی که در به‌جا آوردنشان مراقب خواهید بود، در سرزمینی که یهوه، خدای پدرانت، به تو داده تا در تمامی روزهایی که بر روی آن زمین زندگی می‌کنید، مالک آن باشید.

پرستشگاه واحد

^۱ باید تمام مکان‌هایی را از میان ببرید که ملت‌هایی که از آنها خلع‌ید خواهید کرد، در آنها خدایانشان را خدمت کرده‌اند، بر کوه‌های بلند^۱، بر تپه‌ها، و زیر هر درخت سبز. ^۳ قربانگاه‌هایشان را در هم خواهید کوفت؛ ستونهای سنگی‌شان را خرد

۳۱:۱۲

ار ۲۰:۴

۲ یا ۱۶:۴؛
ار ۲۰:۲

^{k*} این قانون نامه به روشنی به سه بخش قابل تقسیم است. بخش نخست که احتمالاً از نظر نگارش قدیمی‌ترین بخش می‌باشد، به موضوع وحدت می‌پردازد (۱:۱۲ تا ۱۷:۱۶). بخش دوم نهادها را شرح می‌دهد (۱۸:۱۶ تا ۲۲:۱۸). بخش سوم به موضوعات متفرقه می‌پردازد (۱:۱۹ تا ۱۹:۲۶): در آن، احکامی که در قانون نامه عهد تصریح شده (خروج ۲۲:۲۰ تا ۱۹:۲۳) با شرایط جدید انطباق داده می‌شود و در مجموعه‌هایی دسته‌بندی شده که بخش دوم ده گفتار را توضیح می‌دهد.

^l این آیه و آیه بعدی، توصیف خوبی از عناصر مذهب کنعانیان به دست می‌دهد؛ به این ترتیب که پرستشگاهشان در قله تپه‌ای قرار داشت تا به آسمان نزدیکتر باشد؛ درخت برگدار نماد زندگی بود؛ قربانگاه قربانی‌های ذبحی با تیرهایی چوبی یا ستونهای سنگی احاطه می‌شد، و بت نیز تداعی‌کننده حضور خدای محلی بود.

^m متن تصریح نکرده که آیا منظور نام اقوام بوده یا نام خدایانشان. به احتمال بیشتر، منظور نام خدایان نشان بوده، چرا که در نقطه مقابل یهوه قرار دارد که «نام خود» را در مکانی که انتخاب کرده، می‌گذارد (آیه ۵). در خاور نزدیک باستان، «نام» تداعی‌کننده حضور فعال شخص بود؛ کسی که نام خدایی را می‌دانست، می‌توانست با دعا به درگاه او، او را به کمک بطلبد. ر.ک. توضیح خروج ۱۵:۳ و توضیح ۷/۲۰.

ⁿ قانون مربوط به پرستشگاه «واحد»، قویاً در چندین بخش از تثنيه مورد دفاع قرار گرفته است (۱۲:۱۴-۲۲:۲۹-۱۹:۱۵-۲۳:۱۶-۱۷:۸-۱۳-۱۸:۱۸-۱۸:۱۸-۲۶:۲-۱۵). «مکان» دلالت دارد بر معبد اورشلیم، بدون اینکه از آن نام برده شده باشد. فرمولی که به «مکان» اشاره می‌کند، مجدداً در فصل ۱۶، در خصوص اعیاد به کار خواهد رفت و به این ترتیب، بخش نخست قانون نامه را «در چارچوب قرار می‌دهد». اجرای رسوم مذهبی در مکانی واحد، به نوعی اشاره به این حقیقت است که خداوند واحد است (۴:۶)؛ در ضمن، مذهب را از تأثیرات و رسوم بت‌پرستی دور نگه می‌دارد، تأثیرات و رسومی که می‌توانست در پرستشگاههای کنعانی که به پرستشگاههای خدای اسرائیل تبدیل شده بودند، باقی مانده باشد. یگانه بودن مکان عبادت، وحدت قوم برای خدمت به خداوند را نیز آشکار می‌سازد.

^o عبارت «تا آن را در آنجا ساکن گرداند»، در متن عبری به خوبی با بقیه جمله مرتبط نشده و شاید بعدها اضافه شده باشد.

آنچه که دستتان پیش برداشت می کند، و بهترین از تمام هدایای نذری که به یهوه نذر کرده‌اید.^{۱۲} در حضور یهوه، خدایتان، شادی خواهید کرد، شما، پسران و دخترانتان، خدمتگزارانتان و کنیزهایتان، و نیز لاوی‌ای که در دروازه‌های شما^{۱۳} خواهد بود، زیرا که او با شما نه سهمی دارد و نه میراثی.

^{۱۳} مراقب باش که قربانی‌های سوختنی‌ات را در هر مکانی که ببینی تقدیم نکنی؛^{۱۴} بلکه در مکانی که یهوه در یکی از قبیله‌هایت بر خواهد گزید، آنجا است که قربانی‌های سوختنی‌ات را تقدیم خواهی داشت، و آنجا است که هر آنچه را که به تو امر می‌کنم، انجام خواهی داد.

^{۱۵} فقط می‌توانی، مطابق تمام خواسته جانت، گوشت^۱ را در تمامی دروازه‌هایت ذبح کنی و بخوری، بر حسب برکتی که یهوه، خدایت، به تو ارزانی می‌دارد. اشخاص ناپاک و پاک از آن خواهند خورد، آن گونه که غزال و آهو^{۱۶} را [می‌خورند].^{۱۶} فقط خون را نخواهی خورد؛ آن را مانند آب بر زمین خواهی ریخت.

۲۳:۱۲
۱۷:۳۰ تا

پیش برداشت می‌کند^P، هدایای نذری و هدایای داوطلبانه‌تان را، نخست‌زادگان احشام بزرگ و کوچکتان را^۹.^۷ در آنجا در حضور یهوه، خدایتان، خواهید خورد، و شما و اهل خانه‌هایتان از تمام آنچه که دستتان حاصل کرده، از آنچه که یهوه، خدایت، تو را با آن برکت داده، شادی خواهید کرد.

^۸ به هیچ وجه آن گونه عمل نخواهید کرد که در اینجا عمل می‌کنیم، هر کس مطابق آنچه که دلخواهش هست؛^۹ زیرا تا کنون، به مکان استراحت^T و به میراثی که یهوه، خدایت، به تو می‌دهد، نرسیده‌اید.^{۲۰:۳} وقتی از اردن عبور کنید و در سرزمینی که یهوه، خدایتان، به شما به میراث خواهد داد ساکن شوید، وقتی به شما از جانب تمامی دشمنان پیرامونتان استراحت بخشد و در امنیت ساکن گردید،^{۱۱} آنگاه به مکانی که یهوه، خدایتان انتخاب می‌کند تا نامش را در آن ساکن سازد، آنجا است که تمامی آنچه را که به شما امر می‌کنم خواهید آورد، (یعنی) قربانی‌های سوختنی و قربانی‌های ذبحی‌تان، ده یک‌هایتان، و

P تحت اللفظی: «مشارکت دست».

Q مقصود این فهرست این است که انواع قربانی‌های اسرائیلیان را در مجموع نام ببرد، قربانی‌هایی که کتاب لاویان یک به یک به شرح آنها می‌پردازد (ر.ک. «مقدمه» لاویان).

T در اینجا (و در آیه ۱۰)، منظور از «استراحت»، پایان سفر طولانی در بیابان، و نیز جنگها و فتوحات ناشی از آنها می‌باشد؛ برپایی پرستشگاه نشانه این آرامش است که خدا عطا می‌فرماید (ر.ک. ۱-پاد ۸:۵۶؛ مز ۹۵:۱۱؛ عبر ۱۱:۳ تا ۱۱:۴).

S یعنی «در داخل شهرهایتان» (ر.ک. ۵:۱۶؛ توضیح خروج ۲۰:۱۰).

T در کتاب تثنیه، برای تقدیم حیوانی همچون قربانی (۱۷:۱؛ ۱۸:۳؛ ۲۷:۷) و نیز، مانند اینجا، برای ذبح حیوانی همچون خوراک خانواده، از یک کلمه واحد استفاده شده است. واقعیت این است که این هر دو کار، مفهومی مذهبی دارند، و در اصل، ذبح عادی حیوانات در پرستشگاههای محلی صورت می‌گرفت. از میان بردن این پرستشگاهها و جایگزین ساختن آنها با پرستشگاهی واحد، ذبح حیوانات را در این مکان‌ها غیر عملی می‌سازد؛ لذا ذبح حیوانات در محل زندگی از این پس مجاز شمرده می‌شود، اما به شرط اینکه قواعد مربوط به خون رعایت شود (آیه ۱۶). اما قربانی‌هایی که برای خدا تقدیم می‌شود، کماکان منحصر به پرستشگاه مرکزی باقی می‌ماند (آیات ۱۱، ۱۳-۱۴، ۲۶-۲۷).

U گوشت شکار، خوراکی است غیرمذهبی و خوردنش برای همه مجاز است (ر.ک. ۱۴:۵).

ده یک گندمت و شراب تازه ات و روغن تازه ات را نمی توانی در دروازه هایت بخوری، و نه نخست زادگان احشام بزرگ و کوچکت را، و نه هیچ هدیه ای را که نذر کرده ای، نه هیچیک از هدایای داوطلبانه ات را، و نه آنچه را که دست پیش برداشت کرده است.^{۱۸} بلکه در حضور یهوه، خدایت، در مکانی که یهوه، خدایت بر گزیده باشد، آنجا است که می توانی آنها را بخوری، تو، پسرت و دخترت، خدمتگزارت و کنیزت، و نیز لایوی که در دروازه هایت باشد؛ در مقابل یهوه، خدایت، شادی خواهی کرد از تمام آنچه که دست حاصل کرده باشد.^{۱۹} مراقب باش که لایوی را در طول تمام روزهایی که بر روی زمین خواهی بود، وا نگذاری.

^{۲۰} چون یهوه، خدایت، قلمرو تو را وسعت بخشد، مطابق آنچه به تو گفته است، و بگویی: «می خواهم گوشت بخورم، زیرا جانت مایل است گوشت بخورد^۷، می توانی آن را مطابق تمام خواسته جانت بخوری.^{۲۱} چنانچه مکانی که یهوه، خدایت، بر گزیده تا نام خود را در آن بنهد، از تو بیش از حد دور باشد، می توانی از احشام بزرگ و کوچکی که یهوه به تو داده، مطابق آنچه به تو امر کردم، ذبح کنی، و آن را در دروازه هایت، مطابق تمام خواسته جانت بخوری.^{۲۲} همان

گونه که غزال و آهو را می خورند، آن را آن گونه خواهی خورد؛ اشخاص ناپاک و پاک نیز آن را خواهند خورد.^۳ فقط بسیار مراقب باش که خون را نخوری، زیرا خون، جان است، و نباید جان را با گوشت بخوری.^۴ آن را نخواهی خورد؛ آن را مانند آب بر زمین خواهی ریخت.^۵ آن را نخواهی خورد تا سعادت نصیب گردد، و نیز به پسرانت بعد از تو، زیرا آنچه را که در نظر یهوه درست است، انجام می دهی.^۶ فقط هدایای مقدس را که بر عهده تو است و هدایای نذری ات را، آنها را خواهی آورد و به مکانی که یهوه انتخاب می کند خواهی آمد.^۷ قربانی های سوختنی را، گوشت و خون را، بر قربانگاه یهوه، خدایت انجام خواهی داد؛ خون قربانی هایت^۸ بر قربانگاه یهوه، خدایت، ریخته خواهد شد، و گوشت را خواهی خورد.^۹ تمامی این چیزهایی را که به تو امر می کنم، رعایت کن و گوش بگیر، تا سعادت نصیب گردد، و نیز به پسرانت بعد از تو، برای همیشه، زیرا آنچه را که در نظر یهوه، خدایت، نیکو و درست است، انجام می دهی.

^{۱۰} وقتی یهوه، خدایت، ملت هایی را که نزد آنها می روی تا ایشان را از مقابل خود خلع ید کنی، نابود سازد، وقتی ایشان را خلع ید کنی و در سرزمینشان ساکن شوی،

۱۷ آیات ۲۰-۲۵ آنچه را قبلاً در آیات ۱۵-۱۹ گفته شده، تکرار می کند، اما با تأکید بر اینکه ذبح حیوانات خارج از پرستشگاه فقط مختص اسرائیلیانی است که دور از آن زندگی می کنند.

۱۸ در اینجا، کلمه «قربانی» دلالت دارد بر «قربانی های آرامش» (ر.ک. لاو ۳) که گوشت آنها را به نشانه مشارکت با خداوند می خورند (ر.ک. لاو ۱۹:۵-۸). این در نقطه مقابل قربانی های سوختنی قرار دارد که طی آن، لاشه حیوان تماماً سوزانده می شود. در تثنيه، فقط به این دو نوع قربانی اشاره شده است.

زیرا یهوه، خدایتان، شما را در آزمایش
 قرار می‌دهد تا بدانند که آیا یهوه،
 خدایتان، را با تمامی دلتان و تمامی جانتان
 دوست می‌دارید.^۵ به دنبال یهوه، خدایتان،
 است که خواهید رفت، از او است که
 خواهید ترسید، احکام او است که رعایت
 خواهید کرد، صدای او است که به گوش
 خواهید گرفت، او را است که خدمت
 خواهید کرد، و به او است که دلبسته
 خواهید بود.^۶ و این نبی یا این بیننده
 خواب به مرگ سپرده خواهد شد، زیرا او
 پیمان شکنی را در حق یهوه، خدایتان،
 موعظه کرده است تا تو را بیرون از طریقتی
 که یهوه، خدایت، به تو امر کرده که در آن
 سلوک کنی بکشد، (خدایی) که شما را از
 سرزمین مصر بیرون آورده و از خانه بردگان
 رهایی داده است. بدینسان، بدی را از نزد
 خود خواهی رفت.
^۷ چنانچه برادرت، (یعنی) پسر پدرت یا
 پسر مادرت، یا پسر یا دختر خودت، یا زنی
 که بر سینه تو است، یا دوستت که همچون
 جان تو است، بکوشد در نهان تو را بفریزد
 و بگوید: «برویم و خدایان دیگر را خدمت
 کنیم» - [خدایانی] که نه تو و نه پدرانت
 شناخته‌اند -^۸ از این خدایان قوم‌هایی که
 در اطراف شما هستند، نزدیک تو یا دور از

^{۳۰} مراقب باش که پس از آنکه ایشان در
 مقابل تو از میان رفتند، به دنبال آنان در دام
 نیفتی؛ مراقب باش که در باره خدایانشان
 تحقیق نکنی و نگویی: «این ملت‌ها چگونه
 خدایانشان را خدمت می‌کردند؟ من نیز
 می‌خواهم همان را انجام دهم.»^{۳۱} در حق
 یهوه، خدایت، چنین نخواهی کرد؛ زیرا هر
 آنچه که برای یهوه نفرت‌انگیز است، آنچه
 که او نفرت می‌دارد، ایشان آن را برای
 خدایانشان انجام داده‌اند؛ زیرا ایشان حتی
 پسران و دخترانشان را به آتش برای
 خدایانشان سوزاندند.

تنها يك خدا

^{۱۳} اهر آنچه به شما امر می‌کنم،
 مراقب خواهید بود که آن را به جا
 آورید؛ به آن چیزی نخواهی افزود و از آن
 چیزی بر نخواهی کند.

^۲ اگر در میان تو نبی یا بیننده‌ی خوابی^x
 ظاهر شود که به تو نشانه یا کاری
 شگفت‌انگیز عرضه کند،^۳ و آن نشانه یا
 عمل شگفت‌انگیز که در باره آن سخن گفته
 بود^۴ واقع شود و بگوید: «به دنبال خدایان
 دیگر برویم - [خدایانی] که نشناخته‌ای - و
 آنها را خدمت کنیم»،^۴ به سخنان این نبی
 یا بیننده‌ی خواب گوش فرا نخواهی داد؛

xار ۲۳:۲۵، ۲۷، ۲۸، ۳۲، ۲۷:۹؛ ۲۹:۸؛ زک ۲/۱۰؛ این اصطلاحی است اغلب تحقیرآمیز. اما نباید فراموش کرد که دیدن خواب وسیله‌ای است برای نبی برای دریافت مکاشفه‌ای الهی و اصیل (ر.ک. اعد ۱۲:۶؛ یول ۱:۳).
 y نبی اغلب پیام خود را با «نشانه‌ای» همراه می‌ساخت که منشأ الهی سخنانش را ثابت کند؛ این امر در مورد موسی (خروج ۳۰:۴-۳۱)، ایللیا (۱-یاد ۱۸:۳۶-۳۹)، اشعیا (اش ۷:۱۴) و غیره صدق می‌کند. معجزات عیسی نیز از این دست می‌باشد (مت ۹:۶-۷؛ یو ۱۰:۳۷-۳۸). اما نبی دروغین نیز می‌تواند نشانه‌هایی ارائه دهد، مانند جادوگران فرعون (خروج ۷:۱۱؛ ر.ک. مت ۲۴:۲۴؛ اح ۸:۱۱؛ ۲-تسا ۲:۹؛ مکا ۱۳:۱۳). لذا هشدار در خصوص چنین نمایش‌هایی ضروری به نظر می‌رسد.

سؤال خواهی کرد و اگر این راست باشد، اگر این امر کاملاً ثابت شود، اگر این (کار) نفرت انگیز نزد تو ارتکاب یافته باشد، ۴:۱۷^۹ باید با لبه شمشیر ساکنان این شهر را بزنی و آن را با هر آنچه که در آن یافت می شود، به لعنت نذر کنی؛ و حتی احشامش ۳۴:۲ [را خواهی زد] با لبه شمشیر. ۱۷ تمامی بقایای آن را در وسط میدانش گرد خواهی آورد، و شهر و تمامی بقایایش را به آتش خواهی سوزانید، هدیه کامل به یهوه، خدایت: آن همچون تلی ابدی خواهد شد، و دیگر بازسازی نخواهد گردید. ۱۸^{۱۰} و چیزی از این لعنت به دست تو چسبیده باقی نخواهد ماند، تا یهوه از حدت خشم خود باز گردد و در حق تو شفقت نشان دهد و بر تو شفقت فرماید، و تو را فزونی بخشد، مطابق آنچه ۳۱:۴ که برای پدران تو سوگند خورده است، ۱۹^{۱۱} به شرط آنکه به صدای یهوه، خدایت، گوش فرا دهی و تمامی احکامش را که امروز به تو امر می کنم رعایت کنی، و آنچه را که در نظر یهوه، خدایت، راست است به جا آوری.

تو، از یک انتهای زمین تا انتهای زمین، ۱۶:۷^۹ رضا نخواهی داد، به او گوش نخواهی سپرد، چشمت برای او بی ترحم خواهد بود، شفقت نخواهی کرد، او را نخواهی بخشید؛ ۱۰^{۱۰} بلکه باید او را بکشی و دست تو اول بر او خواهد بود تا او را بمیرانی، و سپس دست تمامی قوم^Z؛ ۱۱^{۱۱} او را با سنگها سنگسار خواهی کرد و او خواهد مرد، چرا که کوشیده تو را از یهوه، خدایت، دور کند، (خدایی) که تو را از سرزمین مصر بیرون آورده، از خانه بردگان. ۱۲^{۱۲} و تمام اسرائیل چون از این آگاهی یابند، ترسان خواهند شد و دیگر عملی این چنین بد نزد تو مرتکب نخواهند گردید. ۱۳^{۱۳} اگر بشنوی که می گویند در یکی از شهرهایی که یهوه، خدایت، به تو داده تا در آنها ساکن شوی، ۱۴^{۱۴} مردان، اشخاص بی ارزش^a، که از نزد تو بیرون رفته اند، ساکنان شهرشان را کشیده و گفته اند: «برویم و خدایان دیگر را خدمت کنیم» - [خدایانی] که نشناخته اید- ۱۵^{۱۵} تحقیق خواهی کرد، امتحان خواهی نمود، و با دقت

۲۱:۲۱:۵:۱۷
۲۴:۲۱:۲۲

۱۹:۷

۱:۱

۱۳:۱۷
۲۰:۱۹
۲۱:۲۱

Z اعدام از طریق «سنگسار کردن»، مفهومی دوگانه دارد. از یک سو، شخص مجرم که به امور مقدس دست برده، لمس ناشدنی شده است و اعدام او باید بدون تماس مستقیم دست با او صورت گیرد (خروج ۱۹:۱۳؛ توضیح ۲۱:۲۸؛ توضیح اعد ۳۵:۱۵). و از سوی دیگر، همان طور که در این آیه تصریح شده، این آیین تمامی اعضای قوم را بر آن می دارد تا خود را از همکاری با مجرم جدا سازند و شخصاً در اعدام او شریک شوند (ر.ک. یوشع ۷:۲۵، «تمام اسرائیل او را با سنگها کوفتند...»). گاه سنگسار کردن خودش تبدیل به قبری می گردد، به این ترتیب که مجرم با توده ای از سنگ پوشانده می شود، مانند مورد عخان (یوشع ۷:۲۶).

a تحت اللفظی: «مردان، پسران بلیعال». این اصطلاح تحقیرآمیز را می توان این گونه ترجمه کرد: «مردمانی که معرف چیزهایی هستند که به هیچ دردی نمی خورد»؛ و دلالت دارد بر اشخاصی که عامل اغتشاش و بی نظمی هستند و به دنبال نابودی خود می باشند (داور ۱۹:۲۲؛ ۲۰:۱۳؛ ۱- سمو ۲:۱۲؛ ۲۵:۲۵؛ امث ۱۶:۲۷ و غیره). در تث ۹:۱۵ مشابه این اصطلاح به کار رفته که به معنی «تفکر غیر معقول» می باشد.

رابطه‌ای از نوعی منحصر به فرد

۱۴ اش ۲:۱-۴^۱ شما برای یهوه، خدایتان، پسران هستید. برای شخص مرده^c، بر خود

۱۴:۲۶ بریدگی وارد نخواهید ساخت، و نه تراشیدگی در میان چشمانتان^b. چرا که تو

۶:۷ قومی اختصاص یافته به یهوه، خدایت، هستی، و یهوه تو را برگزیده تا از میان تمامی قوم‌هایی که بر سطح زمین هستند، قوم خاص او گردی.

۳ هیچ چیز نفرت‌انگیز نخواهی خورد^d.
این است حیواناتی که می‌توانید بخورید: ۱۹-۱:۱۱

گاو، گوسفند، بز، آهو، غزال، گوزن، بز کوهی، ریم، گاو دشتی، و بز وحشی^e.

۶ هر حیوانی که سُم منشعب و شکافته شده به دو ناخن دارد، و جزو نشخوارکنندگان می‌باشد، آنها را می‌توانید بخورید. فقط^f

این است آنچه که از میان آنهایی که نشخوار می‌کنند یا سُم منشعب و

شکافته شده دارند، نخواهید خورد: شتر، خرگوش صحرائی و وَنَک، که نشخوار

می‌کنند اما سُمشان منشعب نیست؛ آنها برای شما ناپاک هستند؛^g خوک که سُمش

منشعب است، اما نشخوار نمی‌کند: آن برای شما ناپاک است. از گوشت آنها

نخواهید خورد و به لاشه آنها دست نخواهید زد.

۹ این است آنچه که می‌توانید از میان هر آنچه که در آنها است بخورید: هر چه که بال و فلس دارد، می‌توانید آن را بخورید؛^{۱۰} اما هر آنچه که بال و فلس ندارد، آن را نخواهید خورد: برای شما ناپاک است.

۱۱ هر پرنده پاک را می‌توانید بخورید.

۱۲ و این است پرندگانی که از آنها نخواهید

خورد: عقاب، کُرکس، استخوان‌خوار،

۱۳ لاشخور سیاه و لاشخور، انواع مختلف

لاشخور قرمز،^{۱۴} همه انواع کلاغ،^{۱۵} شترمرغ،

مرغ حق، مرغ نوروزی، انواع مختلف شاهین،

۱۶ جغد، بوتیمار، قاز؛^{۱۷} مرغ سقا، رَحَم،

مرغ ماهی‌خوار،^{۱۸} لقلق، انواع مختلف

کلنک، هدهد و خفاش.^{۱۹} هر حشره بالدار

برای شما ناپاک است: آن را نخواهند خورد.

۲۰ هر پرنده پاک را می‌توانید بخورید.

۲۱ هیچ حیوان مرده را نخواهید خورد: آن

را به شخص غریب که در دروازه‌های تو

است خواهی داد تا بخورد، یا آن را به

بیگانه‌ای بفروشی، زیرا تو قومی

اختصاص یافته به یهوه، خدایت، هستی.

۶:۷ بزغاله را در شیر مادرش نخواهی پخت.

b احتمالاً منظور بخش پیشین سر است.

c در اینجا به آیین‌های سوگواری اشاره می‌شود که ارمیا نیز آنها را ذکر می‌کند اما ظاهراً آنها را ناپسند نمی‌شمارد (ار ۱۶:۶):

۵:۴۱: نیز ر.ک. (۲۹:۷). سایر اقوام نیز این آیین‌ها را به‌جا می‌آوردند (۱-پاد ۱۸:۲۸؛ ار ۴۷:۵). اگر در اینجا، حکم

آنها را منع می‌کند (نیز ر.ک. لاو ۱۹:۲۷-۲۸؛ ۲۱:۵)، برای رد هر نوع رسمی است که می‌توانسته مردگان را الوهیت

بخشد یا عبادت آنها را ترویج کند. کلمه‌ای که ما «برای شخص مرده» ترجمه کرده‌ایم (ر.ک. توضیح ۱۴:۲۶)، می‌تواند

دلالت داشته باشد بر «موث» (نام خدایی فنیقی، ر.ک. اش ۱۵:۲۸).

d رابطه از نوعی منحصر به فرد (اختصاص یافتن به یهوه): (آیات ۲ و ۲۱) میان بنی اسرائیل و یهوه، به‌گونه‌ای ملموس در

فهرستی در باره پاک و ناپاک تجلی می‌یابد، فهرستی که از نوع کهناتی است.

e به غیر از دو نام نخست، بقیه اسامی حیوانات که در این آیه ذکر شده، در جاهای دیگر ناشناخته است و ترجمه آنها مبتنی است بر حدس و گمان.

۲۶:۳۴

خواهد گزید خواهی رفت. ۲۶ نقره را با هر آنچه که جانت آرزو دارد معاوضه خواهی کرد: احشام بزرگ یا کوچک، شراب، نوشیدنی سکرآور و هر آنچه که جانت می‌طلبید: آنجا در حضور یهوه، خدایت، خواهی خورد و شادی خواهی کرد، تو و خانواده‌ات. ۲۷ و لای را که در دروازه‌هایت خواهد بود، او را و نخواهی گذارد، زیرا با تو نه سهمی دارد و نه میراثی.

۲۸ کز پایان سه سال، تمام ده یک محصولات آن سال را بیرون خواهی آورد و آن را بر دروازه‌هایت خواهی گذارد. ۲۹ آنگاه لای که با تو نه سهمی دارد و نه میراثی، خواهد آمد، و نیز شخص غریب، یتیم و بی‌وه زنی که در دروازه‌هایت خواهند بود: ایشان خواهند خورد و سیر خواهند شد، تا یهوه، خدایت، تو را در تمام کاری که دستت می‌تواند بکند، برکت دهد.

۱۸:۱۰

ده يك سالانه و ده يك سه ساله^f

۲۲ ده یک^g تمامی محصول بذرافشانی‌ات را، از هر آنچه که در مزرعه‌هایت می‌روید، هر ساله برداشت خواهی کرد: ۲۳ و در حضور یهوه، خدایت، در مکانی که بر خواهد گزید تا نام خود را در آن ساکن سازد، ده یک گندمت، شراب تازه‌ات، و روغن تازه‌ات، و نیز نخست‌زادگان احشام بزرگ و کوچکت را خواهی خورد، تا بیاموزی که از یهوه، خدایت، در تمامی روزها بترسی.

۲۴ اما چنانچه راه برایت بیش از حد دور باشد، اگر نمی‌توانی [ده یک] را حمل کنی، به این سبب که مکانی که یهوه، خدایت، بر خواهد گزید تا نام خود را در آن ساکن سازد، برایت بیش از حد دور است؛ هنگامی که یهوه، خدایت، تو را برکت دهد، ۲۵ آن را با نقره معاوضه خواهی کرد، و نقره را در دستت خواهی فشرد، و به مکانی که یهوه، خدایت، بر

f بخش نخست قانون نامه در اینجا با اموری مربوط به زمان‌های خاص پایان می‌یابد (۲۲:۱۴ «هر ساله»؛ ۲۸:۱۴ «در پایان سه سال»؛ ۱:۱۵ «در پایان هفت سال»؛ ۲۰:۱۵ «هر ساله»): نقطه اوج این زمان‌ها، اعیاد زیارتی به پرستشگاه واحد است (۱:۱۶-۱:۱۷).

g «ده یک» همان گونه که از نامش پیدا است، مالیاتی است معادل یک دهم. اما این احتمال نیز هست که در بعضی از دوره‌ها نرخ آن متفاوت بوده باشد. این احتمال نیز می‌رود که همه مواد به هنگام ضیافت در پرستشگاه مصرف نمی‌شده است، بلکه سهمی برای لایوان نگه داشته می‌شده است (ر.ک. اعد ۲۱:۱۸-۳۲). نکته جدیدی که در تثنيه هست، این است که ده یک از این پس می‌بایست به پرستشگاه مرکزی آورده و در آنجا صرف می‌شده است.

h این «ده یک سه ساله» (باز ر.ک. ۱۲:۲۶-۱۵) از دو جنبه از سایر ده یک‌ها متمایز می‌شود: یکی اینکه این ده یک به پرستشگاه آورده نمی‌شود، و دوم اینکه تمام آن متعلق به تنگدستان می‌باشد (که لایوان نیز جزو آنان به شمار می‌آیند). این دو جنبه به یکدیگر مرتبط می‌باشند: بیش از تثنيه، همه تنگدستان را به ضیافت مقدس که در پرستشگاه محلی برگزار می‌شده، دعوت می‌کردند: از این پس، باید به پرستشگاه مرکزی بروند که در آنجا فقط لایوان را می‌توان دعوت کرد (آیه ۲۷): دیگران سهم خود را هر سه سال یک بار دریافت می‌کنند، اما این بار همه موارد را به ایشان تعلق می‌گیرد.

سال هفتم

۱۵

در پایان هفت سال، عفو^۱ را به جا خواهی آورد.^۲ و این است قانون عفو: هر صاحب طلبی^k عفو را در مورد آنچه که به همسایه خود قرض داده، انجام خواهد داد؛ او همسایه اش یا برادرش را تحت فشار قرار نخواهد داد. دالّل هنگامی که عفو یهوه را اعلام می‌دارند بیگانه را می‌توانی تحت فشار قرار دهی، اما آنچه که از مال تو نزد برادرت می‌باشد، دستت برای آن عفو را به جا خواهد آورد.^۴ وانگهی، نزد تو تنگدست یافت نخواهد شد^m، زیرا یهوه از برکت دادن تو در سرزمینی که یهوه، خدایت، همچون میراث به تو می‌دهد تا مالکش شوی، غفلت نخواهد ورزید، فقط به این شرط که به صدای یهوه، خدایت، نیک گوش دهی، و مراقب باشی تا تمام این حکم را که امروز به تو

امر می‌کنم به عمل آوری؛ زیرا یهوه، خدایت، مطابق آنچه به تو گفته است، تو را برکت خواهد داد: تو از ملت‌های بی‌شمار وثیقه خواهی گرفت، و تو نیازی نخواهی داشت که وثیقه بدهی؛ تو بر ملت‌های بی‌شمار مسلط خواهی شد، اما ۱۰:۲۴ آنها بر تو مسلط نخواهند شد.

اگر نزد تو شخصی تنگدست باشد، یکی از برادرانت در یکی از دروازه‌های، در سرزمینی که یهوه، خدایت، به تو خروج^{۲۲:۲۱-۲۶} می‌دهد، دل خود را سخت نخواهی ساخت و دست خود را در مقابل برادر تنگدستت نخواهی بست؛^۸ بر عکس، باید دست خود ۱۰:۳ را به روی او بگشایی و آنچه را که کم دارد به او قرض دهی، مطابق آنچه که کم دارد. مراقب باش که در دلت این فکر شروانه ۱۱:۱۵ نباشد (که) سال هفتم نزدیک است، سال عفو و چشم‌ت در حق برادر تنگدستت بد باشد و او را چیزی ندهی: وی ممکن است ۱۴:۱۳

i این دوره هفت ساله تداومی کننده ریتم حاکم بر کشت و زرع می‌باشد: مطابق خروج ۱۰:۲۳-۱۱، محصول می‌بایست هر هفت سال یکبار، به نشانه حق خداوند بر زمین، واگذاشته شود (ر.ک. لاو ۲۵:۲-۷). این ریتم هفت ساله وقتی به موضوع دیون اطلاق می‌شود، در تقویم قوم ثابت باقی می‌ماند. اما برای آزاد ساختن بردگان عبرانی اجباری نیست که ایشان را سال هفتم (یعنی سال هفتم واگذاشتن محصول و بخشیدن دیون) روانه کنند (آیات ۱۲-۱۸)، زیرا مدت زمان مربوط به آن، برای هر برده، از تاریخ ورودش به بردگی محاسبه می‌شود.

j کتاب تثنيه در اینجا حکم شرعی جدیدی وضع می‌کند که به واسطه آن، خود را با شرایط اقتصادی و اجتماعی ای انطباق می‌دهد که در آن بهره‌کشی از فقیران رایج بود و انبیای سده‌های هشتم و هفتم ق.م. نیز آن را تقبیح کرده‌اند. مشخص نیست کاربرد چنین عفوئی چه می‌باشد: آیا منظور این است که پرداخت بدهی‌ها یک سال به تعویق بیفتد، یا بیشتر اینکه تمام بدهی‌هایی که در طول شش سال گذشته ایجاد شده، به طور کامل و قطعی تصفیه گردد؟ اگر این عفو را قطعی و کامل تلقی کنیم، هشدار آیه ۹ را بهتر می‌توانیم درک کنیم، اما نباید از نظر دور داشت که چنین عملی مشکلات بسیاری در عمل پدید می‌آورد.

k تحت اللفظی: «دستش تحویل می‌دهد»: این تصویر مربوط به دستی است که برای رها کردن آنچه که محکم گرفته بود باز می‌شود (همان فرمول در آیه ۳ به کار رفته). کسی که قرضی می‌دهد، وثیقه‌ای «در دست خود» نگاه می‌دارد تا ثابت کند که قرضی داده است. به این ترتیب، گشودن دست و پس دادن وثیقه، به گونه‌ای بسیار ملموس، به معنی تصفیه حساب می‌باشد. l طلبکار حق ندارد بدهکار خود را به محکمه بکشاند تا او را مجبور به بازپرداخت بدهی‌اش سازد یا اگر بدهی غیرقابل پرداخت باشد، او را برده خود گرداند.

m از این جمله می‌توان احساس کرد که نگرش شریعت تا چه حد عمیق و آرمان‌گرایانه است، چرا که می‌کوشد از طریق قانون، جامعه‌ای به وجود آورد که در آن فقیری وجود نداشته باشد. اما شریعت صرفاً آرمان‌گرا نیست، بلکه واقع بین نیز می‌باشد: ر.ک. آیات ۷ و ۱۱

سعادت‌مند است،^{۱۷} درفش را خواهی گرفت، و آن را در به لنگه [در]^{۱۸} در گوش او فرو خواهی برد و او برای همیشه برده تو خواهد بود. برای کنیزت نیز چنین خواهی کرد.

^{۱۸} بادا که در نظرت سخت نیاید که او را از نزد خود آزاد روانه کنی؛ زیرا خدمت کردن تو به مدت شش سال، دو برابر دستمزد یک مزدور می‌ارزد. و یهوه، خدایت، تو را در هر آنچه می‌کنی، برکت خواهد داد.

تخصیص نخست‌زادگان

^{۱۹} هر نخست‌زاده نر را که در احشام بزرگ و در احشام کوچکت زاده شود، آن را به یهوه، خدایت، تخصیص خواهی کرد. خروج ۱۳:۱-۲،^{۱۶} با نخست‌زاده گاو نر خود کار نخواهی کرد، و نخست‌زاده احشام کوچکت را پشم چینی نخواهی نمود. ^{۲۰} آن را در حضور یهوه، خدایت، خواهی خورد^{۲۱}، تو و خانواده‌ات، سال به سال، در مکانی که یهوه انتخاب خواهد کرد.^{۲۱} و چنانچه عیبی داشته باشد، چنانچه لنگ یا کور باشد، یا ^{۵:۱۲} هر نوع عیبی داشته باشد، آن را برای یهوه، خدایت، قربانی خواهی کرد؛^{۲۲} آن را در دروازه‌هایت خواهی خورد؛ ناپاک و پاک به یکسان [از آن خواهند خورد]، آن سان

بر علیه تو به سوی یهوه فریاد بر آورد، و در تو گناهی باشد.^{۲۰} آبیاید به او بدهی و به هنگام دادن، دل بد نداشته باشی؛ زیرا به سبب این، یهوه، خدایت، تو را در هر کارت و در هر اقدام دستت برکت خواهد داد.^{۲۱} به یقین، در میان سرزمین تنگدستانی وجود خواهد داشت؛ به همین سبب است که به تو امر می‌کنم: باید دستت را برای برادرت بگشایی، برای فقیرت و برای تنگدستت در سرزمینت.

^{۲۲} چنانچه برادر عبرانی‌ات، مرد یا زن، خود را به تو بفروشد، او تو را شش سال خدمت خواهد کرد، و سال هفتم او را از نزد خود آزاد روانه خواهی کرد.^{۲۳} و چون او را از نزد خود آزاد روانه می‌کنی، او را دست‌خالی روانه نخواهی کرد،^{۲۴} بلکه باید او را با هدایاییⁿ که از احشام کوچکت، از خرمنگاهت و از خمره‌ات می‌گیری، بار کنی؛ مطابق آنچه یهوه، خدایت، تو را برکت داده، به او خواهی داد.^{۱۵:۵} ^{۱۵} به یاد خواهی آورد که تو در سرزمین مصر برده بودی و یهوه، خدایت، تو را آزاد ساخت؛ به این سبب است که این چیز را امروز به تو امر می‌کنم.

^{۱۶} چنانچه به تو بگوید: «نمی‌خواهم از نزد تو بیرون روم»، چرا که دوستت می‌دارد، تو و خانه‌ات را، چرا که در نزد تو

n تحت اللفظی: «بر دور گردنش، گردنبندی خواهی نهاد که از احشام کوچکت گرفته‌ای...»

o این عمل باستانی که از دستورهای مشابه در «قانون نامه عهد» (خروج ۲۱:۲-۶) برگرفته شده، نماد پیوند شرعی و قطعی برده با خانواده اربایش می‌باشد. لذا هیچ عمل رسواکننده یا بی‌رحمانه‌ای نیست، و به این شخص اسرائیلی که خدمت به اربایش را انتخاب می‌کند، وضعیت خاص و قانونی «برده دائمی» (یا همان برده حلقه به گوش در فرهنگ ایرانی/م) را اعطا می‌کند.

p منظور ضیافتی است سالیانه برای خانواده، ضیافتی که در پرستشگاه برگزار می‌شود و طی آن قربانی را می‌خورند (ر.ک. ۲۳:۱۴). اما چنانچه حیوان معیوب باشد، آن را در ضیافتی غیرمذهبی می‌خورند که در خانه برگزار می‌گردد.

چیزی نباید شب را تا صبح بگذرانند. ۱۶-۱۵:۱۲
 گذر را نمی توانی در یکی از دروازه هایی
 که یهوه، خدایت، به تو می دهد، قربانی
 کنی؛ گذر را تنها در مکانی که یهوه،
 خدایت، بر خواهد گزید تا نامش را در آن
 ساکن سازد، قربانی خواهی کرد،
 شامگاهان، به هنگام غروب خورشید،
 ۴۱:۲ لو ۲۳:۲۳ خروج
 به هنگام^۷ خروج از مصر. آن را خواهی
 پخت^۸ و آن را در مکانی که یهوه،
 خدایت، بر خواهد گزید خواهی خورد،
 سپس بامدادان از آنجا باز خواهی گشت و
 به خیمه های خود خواهی رفت. ^۹ به مدت
 شش روز فطیر خواهی خورد، و روز هفتم،
 گردهم آیی شکوهمند برای یهوه، خدایت؛
 هیچ کاری خواهی کرد.
^{۱۰} برای خود هفت هفته خواهی شمرد؛ ۱۴:۵
 به مجرد آنکه شروع [به نهادن] داس در
 گندها بکنی، شروع خواهی کرد به شمردن
 هفت هفته. ^{۱۱} عید «هفته ها» را برای یهوه،
 خدایت، جشن خواهی گرفت، همراه با
 هدیه داوطلبانه دستت، که مطابق آنچه که

که غزال و آهو را [می خورند]. ^{۱۲} فقط
 خون را نخواهی خورد؛ آن را بر زمین
 خواهی پاشید، همچون آب.

سَه عید زیارتی^{۱۳}

خروج ۲۳:۱۴
 خروج ۱۳:۴
 خروج ۱۲
 ماه آبییب را رعایت کن: برای
 یهوه، خدایت، «گذری^{۱۴}» به جا
 خواهی آورد، زیرا در ماه آبییب بود که یهوه،
 خدایت، تو را شبانگاه از مصر بیرون آورد.
^{۱۵} همچون گذر، برای یهوه، خدایت، احشام
 کوچک و بزرگ قربانی خواهی کرد، در
 مکانی که یهوه بر خواهد گزید تا نام خود را
 در آن ساکن سازد.^{۱۶} با آن، نان و آمده
 نخواهی خورد؛ به مدت هفت روز، با آن
 فطیر^{۱۷} خواهی خورد، نان تیره روزی- زیرا با
 شتاب بود که از مصر بیرون آمدی- تا در
 تمامی روزهای زندگی ات، روز خروج از
 سرزمین مصر را به یاد آوری. ^{۱۸} نزد تو
 خمیرمایه دیده نخواهد شد، در تمامی
 قلمرو تو، به مدت هفت روز؛ و از گوشتی
 که شامگاه روز اول قربانی خواهی کرد^{۱۹}،

q این فصل بخش نخست قانون نامه را با مقرراتی مربوط به اعیاد به پایان می رساند، اعیادی که باید در پایان زیارت، در اورشلیم برگزار کرد؛ لذا هنوز در منطق تمرکزگرایی فصل ۱۲ قرار داریم. فقط عید گذر مستلزم قربانی است. دو آیه آخر این مقررات از هم اکنون نظر به فصل ۲۶ دارند که در پایان قانون نامه واقع است.

r در خصوص عید «گذر»، ر. ک. توضیح خروج ۱۲:۱۱

s حکم تثنيه ای در اینجا با حکم مذکور در خروج ۱۲:۳-۱۱ دو تفاوت دارد: یکی اینکه قربانی ها شامل احشام بزرگ نیز می گردد؛ و دوم اینکه ذبح حیوانات و خود عید باید در پرستشگاه مرکزی صورت گیرد. احتمالاً ارائه همین عنصر اخیر بود که ویژگی جدید گذری را تشکیل می دهد که در زمان یوشیا (۲-۲۳:۲۱-۲۳)، پس از کشف کتاب شریعت، برگزار شد.

t در خصوص فطیر و ارتباط آن با عید گذر، ر. ک. توضیح خروج ۱۲:۱۵ در اینجا، احساس می شود که هدف، پیوند دادن این دو عید می باشد. آیین فطیر، مانند عید گذر، مرتبط شده به رویدادهای خروج از مصر.

u با توجه به توضیح ۱۲:۱۵، به جای قربانی کردن، می توان «ذبح کردن» نیز ترجمه کرد.

v کلمه ای که «به هنگام» ترجمه شده، دلالت دارد بر زمان مقرر برای عید. همچنین امکان دارد که منظور «تاریخ» یا «ساعت» نیز باشد. در خروج ۱۲:۲۹-۳۱، خروج از مصر بعد از مرگ نخست زادگان مصری به هنگام شب، صورت می گیرد، اما غروب خورشید نشانه آغاز این شب شکوهمند آزادی است.

w در خروج ۱۲:۸-۹ در این خصوص از «کباب کردن» سخن می گوید. کلمه ای که در تثنيه به کار رفته، حالتی کلی تر دارد و این معنی ضمنی را در بر دارد که می توان از روشهای دیگری برای پخت استفاده کرد.

در حضور یهوه با دستان خالی حضور نخواهند یافت^{۱۷} بلکه هر کس مطابق آنچه که می تواند بدهد، مطابق برکتی که خروج ۲۰:۳۴ یهوه، خدایت به تو ارزانی خواهد داشت.

قواعد مربوط به داوران^a

^{۱۸} در تمامی دروازه‌هایی که یهوه، خدایت، برای قبیله‌هایت به تو خواهد داد، ۱۸-۹:۱ به خود داوران و کاتبان خواهی داد، و ایشان قوم را با عدالت داوری خواهند کرد. ^{۱۹} حق را منحرف نخواهی ساخت، به شخص نگاه نخواهی کرد، و هدیه نخواهی پذیرفت، زیرا هدیه چشم حکیمان را کور می‌کند و امور عادلان را ویران می‌سازد. ^{۲۰} عدالت را تعاقب خواهی کرد، عدالت ۱۷:۱۰؛ خروج ۸:۲۳؛ مز ۲۳:۱۷ را، تا زنده بمانی و سرزمینی را که یهوه، خدایت، به تو می‌دهد، مالک شوی.

مواردی در عرصه مذهب

^{۲۱} در کنار قربانگاه یهوه، خدایت، که برای خود خواهی ساخت، تیری مقدس، از هر چوبی که باشد^b، برای خود فرو نخواهی کاشت. ^{۲۲} برای خود ستونهای سنگی که ۵:۷ مورد تنفر یهوه، خدایت، می‌باشد، برپا نخواهی داشت.

یهوه، خدایت، تو را برکت داده باشد، خواهی داد. ^{۱۱} در حضور یهوه، خدایت، در مکانی که یهوه، خدایت، بر خواهد گزید تا نام خود را در آن ساکن سازد، شادمانی خواهی کرد، تو، پسر، دختر، خدمتگزار، کنیزت، لایوی ای که در دروازه‌هایت باشد، شخص غریب، یتیم و بیوه‌زنی که نزد تو باشند. ^{۱۲} به یاد خواهی آورد که در مصر برده بودی^x و مراقب خواهی بود تا این احکام را به عمل آوری. ^{۱۳} عید «آلونکها» را به مدت هفت روز جشن خواهی گرفت، آن گاه که محصول خرمنگاه و خمره‌ات را جمع‌آوری کرده باشی؛ ^{۱۴} در عید شادمانی خواهی کرد، تو، پسر، دختر، خدمتگزار، کنیزت، لایوی، شخص غریب، یتیم و بیوه‌زنی که در دروازه‌های تو می‌باشند. ^{۱۵} به مدت هفت روز، جشن را برای یهوه، خدایت، برگزار خواهی کرد، در مکانی که یهوه بر خواهد گزید؛ زیرا یهوه، خدایت، تو را در تمامی عایدات و در تمامی عمل‌دستانت برکت خواهد داد، و در شادی کامل خواهی بود. ^{۱۶} در سال سه بار، تمام جمعیت ذکور در حضور یهوه، خدایت، در مکانی که او بر خواهد گزید، حضور خواهند یافت: در عید فطیر، در عید هفته‌ها، و در عید آلونکها. و

X در اینجا، عید «هفته‌ها» (ر.ک. خروج ۱۶:۲۳ توضیح)، مانند عید گذر، مرتبط شده به آزادی از مصر، اما توضیح بیشتری ارائه نشده است.

Y در خصوص این عید، ر.ک. خروج ۱۶:۲۳ توضیح.

Z ر.ک. توضیح خروج ۱۷:۲۳

a در اینجا بخش دوم قانون نامه آغاز می‌شود که به نهادهای بنیادین می‌پردازد، یعنی به عدالت (۱۸:۱۶ تا ۱۳:۱۷)، سلطنت

(۲۰-۱۴:۱۷)، لایوی (۸-۱:۱۸)، و نبی (۲۲-۹:۱۸). این مجموعه را می‌توان نوعی اساس نامه سیاسی تلقی کرد.

b این گونه نیز می‌توان ترجمه کرد: «تیری مقدس و درختی در کنار قربانگاه...»

۱۷^۱ برای یهوه، خدایت، گاو یا حشم کوچکی که عیبی داشته باشد، هر نوع عیبی، قربانی نخواهی کرد: این برای یهوه، خدایت، نفرت انگیز است.

احکام قضایی

۲ چنانچه نزد تو، در یکی از دروازه‌هایی که یهوه، خدایت، به تو می‌دهد، مرد یا زنی یافت شود که آنچه را که در نظر یهوه، خدایت، بد باشد انجام دهد، و از عهد او تجاوز کند،^۳ و برود و خدایان دیگر را خدمت کند و در مقابل آنها سجده نماید، در مقابل خورشید یا ماه یا تمام لشکر آسمانها^۴ - کاری که امر نکرده‌ام -،^۴ چون از آن اطلاع بیایی و از آن آگاه شوی، به دقت تحقیق خواهی کرد، و چنانچه راست باشد، چنانچه امر کاملاً ثابت شود، چنانچه این امر نفرت انگیز در اسرائیل ارتکاب یافته باشد،^۵ این مرد یا زن را که این عمل بد را مرتکب شده‌اند، به

سوی دروازه‌های^d بیرون خواهی آورد؛ آن مرد یا آن زن را با سنگها سنگسار خواهی کرد و ایشان خواهند مرد. ^۶ آن کس که باید بمیرد، بر اساس گفته دو شاهد یا سه شاهد ۱۱:۱۳ به مرگ سپرده می‌شود: بر اساس گفته فقط یک شاهد به مرگ سپرده نخواهند شد. ۱۵:۱۹^۷ اول دست شاهدان بر او خواهد بود تا او را به مرگ بسپارد، و بعد از آن، دست تمامی قوم. بدینسان، بدی را از نزد خود خواهی رفت.

۷:۱۰؛ ۱۰:۸؛ ۱۳:۸

^۸ اگر امری برای داوری کردن به نظرت ۶:۱۳ غیرممکن برسد: قتل، مرافعه، جراحت - هر مشاجره‌ای در دروازه‌های^e - حرکت کرده، به مکانی بر خواهی آمد که یهوه، خدایت، انتخاب خواهد کرد. ^۹ به سوی کاهنان-لاویان^f و داوری که در آن روزها خواهد بود، خواهی آمد: ایشان تحقیق خواهند کرد و حکم داوری را به آگاهی تو خواهند رسانید. ^{۱۰} تو بر اساس مفاد حکمی که به آگاهی تو خواهند رسانید عمل

c همین اصطلاح در پید ۱:۲ برای اشاره به مجموعه ستارگان به کار رفته است. همراه با تث ۱۹:۴، این تنها بخشی است از این کتاب که در خصوص عبادت ستارگان هشدار می‌دهد. در جاهای دیگر، «خدایان دیگر» بیشتر دلالت دارد بر خدایان محلی (ر.ک. ۱۴:۶؛ ۷:۴؛ ۱۳:۸، و غیره). چنین به نظر می‌رسد که اشاره به ستارگان مرتبط باشد به دوره برتری آشوریان و بابلیان که طی آن، عبادت ستارگان جذابیت بسیاری برای اهالی یهودا یافت (ر.ک. ۲-پاد ۳:۲۱؛ ۵-۴:۲۳؛ ۵ و توضیحات: ار ۲:۸؛ ۱۳:۱۹). باید به خصوصیت شکوهمند انتهای آیه توجه داشت که در آن، ضمیر اول شخص مفرد به کار می‌رود که می‌تواند خواه به موسی دلالت داشته باشد، خواه به خود خدا.

d محکمه‌ها در دروازه‌های شهرها مستقر بودند (ر.ک. ۱۹:۲۱). اما در ضمن، محکومین را نیز در مقابل دروازه، بیرون از شهر، اعدام می‌کردند (ر.ک. ۲۴:۲۲).

e این فرمول که بسیار کلی است، بر امری دلالت دارد که حل و فصل آن دشوار است، زیرا هیچیک از مواردی که معمولاً در سطح محلی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد، پاسخگوی آن نیست. موضوع درخواست کمک از مقامات مرکزی که تصمیماتشان حاکمیت دارد، یکی از اقداماتی است که لازمه تمرکز مذهب و تجمع روحانیون در پرستشگاه مرکزی می‌باشد (ر.ک. توضیح ۵:۱۲ و ۶:۱۸-۷). این مقررات کتاب تثنيه را می‌توان تشبیه کرد به مقررات ۲-توا ۵:۱۹-۱۱ که در آن بر فعال بودن چنین محکمه‌ای در دوره پارسیان گواهی داده شده است.

f عنوان «کاهنان-لاویان» به روحانیونی اشاره دارد که در پرستشگاه مرکزی خدمت می‌کنند (ر.ک. ۱۷:۱۸؛ ۱۸:۱؛ ۲۴:۸؛ ۲۷:۹) و ایشان را از سایر لاویانی که در سرزمین پراکنده‌اند متمایز می‌سازد (ر.ک. ۱۲:۱۲، ۱۸:۱۸؛ ۶:۱۸ و غیره)، یعنی لاویانی که از حق خود برای شراکت در این خدمت استفاده نمی‌کنند (۶:۱۸-۸). «داور» که در کنار کاهنان به او اشاره شده، احتمالاً یکی از ایشان است که به گونه‌ای خاص همچون مسؤول این قبیل امور تعیین شده است.

خواهی کرد، از همان مکانی که یهوه بر خواهد گزید، و مراقب خواهی بود که مطابق هر آنچه که برایت توضیح داده اند، عمل نمایی.^{۱۱} بر اساس مفاد تصمیمی که ایشان برای تو توضیح خواهند داد و مطابق داوری ای که به تو امر خواهند کرد، عمل خواهی نمود؛ از حکمی که ایشان به آگاهی تو می رسانند، به راست یا به چپ دور نخواهی شد.^{۱۲} آن کس که از روی خودبینی عمل کند و به کاهنی که در آنجا ایستاده تا یهوه، خدایت را خدمت کند، گوش نسپارد، یا به داور [گوش نسپارد]،

این شخص خواهد مرد؛ بدینسان بدی را به بیرون از اسرائیل خواهی رفت.^{۱۳} و تمام قوم با شنیدن این، دچار ترس خواهند شد و دیگر خودبینی نخواهد بود.

دستورهایی برای پادشاه

^{۱۴} چون وارد سرزمینی شوی که یهوه، خدایت، به تو می دهد، وقتی آن را به مالکیت در آوری و در آن ساکن شوی، چنانچه بگویی: «می خواهم مانند تمام ملت هایی که در پیرامون من هستند، پادشاهی بر خود مقرر دارم،^{۱۵} می توانی پادشاهی را که یهوه، خدایت، بر خواهد گزید، بر خود مقرر داری؛ آن کس که

^{۱۶} فقط اسبان بسیار نداشته باشد و قوم را به مصر باز نگرداند، تا اسب سواران بسیار داشته باشد، حال آنکه یهوه به شما گفته است: «از این پس دیگر از این راه باز نخواهید گشت.»^{۱۷} همچنین زنان بسیار نداشته باشد، مبادا که دلش دور شود. نقره و طلا نیز به مقدار بسیار زیاد نداشته باشد.

^{۱۸} و به مجرد اینکه بر تخت سلطنت خود بنشیند، نسخه ای از این شریعت^h را، بر اساس کاهنان-لاویان، برای خود در کتابی خواهد نوشت.^{۱۹} آن نزد او خواهد بود و در تمامی روزهای زندگی اش از آن خواهد خواند، تا بیاموزد که از یهوه، خدایش، بترسد، و تمامی سخنان این شریعت و تمامی این احکام را رعایت کند و آنها را به عمل آورد.^{۲۰} بدینسان، دلش بر برادرانش برافراشته نخواهد شد، و از حکم دور نخواهد شد، نه به راست و نه به چپ، تا روزهای سلطنتش را طولانی سازد،^{۲۱} او و پسرانش، در بطن اسرائیل.

g ابهامی که در تمام این بخش در خصوص «سلطنت» وجود دارد، حاکی از آن است که نگارنده اش از قیل از خطرانی که گریبانگیر پادشاهان اسرائیل شده، آگاه بوده است، خطرانی چون قدرت، ثروت، غرور، و استعمار قوم (ر.ک. ۱- سمو ۸). باید توجه داشت که حقوق پادشاه گرچه شدیداً محدود شده (آیات ۱۴-۱۷)، با اینحال، وی از همان طول عمر که به تمام قوم وعده داده شده، بهره مند می گردد، به شرط آنکه مانند سایر اعضای قوم، مطیع شریعت باشد.

h در ترجمه یونانی، عبارت «نسخه ای از این شریعت» به شکلی غیر دقیق، به صورت «شریعت دوم» (به یونانی: deuteronon- mion) ترجمه شده و از این کلمه استفاده گردیده تا به این کتاب نامی را بدهند (یعنی «تثنيه» در معنای «شریعت دوم»/م) که تا به امروز نیز بر آن مانده است. در حالیکه این کتاب فقط جرح و تعدیلی است از شریعت، همراه با تفسیر آن، و نه شریعتی جدید.

در حضور یهوه می ایستند^k؛^۸ او برای تغذیه خود، سهمی برابر با آنان خواهد داشت، صرف نظر از فروش هایش از میراث پدری اش^۱.

منشأ و نقش نبی

^۹ چون وارد سرزمینی شوی که یهوه، خدایت، به تو می دهد، نخواستی آموخت که مرتکب همان (کارهای) نفرت انگیزی شوی که این ملت ها (مرتکب می شوند).^{۱۰} با دا که نزد تو کسی یافت نشود که پسرش یا دخترش را از آتش بگذراند، کسی که حرفه غیب گویی، طالع بینی، جادوگری، ساحری،^{۱۱} افسونگری، احضار اشباح و ارواح، و مشورت با مردگان را^{۱۲} به عمل آورد. زیرا هر که این را انجام دهد، برای یهوه نفرت انگیز است، و به سبب همین (کارهای) نفرت انگیز است^{۱۳} که یهوه، خدایت، این [ملت ها] را در مقابل تو خلع ید می کند.^{۱۴} در حق یهوه، خدایت، کامل خواهی بود.^{۱۵} زیرا این ملت ها که تو آنها را خلع ید خواهی کرد، به طالع بینان و غیب گویان گوش فرا می دهند؛ اما یهوه، خدایت، این را به تو اجازه نمی دهد.

حقوق لایوان

۱۱-۸:۳۳
۹:۱۷
۱۳:۹
۹-۸:۱۰
۱۱-۱:۲۶
۹-۸:۲۳
۱۲:۱۷
۹-۸:۲۳
۱۸
کاهنان-لایوان، تمامی قبیله لایوی، با اسرائیل نه سهمی خواهند داشت و نه میراثی؛ ایشان از قربانی های آتشی که برای یهوه به جا آورده می شود و از میراث او تغذیه خواهند کرد.^۱ [لایوی] در میان برادرانش میراثی نخواهد داشت؛ میراث او یهوه می باشد، مطابق آنچه به او گفته است.^۲ و این است حقوق کاهنان بر قوم، بر آنان که همچون قربانی، خواه گاو، خواه حشم کوچک را قربانی می کنند: دوش و آرواره ها و شکمبه را به کاهنان خواهند داد.^۳ نوبر گندمت، شراب تازه ات و روغن تازه ات را به او خواهی داد، و نیز نوبر پشم احشام کوچک را؛^۴ زیرا یهوه، خدایت، از میان تمامی قبیله ها، او را بر گزیده تا در حضور یهوه، خدایت، بایستد، تا خدمت را به نام یهوه به جا آورد، او و پسرانش، در تمامی روزها.^۵ اگر لایوی ای از یکی از دروازه های بیاید، از هر جا در اسرائیل باشد که او در آن مقیم است، و با تمام اشتیاق جاننش، به مکانی بیاید که یهوه بر خواهد گزید، تا خدمت را به نام یهوه، خدایش، انجام خواهد داد، مانند تمام برادرانش لایوان که

i. ر. ک. «مقدمه لایوان».

j. این قاعده در خصوص سهم کاهنان از قربانی ها، با احکام «کهنانتی» تفاوت دارد. طبق احکام «کهنانتی»، آنچه به کاهن تعلق می گیرد، سینه و ران راست می باشد (ر. ک. لاو ۷:۳۱-۳۴:۱۰؛ اعد ۶:۲۰:۱۸-۱۹) k. این امتیازی است جدید برای اعیان قبیله لایوی که میراثی در سرزمین موعود ندارند و باید از کمکهای مردم امرار معاش کنند؛ ایشان همگی از این حق برخوردارند که به پرستشگاه مرکزی بیایند و در آنجا خدمت کنند و از محل هدایا و قربانی ها امرار معاش نمایند و از همان حقوق روحانیونی که از پیش در اورشلیم خدمت می کردند برخوردار گردند. اما بر اساس ۲-پاد ۲۳:۸-۹، گویا این حق مورد اجرا واقع نشده، زیرا از این متن چنین بر می آید که لایوان تازه وارد می بایست به امتیازاتی پایین تر اکتفا می کردند. در زمان نگارش کتاب های تواریخ، لایوان عملاً به نوعی از روحانیون درجه دو تبدیل شده بودند. l. این جمله ای است دشوار و در باره مفهومش یقینی حاصل نیست. طبق آیه ۲، لایوی «در میان برادرانش میراثی نخواهد داشت»؛ لذا «میراث پدری اش» نمی تواند زمین باشد؛ احتمالاً منظور خانه یا اموال منقول است.

سخنی را که یهوه نگفته است، باز شناسیمⁿ؟»^{۲۲} وقتی نبی به نام یهوه سخن بگوید، اگر آنچه گفته است واقع نشود و اتفاق نیفتد، این است سخنی که یهوه نگفته است: نبی از روی خودبینی سخن ار ۲۸:۷-۹ گفته است: از او نخواهی ترسید!

شهرهای پناهگاه^o

۱۹ هنگامی که یهوه، خدایت، ملت‌هایی را که یهوه، خدایت، سرزمینشان را به تو می‌دهد از میان ببرد، هنگامی که ایشان را خلع ید کنی و در ۲۹:۱۲ شهرهایشان و در خانه‌هایشان ساکن شوی،^۲ برای خود سه شهر در میان سرزمینت که یهوه، خدایت، آن را برای تملک به تو می‌دهد، کنار خواهی گذارد.^۳ راه را در وضعیت خوب نگاه خواهی داشت^p، و قلمرو سرزمینت را که یهوه، خدایت تو را وارث آن خواهد ساخت، سه قسمت خواهی کرد، آن سان که هر قاتلی بتوان به آن بگریزد.^۴ و این است موردی که قاتلی که به آنجا می‌گریزد، زندگی اش در امان

^{۱۵} یهوه، خدایت، از میان تو، از میان برادرانت، نبی‌ای همچون من برای تو بر خواهد انگیخت: به او است که گوش خواهید سپرد.^{۱۶} این همان است که تو، در حوریب، در روز گردهم آیی، از یهوه، خدایت، خواستی و گفتی: «دیگر نمی‌خواهم صدای یهوه، خدایم، را بشنوم و دیگر نمی‌خواهم این آتش عظیم را ببینم، مبادا بمیرم.»^{۱۷} یهوه به من گفت: آنچه گفتند، نیکو است.^{۱۸} من از میان برادران‌شان، نبی‌ای را همچون تو برای ایشان بر خواهم انگیخت^m؛ سخنان خود را در دهان او قرار خواهم داد و او هر آنچه را که به او امر کنم، به ایشان خواهد گفت.^{۱۹} و چنانچه کسی به سخنان من گوش نگیرد، سخنانی که او به نام من خواهد گفت، خودم از او حساب خواهم خواست.^{۲۰} اما نبی‌ای که این خودبینی را داشته باشد که به نام من سخنی بگوید که من به او امر نکرده‌ام که بگوید، یا اینکه به نام خدایان دیگر سخن گوید، این نبی خواهد مرد.^{۲۱} شاید در دل خود بگویی: «چگونه

:۱۰:۳۴
اعد ۱۲:۶-۷

مر ۴:۹-۷

۳۱-۲۳:۵

خروج ۴:۱۵:
ار ۱:۹:
حزق ۳:۱-۱۰

ار ۲۸:۱۵-۱۷

m نقش نبی اساساً وساطت میان خداوند و قوم او می‌باشد، مانند موسی که او نیز واسطی میان خداوند و قومش بود: در اندیشه تثنيه ای، موسی نخستین نبی از میان انبیا است. بعدها علمای یهود با مطالعه این متن در معنای دقیق تر آن، نوید ظهور نبی‌ای استثنایی را در آن می‌دیدند که گاه با مسیح موعود یکی انگاشته می‌شد. این سنت در سؤالات قوم یهود در باره عیسی منعکس است (یو ۱:۲۱؛ ۶:۱۴؛ ۷:۴۰). اما عیسی خود هیچگاه رسماً خود را «آن نبی» معرفی نکرد (گرچه مثلاً در مر ۹:۷، می‌توان اشاره‌ای به تث ۱۵:۱۸ یافت: و نیز در لو ۲۴:۲۷، ۴۴ و یو ۱:۴۵؛ ۵:۴۶).

n باید توجه داشت که ضابطه تشخیص میان نبی راستین و دروغین، به شکل نفی بیان شده: آنچه که می‌توان باز شناخت، آن سخنی است که فرموده خداوند «نیست». از این می‌توان نتیجه گرفت که سخن نبی راستین هیچگاه سخنی مقیدکننده و آمرانه نیست، بلکه آزادی و مسؤولیت تصمیمی را که در مورد آینده گرفته می‌شود، بر عهده خود شخص می‌گذارد. به همین دلیل است که در حکم پایانی آمده که «از او نخواهی ترسید.»

o از اینجا مجموعه‌ای از احکام آغاز می‌شود (و احتمالاً تا ۲۱:۱-۱۰ ادامه می‌یابد) که حکم ده فرمان را در خصوص قتل تشریح می‌کند (حکم «نخواهی کشت»).

p این عبارت حالتی مستتر دارد. در هر یک از سه منطقه پیش بینی شده، افراد باید بتوانند به راحتی و به سرعت به شهر پناهگاه برسند.

خواهد بود: چنانچه همسایه خود را سهواً زده باشد، بی آنکه از پیش از او کینه‌ای داشته باشد؛^۵ مانند کسی که با یار خود به جنگل می‌رود تا چوب ببرد؛ دستش تبر را تکان می‌دهد تا درختی را ببرد، اما آهن از دسته به در می‌رود و به یارش می‌خورد و در اثر آن می‌میرد؛ چنین شخصی خواهد توانست به یکی از این شهرها بگریزد و جانش در امان خواهد بود.^۶ و گرنه، انتقام‌گیرنده خود^۹ ممکن است قاتل را در غلیان دل خود تعاقب کند؛ او ممکن است به وی برسد چرا که راه دراز است^۲، و وی را بزند و بکشد، حال آنکه وی سزاوار مرگ نیست، چرا که از آن دیگری کینه‌ای نداشت.^۷ از این رو است که تو را امر می‌کنم: «برای خود سه شهر را کنار خواهی گذارد.»^۸ و چنانچه یهوه، خدایت، قلمرو تو را وسعت بخشد، مطابق آنچه برای پدران تو سوگند یاد کرده، و چنانچه تمام سرزمینی را به تو بدهد که اعلام داشته که به پدران تو بدهد،^۹ به شرط آنکه تمامی حکمی را که امروز به تو امر می‌کنم رعایت کنی تا آن را به عمل آوری، و یهوه، خدایت، را دوست بداری، و در تمامی طریق‌های او در تمامی روزها سلوک نمایی، آنگاه سه شهر دیگر نیز به این سه خواهی افزود.^{۱۰} بدینسان، خون بی‌گناه

در میان سرزمین تو ریخته نخواهد شد، سرزمینی که یهوه، خدایت، همچون ارث به تو می‌دهد، و در آنجا بر تو خون ریخته شده نخواهد بود.^{۱۱} اما چنانچه مردی که از همسایه خود کینه دارد، در کمین او بنشیند، و بر علیه او بر خیزد و او را بزند و بکشد، و به یکی از این شهرها بگریزد،^{۱۲} مشایخ شهرش خواهند فرستاد تا او را از آنجا بگیرند، و او را به دستهای انتقام‌گیرنده خون خواهند سپرد تا بمیرد.^{۱۳} چشمت برای او بدون ترحم خواهد بود؛ بدینسان، خون بی‌گناه را به بیرون از اسرائیل خواهی رفت و سعادت ۱۶:۷ خواهی داشت. ۶:۱۳

احترام به حدود زمینها

^{۱۴} حدود همسایه خود را، آن را که پیشینیان قرار داده‌اند، در میراثی که در سرزمین به ارث خواهی برد، جابجا نخواهی کرد، (در سرزمینی) که یهوه خدایت، به تو می‌دهد تا مالکش شوی. ۱۷:۲۷

نقش شاهدان

^{۱۵} تنها یک شاهد نخواهد توانست بر علیه شخصی برای هر خطا یا هر گناهی که باشد بر خیزد؛ به هر گناهی که گناه کرده باشد، بر اساس گفته دو شاهد یا بر اساس

q در خصوص رسم انتقام خون خانواده، ر.ک. توضیح اعد ۱۲:۳۵ و یادداشت مربوط به آیه ۱۲ در ذیل.
r اگر شهرها از نظر جغرافیایی به شکلی نامناسب تقسیم می‌شدند، کسی که مرتکب قتل غیر عمد می‌شد و در منطقه‌ای دوردست زندگی می‌کرد، ممکن بود نتواند خود را به شهر پناهگاه برساند و از حق خود استفاده کند. در این صورت، ممکن بود به دست انتقام‌گیرنده خون بیفتد.

s این سه شهر جدید در شرق رود اردن قرار داشتند (ر.ک. ۴۱:۴-۴۳). طبق این آیه، گسترش جغرافیایی سرزمین اسرائیل از غرب رود اردن به سوی شرق صورت می‌گیرد؛ این امر از نظر تاریخی (یعنی از نظر زمان نگارش کتاب تثنيه/م) احتمالاً درست است، اما با دیدگاه سنتی رویدادها سازگار نیست (ر.ک. ۸:۳-۲۰).

هم او که تو را از سرزمین مصر بر آورد. ۲ پس چون نزدیک جنگ باشی، کاهن پیش خواهد آمد و با قوم سخن خواهد گفت. ۳ به ایشان خواهد گفت: «گوش فراده، ای اسرائیل! امروز در آستانه جنگ با دشمنانتان هستید؛ بادا که دلتان سست ۴:۶ نشود، مترسید، پریشان مشوید، و در مقابل ایشان ملرزید؛ ۴ زیرا یهوه، خدایتان، با شما حرکت می کند^۵ تا برای شما بر علیه دشمنانتان بجنگد، تا شما را نجات بخشد.»

۵ کاتبان به این مضمون با قوم سخن خواهند گفت: «کدام مرد است که خانه ای نو بنا کرده و آن را افتتاح ننموده است؟^۷ ۱۵:۱ او برود و به خانه خود باز گردد، مبادا در جنگ بمیرد و کسی دیگر آن را افتتاح نماید. ۶ و کدام مرد است که تاکستانی کاشته و نوبر آن را بر نداشته است؟ او برود و به خانه خود باز گردد، مبادا در جنگ بمیرد و دیگری نویر آن را بردارد. ۷ و کدام مرد است که با زنی نامزد کرده و هنوز او را نگرفته است؟ او برود و به خانه خود باز گردد، مبادا در جنگ بمیرد و دیگری آن زن را بگیرد.»

۸ کاتبان به سخن گفتن با قوم ادامه خواهند داد و خواهند گفت: «کدام مرد

گفته سه شاهد است که امر به اثبات خواهد رسید. ۱۶ هنگامی که شاهدهی که اتهام وارد می سازد، بر علیه شخصی بر خیزد تا او را به شکستن عهد متهم کند، ۷ آن دو نفری که منازعه دارند، در حضور یهوه خواهند ایستاد، در مقابل کاهنان و داوران که در آن روزها باشند؛ ۱۸ داوران به دقت تحقیق خواهند کرد، و چنانچه معلوم شود که آن شاهد، شاهدهی دروغین است و به دروغ بر علیه برادر خود شهادت داده است، ۱۹ شما به او همان را خواهید کرد که او قصد داشت به برادرش بکند؛ بدینسان، بدی را از نزد خود خواهی رفت. ۲۰ و دیگران این را خواهند شنید و دچار هراس خواهند شد، و دیگر پس از آن، کاری به این بدی نزد تو مرتکب نخواهند شد.

۲۱ چشم تو بدون ترحم خواهد بود: زندگی در عوض زندگی، چشم در عوض چشم، دندانان به عوض دندانان، دست به عوض دست، پا در عوض پا.

جنگ

۲۰ چون بر علیه دشمنانت به جنگ می روی^۱ و اسبها و ارا به ها و سپاهی کثیرتر از خود بینی، از آن خواهی ترسید؛ زیرا یهوه، خدایت، با تو است،

t تثنيه «جنگ» را یک واقعیت تلقی می کند: منظورش نه تجویز آن است و نه منع آن. با اینحال، نحوه برخوردش با جنگ، حالتی انتقادی دارد، به خاطر اصل احترام به حیات، خصوصاً در مقررات مربوط به آغاز جنگ.
 u خداوند برای اسرائیل فقط متحدی نیرومند نیست. در واقع، این خداوند است که به نوعی به جای قومش می جنگد (ر.ک. یوشع ۶؛ داور ۱:۷-۸؛ ۱ سمو ۷:۱۰، و خصوصاً ۲-توا ۲۰:۲۰-۲۵ که در آن، پیش از مداخلت لشکر، پیروزی حاصل می شود). خداوند از آنجا که فاتح جنگ است، نسبت به غنائم صاحب حق می باشد؛ به همین سبب است که قانون «لعنت» را وضع کرده است که به گونه ای سخت گیرانه باید در مورد فتوحات در سرزمین موعود به اجرا در آید (ر.ک. توضیح ۳۴:۲؛ توضیح اعد ۲:۲۱). این عناصر مختلف تداعی کننده مقوله رایج «جنگ مقدس» است.
 v وجه مشترک میان سه حکم مذکور در آیات ۵-۷، احترامی است که برای هر آغازی قائل شده اند. به این ترتیب، هر خانه ای باید «افتتاح» شود؛ پس چقدر بیشتر خانه خداوند که «وقف» آن با همان کلمه مورد اشاره قرار گرفته است (ر.ک. ۱-پاد ۶:۳۰؛ مز ۱:۳۰؛ ۱-مک ۴:۵۹؛ یو ۲۲:۱۰).

خدايت، به تو به ميراث مي دهد، چيزي از هر آنچه که دم حیات دارد، زنده باقی نخواهی گذاشت.^{۱۷} زیرا باید آنها را به لعنت وقف کنی: حَتَّيَان، اموريان، کنعانيان و فرزيان، حَوَيَان و يبوسيان، مطابق آنچه که يهوه، خدايت، تو را امر ۳۴:۲ فرموده است،^{۱۸} تا به شما نياموزند که از تمامی کارهای نفرت انگیزی که ایشان برای خدايانشان انجام می دهند، تقلید کنید^X: ممکن است بر علیه يهوه، خدايتان، ۹:۱۸ گناه کنید!

^{۱۹} وقتی به هنگام جنگیدن با شهری، برای تصرف آن لازم شود که آن را برای روزهایی طولانی محاصره کنی، درختان آن را با تکان دادن تبر بر علیه آنها، ویران نخواهی کرد، زیرا از آنها است که باید تغذیه نمایی؛ اما آنها را فرو نخواهی کوبید: آیا درخت صحراها انسان است که با آن همچون شخص محاصره شده رفتار کنی لا؟^{۲۰} فقط درختانی را که می دانی درختانی نیستند که از آنها تغذیه نمایی، آنها را می توانی ویران کنی و فرو بکوبی، تا از آن تجهیزات محاصره بر علیه شهری بسازی که با تو جنگ می کند، تا آن زمان که بیفتد.

هراسان است و دلش سست می باشد؟ او برود و به خانه خود باز گردد، و دل برادران خود را مانند دل خود آب نکند.»^{۲۸:۱}

^۹ چون کاتبان سخن گفتن با قوم را به پایان برسانند، در رأس قوم رؤسای سپاه قرار خواهند داد.

^{۱۰} هنگامی که به شهری نزدیک می شوی تا بر علیه آن بجنگی، به آن پیشنهاد صلح خواهی داد.^{۱۱} چنانچه او تو را با صلح پاسخ دهد^W و [دروازه هایش] را به روی تو بگشاید، تمام جمعیتی که در آن یافت می شود، برای تو به بیگاری در خواهند آمد و تو را خدمت خواهند کرد.^{۱۲} و چنانچه با تو صلح نکند و با تو وارد جنگ شود، آن را محاصره خواهی کرد،^{۱۳} و وقتی يهوه، خدايت، آن را به دستان تو بسپارد، تمام جماعت ذکورش را به دم شمشیر خواهی زد.

^{۱۴} فقط زنان و کودکان و احشام و هر چه را که در شهر باشد، تمام غنائمش را، برای خود به غنیمت خواهی گرفت، و از غنائم دشمنان که يهوه، خدايت، به تو خواهد داد، زندگی خواهی کرد.

^{۱۵} این چنین خواهی کرد با تمام شهرهایی که از تو بسیار دور هستند، آنهایی که جزو شهرهای این ملت ها به شمار نمی آیند.^{۱۶} فقط از شهرهای این قوم ها که يهوه،

یوش ۱۰:۱۶
۱۳:۱۷
داور ۱:۲۸-۳۵
۲۱:۹۱

۳۵:۲

W تحت اللفظی: «اگر به تو پاسخ دهد: صلح».

X در اینجا توجیه دیگری برای قانون «لعنت» داریم (ر.ک. توضیح ۴:۲۰)، یعنی خطر کشیده شدن به سوی عبادت سایر خدایان که به علت مجاورتشان با قوم اسرائیل، وسوسه نیرومندی به شمار می روند (ر.ک. آیه ۱۶: «شهرهای این قوم هاز»).

Y خدا مواهب خلقت را برای انسان مهیا ساخته (ر.ک. پید ۱:۲۹؛ مز ۱۰۴:۱۴-۱۵)، و قوم اسرائیل باید این امر را محترم بشمارد.

در مورد قتلی نامشخص^Z

۲۱^۱ وقتی بر زمینی که یهوه، خدایت به تو می دهد تا مالکش شوی، جنازه ای یافت شود که در صحرا افتاده، بدون آنکه بدانند چه کس او را زده است،^۲ مشایخ و داوران بیرون خواهند آمد تا [فاصله] شهرهایی را که در پیرامون جنازه هست، اندازه بگیرند،^۳ و شهری وجود خواهد داشت که به جنازه نزدیکتر خواهد بود. مشایخ این شهر گوساله ماده ای خواهند گرفت که به کار وادارش نکرده اند و یوغ را نکشیده است.^۴ مشایخ این شهر گوساله ماده را به نهری فرود خواهند آورد که خشک نمی شود، در مکانی که نه کشت می کنند و نه بذریاشی، و در آنجا گردن گوساله ماده را خواهند شکست، بر روی نهر.

^۵ کاهنان، پسران لاوی، پیش خواهند آمد؛ زیرا یهوه، خدایت، ایشان را برای خدمت و برکت دادن به نام یهوه برگزیده است، و هر منازعه و هر جراحی بر اساس گفته ایشان فیصله می یابد.^۶ و تمامی مشایخ این شهر، که به جنازه نزدیکتر می باشند، دستهای خود را بر بالای گوساله

ماده ای که گردنش بر نهر شکسته شده، خواهند شست.^۷ ایشان رشته سخن را به دست گرفته، خواهند گفت: «دستان ما این خون را نریخته، و چشمانمان چیزی ندیده است.^۸ ای یهوه، کفاره را به قوم مت ۲۴:۲۷ خود که رهایی داده ای ارزانی فرما، و خونی بی گناه را در میان قوم اسرائیل قرار مده!» و کفاره این خون برای ایشان انجام خواهد شد.^۹ و تو خون بی گناه را از نزد خود خواهی رفت، زیرا آنچه را که در نظر یهوه درست است انجام داده ای. ۶:۱۳

ازدواج با زنی اسیر^b

^{۱۰} چون بر علیه دشمنانیت به جنگ بروی، و یهوه، خدایت، آنان را به دست تو بسپارد، چنانچه آنان را زندانی سازی،^{۱۱} و در میان زنان اسیر، زنی خوش سیما ببینی که فریفته اش شوی و بخواهی او را به زنی بگیری،^{۱۲} او را به داخل خانه ات خواهی آورد. او سر خود را خواهد تراشید، و ناخنهای خود را خواهد برید،^{۱۳} و جامه اسیری^c را از تن به در خواهد کرد؛ او در خانه تو ساکن خواهد شد و یک ماه کامل

Z رسمی که در آیات ۱-۹ آمده، حاکی از منشأ بسیار کهن آن است: گوساله ماده و نیز مکان کشتن آن نباید در اثر استفاده مردم، نامقدس شده باشد؛ حیوان به شکلی خاص کشته می شود، و بر خلاف آیین های مربوط به کفاره، خون آن هیچ نقشی ایفا نمی کند؛ و بالاخره، آب جاری مورد استفاده قرار می گیرد تا آن منطقه را از خطایی که به گونه ای خطرناک بر آن سنگینی می کند، بزاید. اما شریعت اسرائیل این آیین کهن را مورد تعبیر مجدد قرار می دهد و آن را فرصتی می سازد برای اعلام برائت (آیه ۷) که همراه است با دعایی به خداوند برای رهایی سرزمین از خطایی کفاره نشده (آیه ۸).

a قابل توجه است که در اینجا لاویان هیچ وظیفه ای خاص بر عهده ندارند. آیین اولیه احتمالاً حضور ایشان را ایجاب نمی کرده است. مداخلت ایشان مطابق است با نقشی که در تثنيه بر عهده ایشان گذاشته شده است (ر.ک. توضیح اعد ۱۸:۱۹).

b در اینجا مجموعه ای از احکام آغاز می شود (که احتمالاً تا ۵:۲۵-۱۰ ادامه می یابد) و با دستورهای دیگر ادغام می شود تا حکم ده گفتار مربوط به زنا را تشریح کند: «زنا مرتکب نخواهی شد». این دستورهای پراکنده نوعی «رساله» ازدواج را تشکیل می دهند که در کانون آن، احکام خاص مربوط به زنا یافت می شود (۲۲:۲۲-۲۹).

c این سه عمل (تراشیدن مو، چیدن ناخنها، و در آوردن جامه های قدیمی)، نشانه های قطع ارتباط با گذشته، و ورود به زندگی ای جدید در اسرائیل می باشند.

که او نویر مردانگی او است: حق ارشدی از آن او است.

پید۳:۴۹

پسر یاغی

^{۱۸} چون مردی پسری یاغی و نامطیع داشته باشد که نه به پدرش گوش دهد و نه به مادرش، و چون او را تأدیب کنند، به ایشان گوش فرا ندهد،^{۱۹} پدر و مادرش او را خواهند گرفت و او را به سوی مشایخ شهر،

اش:۱:۲
هو:۱:۲
امت:۱:۸

به دروازه محل زندگی اش، بیرون خواهند آورد،^{۲۰} و به مشایخ شهرش خواهند گفت:

«این پسر ما یاغی و نامطیع است؛ به ما گوش نمی‌دهد؛ او عیاش و میگسار است.»^{۲۱}

خواهند زد و او خواهد مرد. بدینسان، بدی امت:۲۳:۲۱

را از نزد خود خواهی رفت، و تمام اسرائیل ۱۱:۱۳

با شنیدن این، دچار ترس خواهند شد. ۶:۱۳

۱:۱

محکومی که به دار آویخته می‌شود ۱۲:۱۳

^{۲۲} چون مردی که در خود گناهی سزاوار مرگ دارد، اعدام شود و تو او را بر درختی دار بزنی^h،^{۲۳} جنازه اش شب را بر درخت

را برای پدر و مادرش خواهد گریست؛ پس از آن، به سوی او خواهی رفت و او را به نکاح خود در خواهی آورد و او زن تو خواهد شد.^{۲۴} اگر واقع شود که دیگر او را نخواهی، او را خواهی گذاشت که به میل خود برود؛ نمی‌توانی او را در مقابل نقره بفروشی؛ با او بدرفتاری نخواهی کرد^d، چرا که در حق او ظلم کرده‌ای.

حق پسر ارشد

^{۱۵} چون مردی دو زن داشته باشد^e، یکی محبوب و دیگری منفور^f، و این زنان برای او پسران زاده باشند، آن که محبوب است و آن که منفور، و پسر ارشد از آن زن منفور باشد،^{۱۶} این مرد، در روزی که از آنچه مال او است، به پسرانش میراث می‌دهد، نمی‌تواند با پسر زن محبوب همچون پسر ارشد رفتار کند، (یعنی)

به ضرر پسر زن منفور که ارشد است؛^{۱۷} بلکه پسر ارشد را پسر زن منفور تصدیق خواهد کرد و به او سهمی دو برابر^g از تمام آنچه متعلق به خویش است خواهد داد؛ زیرا

پید۳:۲۵
۳۶:۲۷
توا:۱-۲

d این فعلی است بسیار کمیاب که برخی آن را این چنین ترجمه می‌کنند: «از او سود حاصل نخواهی کرد». تنها جای دیگری که از این فعل استفاده شده، ۷:۲۴ می‌باشد. مرد با فروختن آن زن در مقابل نقره، یعنی کاری که با یک برده می‌کنند، پیوند ازدواج را زیر سؤال می‌برد، پیوندی که سبب شده آن زن اسیر، همسر او گردد، و در مقام همسر، از حقوق زنی آزاد برخوردار باشد. در این صورت، هر کاری که در طول مدت ازدواج با او کرده، در عمل در حکم ذلیل ساختن او می‌گردد (از طریق به انقیاد در آوردن او).

e باید توجه داشت که داشتن دو زن، امری بدیهی تلقی شده است. در چنین شرایطی، هدف شریعت مبارزه با پایمال شدن حقی است که ممکن است از تغییرپذیری در احساسات مرد ناشی شود (محبوب بودن در مقابل منفور بودن).

f تحت اللفظی: «که از او نفرت داشته باشد» (این امر در مورد سه آیه بعدی نیز صدق می‌کند). «محبوب بودن» و «منفور بودن» در وهله اول، به روابط احساسی مربوط نمی‌شود، بلکه به رفتار و عمل در قبال شخص دیگر. دوست داشتن به معنی تأمین رفاه و سعادت شخص دیگر است؛ نفرت داشتن نیز به معنی وا گذاشتن او، و حتی تحمل نکردن حضور او می‌باشد.

g حق پسر ارشد به برخورداری از میراثی برابری، جزو حقوق مرسوم خانواده به شمار می‌رفت و شریعت نیز آن را زیر سؤال نمی‌برد. اعدام به وسیله دار نیز رسمی متداول بوده و شریعت آن را زیر سؤال نمی‌برد. در عبری برای «درخت» و «چوب» کلمه ای واحد به کار می‌رود (ر.ک. ۲۱:۱۶ و توضیح). به همین دلیل است که این آیات در مورد مصلوب شدن عیسی و تدفین او در همان روز به کار رفته است (غلا ۱۳:۳؛ ر.ک. مت ۵۷:۲۷-۶۰؛ یو ۱۹:۳۱؛ اع ۵:۳۰؛ ۱۰:۳۹؛ ۱- پط ۲:۲۴).

۹:۲۲ا

یوشع:۸:۲۹؛

۱:۲۶؛

استر:۹:۲۴-۲۵

مَنوعیت لباس مبدل

۵ زن لباس مرد را بر تن نخواهد کرد و مرد جامه زن را نخواهد پوشید؛ زیرا هر کس چنین کند، برای یهوه، خدایت، نفرت انگیز است.

۲۵:۷

پرندگان در آشیانه

۶ چون در مقابل تو، در راه، در یکی از درختان، یا بر زمین، آشیانه پرنده ای ۴:۲۵ پدیدار شود که در آن جوجه یا تخم باشد، و مادر روی جوجه ها یا روی تخمها خوابیده باشد، مادر را با جوجه ها برنخواهی داشت؛ ۷ باید بگذاری مادر برود؛ جوجه ها را برای لاو:۲۲:۲۸ خود بر خواهی داشت؛^۱ تا سعادت نصیبت شود و روزهایت را طولانی کنی.

۴۰:۴

امنیت خانه ها

۸ چون خانه ای نو بنا کنی، برای بام خود لبه ای خواهی ساخت؛ بدینسان، اگر کسی تصادفاً از آن بیفتد، خون بر خانه ات نخواهی گذارد.^۱

مَنوعیت آمیختن مواد

۹ تا کستان خود را با [دانه هایی از] دو نوع^k بذریاشی نخواهی کرد، مبادا که تمام

نخواهد گذراند، بلکه باید در همان روز او را دفن کنی؛ زیرا کسی که بردار آویخته شده، لعنت خدا است. بدینسان، زمینی را که یهوه، خدایت، به تو به میراث می دهد، ناپاک نخواهی ساخت.

حرمت اموال همسایه

۲۲^۱ اگر گاو برادرت یا یکی از حیوانات کوچکش را ببینی که گمشده می گردد، روی خود را بر نخواهی گرداند؛ باید آنها را نزد برادرت باز گردانی.^۲ اگر برادرت جزو همسایگان تو نباشد یا او را نشناسی، [حیوان] را به داخل خانه ات خواهی آورد، و آن نزد تو خواهد ماند تا برادرت آن را مطالبه کند؛ آنگاه آن را به او پس خواهی داد.^۳ این چنین خواهی کرد برای الاغش، این چنین خواهی کرد برای عبایش، این چنین خواهی کرد برای هر شیء گمشده برادرت، برای هر آنچه که از جانب او گم شده باشد و تو آن را یافته باشی؛ نمی توانی روی خود را بگردانی.^۴ چنانچه الاغ برادرت یا گاوش را ببینی که در راه افتاده است، از آنها روی بر نخواهی گرداند؛ باید [آنها] را با او بلند کنی.

خروج:۲۳

خروج:۲۳

i این حکم که توضیحش دشوار است، احتمالاً مبتنی است بر احترام به مادر بودن که موهبت الهی که همانا حیات باشد، از طریق آن انتقال می یابد.

j منظور چنین چیزی است: «خانه ات را مسؤول ریخته شدن خون نخواهی ساخت».

k در لاو ۱۹:۱۹ به جای تاکستان، «مزرعه» آمده. - «تمام آن» به طور تحت اللفظی، «بری» می باشد (ر.ک. خروج ۲۲:۲۸؛ اعد ۱۸:۲۷). منظور در اینجا برداشت محصول است (ر.ک. آخر آیه). - «چیزی مقدس اعلام گردد» در حالت تحت اللفظی آن، «تقدیس شود»، یعنی برای یهوه کنار گذارده شود و بنا بر این، از کاربرد غیرمذهبی خارج شود و همه به نفع پرستشگاه ضبط گردد. بعضی این آیه را چنین ترجمه می کنند: «در تاکستان، گیاهی از نوع دوم نخواهی کاشت؛ والا ممکن است همه در آن واحد مقدس شود، هم آنچه کاشته ای و هم محصول تاکستان».

بکارت را نیافتیم. - اما این است نشانه‌های بکارت دختر من.» و ایشان پارچه P را در مقابل مشایخ پهن خواهند کرد.^{۱۸} مشایخ این شهر، مرد را خواهند گرفت و او را تنبیه خواهند کرد؛^{۱۹} بر او جریمه‌ای معادل یکصد [مقال] نقره^۹ تعیین خواهند کرد که آن را به پدر زن جوان خواهند داد، زیرا به حیثیت یک باکره اسرائیل اهانت کرده است. و او زن وی خواهد شد؛ آن مرد نمی‌تواند در تمام عمرش او را طرد کند.

^{۲۰} اما اگر این امر درست باشد، و اگر نزد زن جوان نشانه‌های بکارت را نیافته ۲۹:۲۲ باشند،^۱ زن جوان را به سوی در خانه پدرش بیرون خواهند آورد؛ مردان شهرش او را با سنگها سنگسار خواهند کرد و او خواهد مرد، زیرا با زناکاری در خانه پدرش، در اسرائیل مرتکب حماقت شده ۱۱:۱۳ است. بدینسان، بدی را از نزد خود خواهی رفت.

۶:۱۳

احکام مربوط به زنا

^{۲۲} چون مردی را بیابند که با زنی متأهل خوابیده باشد، هر دو خواهند مرد، مردی که با آن زن خوابیده، و همچنین آن زن. بدینسان بدی را به بیرون از اسرائیل یو:۵ خواهی رفت.

آن، چیزی مقدس اعلام گردد، هم دانه ای که کاشته ای و هم محصول تاکستان.

^{۱۰} با گاو و الاغ یک جا شخم نخواهی زد.
^{۱۱} پارچه‌ای مختلط، پشم و کتان، نخواهی پوشید.

لاو:۱۹

ریشه‌ها بر جامه

^{۱۲} در چهار گوشه دامن جامه خود که خویشتن را با آن می‌پوشانی، ریشه‌ها برای خود بساز.»

اعد:۳۷-۳۹
مت:۲۳

در باب بکارت^m

^{۱۳} چون مردی، بعد از گرفتن زنی و رفتن به سوی او، شروع کند به نفرت داشتن از اوⁿ،^{۱۴} و به او خطاهای تخیلی نسبت دهد و به حیثیت او اهانت کند، اگر بگوید: «من این زن را گرفتم و وقتی به او نزدیک شدم، نزد او نشانه‌های بکارت را نیافتیم»،^{۱۵} پدر زن جوان و مادرش نشانه‌های بکارت او را بر خواهند داشت و آنها را در مقابل مشایخ شهر، بردروازه، عرضه خواهند نمود.^{۱۶} پدر آن زن جوان به مشایخ خواهد گفت: «من دختر خود را به این مرد به زنی دادم، اما او از او نفرت دارد،^{۱۷} و اینک به او خطاهای تخیلی نسبت می‌دهد و می‌گوید: نزد او نشانه‌های

m تمام این احکام در چارچوب جامعه‌ای قرار دارد که در آن، برتری مرد امری پذیرفته شده تلقی می‌گردد (ر.ک. توضیح ۱۵:۲۱). هدف این احکام این است که منازعات بر سر موضوع زن را به شکلی منصفانه میان مردان حل کند.

n ر.ک. ۱۵:۲۱ و توضیح.

o تحت اللفظی: «برخواهند داشت و بکارت زن جوان را عرضه خواهند داشت»: منظور پارچه‌ای است که در آیه ۱۷ به آن اشاره شده است.

p پارچه‌ای که زن و مرد روی آن خوابیده‌اند (ر.ک. خروج ۲۶:۲۲).

q تحت اللفظی: «صد نقره». جریمه بر اساس سکه نقره تعیین نشده (چون در آن زمان هنوز وجود نداشت)، بلکه بر اساس وزن فلز خالص.

[مثقال] نقره^{۲۳} به پدر دختر جوان خواهد ۶:۱۳ داد، و او زن وی خواهد شد، زیرا در حق وی ستم کرده است؛ او نخواهد توانست در تمام عمرش وی را طرد کند.

۱۹:۲۲ **۲۳** ^۱مرد، زن پدر خود^۲ را نخواهد گرفت و دامن [عبای] پدر خود را بلند نخواهد کرد^۳.

۲۰:۲۷
پید ۲۲:۳۴
۱:۵:۱۴

اخراج شدگان از جماعت

^۴آن کس که بیضه هایش قطع شده یا آلتش بریده شده، وارد جماعت یهوه نخواهد شد.

^۳حرام زاده^۵ وارد جماعت یهوه نخواهد شد؛ حتی تا نسل دهم نیز وارد جماعت یهوه نخواهد شد.

اش ۷-۳:۵۶
مت ۱۲:۱۹
ع ۳۶:۸

^۴عمّونی و موآبی وارد جماعت یهوه ۲۲:۵ نخواهند شد؛ حتی تا نسل دهم وارد جماعت یهوه نخواهند شد، [و این] برای همیشه؛ ^۵چرا که با نان و آب به استقبال شما نیامدند، آن گاه که در راه بودید^۶، به هنگام خرورجتان از مصر، و چرا که [موآبی] برای لعن کردن تو، بلعام پسر بعور، از فتور در آرام-نهراییم را بر علیه تو اجیر کرد. ^۷اما یهوه، خدایت، نخواست به

۱۹-۱۷:۲۵
نخ ۳-۱:۱۳

^{۲۳}چون دختر جوان و باکره ای به مردی نامزد شده باشد و مردی در شهر به او بر خورد و با او بخوابد، ^{۲۴}هر دو را به دروازه این شهر بیرون خواهید آورد، و ایشان را با سنگها سنگسار خواهید کرد و ایشان خواهند مرد: دختر جوان به خاطر اینکه در شهر فریاد بر نیاورد، و مرد به خاطر اینکه به زن همسایه اش ستم کرده است. بدینسان، بدی را از نزد خود خواهی رفت.

^{۲۵}اما چنانچه مرد در صحرا به آن دختر جوان و نامزدشده بر خورد و او را بگیرد و با او بخوابد، فقط مردی که با او خوابیده خواهد مرد: ^{۲۶}و با دختر جوان کاری نخواهی کرد: برای دختر جوان گناهی نیست که سزاوار مرگ باشد. زیرا مانند این است که مردی بر علیه همسایه اش بر خیزد و او را بکشد: مورد همان است، ^{۲۷}زیرا به او در صحرا بر خورده است: دختر جوان و نامزدشده فریاد کرده، و کسی برای کمک نبوده است!

۱۱:۱۳

^{۲۸}چون مردی به دختر جوان و باکره ای بر خورد که نامزد نشده، و او را به زور بگیرد و با او بخوابد و ایشان را غافل گیر کنند، ^{۲۹}مردی که با او خوابیده، پنجاه

پید ۳۴:۲ سمو ۱۳

† تحت اللفظی: «پنجاه نقره» (ر.ک. آیه ۱۹). این جریمه تنها نصف آن چیزی است که در آیه ۱۹ پیش بینی شده. آن خطایی بزرگتر محسوب می شود که به حیثیت پدر لطمه وارد سازد چرا که او حافظ و ضامن سلامت و پاکدامنی دخترش می باشد.

S منظور یکی از زنان پدر شخص می باشد که مادر خود او نیست.

t ر.ک. ۲۰:۲۷/۲۰:۲۷ این می تواند اشاره ای باشد یا به حرکتی که شوهر به واسطه آن، متعهد به محافظت از زنش می گردد (ر.ک. روت ۹:۳۰؛ حزق ۱۶:۸)، یا به ممنوعیت زنا با محارم در لاو ۱۸ («کشف کردن عربانی»).

u کلمه ای که در عبری به کار رفته، «مبزر» می باشد. این کلمه احتمالاً دلالت دارد بر فرزندی که از رابطه ای نامشروع به وجود آمده (ر.ک. زک ۶:۹). سنت یهودیان حکم را اطلاق داده به فرزندان ازدواج یک مرد یهودی با زنی بیگانه (مطابق نح ۱۳:۲۳-۲۵). چشم انداز نبوتی اش ۷-۳:۵۶ این ممنوعیت را بر می دارد.

v این حرکت نشانه ای است از رسوم میهمان نوازی (ر.ک. پید ۴:۱۸-۵). این اشاره تاریخی در خصوص همسایگان اسرائیل بسیار سخت گیرانه تر است از روایت ۲:۹-۲۳ که در آن، اسرائیل از سوی خدا دستور می یابد که در سرزمینهای عمون و موآب توقف نکند.

اعد۲:۲۲-
۲۵،۲۴ داشت، و وقتی در بیرون بر پاشنه می نشینی، از آن برای حفر کردن استفاده خواهی کرد؛ سپس بر خواهی گشت و مدفوع خود را خواهی پوشانید.^{۱۵} زیرا یهوه، خدایت، در میان اردوگاه تورا می رود تا تورا محافظت کند و دشمنانت را به دست تو بسپارد؛ پس اردوگاه تو مقدس خواهد بود، تا نزد تو چیزی ۴:۲۰ تکان دهنده نبیند؛ مبادا از تو روگرداند.
۶:۷

برده فراری

^{۱۶} برده ای را که از پیش اربابش نزد تو فرار کرده، به اربابش نخواهی سپرد.^{۱۷} او با تو ساکن خواهد شد، نزد تو، در مکانی که انتخاب کند*^X، در یکی از دروازه هایت که در آن احساس راحتی کند؛ او را آزار نخواهی داد.

اسمو۱۱:۳۰-۱۵:
فیل۸-۲۱

خروج۲۰:۲۲

روسیگیری مذهبی

ذرا میان دختران اسرائیل روسپی مذهبی نخواهد بود، و در میان پسران^{۱۳} گوشه ای بیرون از اردوگاه خواهد شد. خوردن گوشت، به درون اردوگاه وارد خواهد شد. ^{۱۲} بلکه در عطف شب، در آب استحمام خواهد کرد، و به هنگام غروب خورشید، به درون اردوگاه وارد خواهد شد. ^{۱۱} چون نزد تو مردی باشد که پاک نیست، در اثر حادثه ای شبانه، او به بیرون از اردوگاه خواهد رفت و به درون اردوگاه بر نخواهد گشت؛ ^{۱۲} بلکه در عطف شب، در آب استحمام خواهد کرد، و به هنگام غروب خورشید، به درون اردوگاه وارد خواهد شد. ^{۱۳} گوشه ای بیرون از اردوگاه خواهی اسرائیل مرد روسپی مذهبی نخواهد داشت، و بیرون، به آنجا خواهی رفت. بودا. ^{۱۴} به خانه یهوه، خدایت، برای در تجهیزات خود، کلنگی کوچک خواهی هر نذری که باشد، اجرت روسپی یا

پید۳۸:۲۱-۲۲:
هو۴:۱۴

یا۱۴:۱۴-۲۴:
۱۲:۱۲:
۴۷:۲۲:
۷:۲۳ یا ۲

بلعام گوش دهد، و یهوه، خدایت، لعنت را به برکت تغییر داد، زیرا یهوه، خدایت، تو را دوست می دارد.^۷ در پی کامیابی ایشان نخواهی بود، و نه سعادت ایشان، تا آن زمان که زنده ای، تا ابد.
^۸ ادومی^W را نفرت انگیز خواهی شمرد، زیرا او برادر تو است. مصری^X را نفرت انگیز خواهی شمرد، زیرا که در سرزمین او مهاجر بودی.^۹ پسرانی که برای ایشان زاده خواهند شد، در نسل سوم، وارد جماعت یهوه خواهند شد.

۳۷:۴

۹:۵

پاکی اردوگاه

^{۱۰} چون بر علیه دشمنانت به جنگ می روی، خود را از هر چیز بد نگاه خواهی داشت.^{۱۱} چون نزد تو مردی باشد که پاک نیست، در اثر حادثه ای شبانه، او به بیرون از اردوگاه خواهد رفت و به درون اردوگاه بر نخواهد گشت؛ ^{۱۲} بلکه در عطف شب، در آب استحمام خواهد کرد، و به هنگام غروب خورشید، به درون اردوگاه وارد خواهد شد.

لاو۱۵:۱۶

طبق سنت، ادومیها اعقاب عیسوی باشند (پید ۳۶): لذا ایشان «برادر» هستند (ر.ک. ۴:۲) و به اسرائیل نزدیکتر می باشند تا عمونی ها و موآبی هایی که اعقاب لوط هستند (پید ۳۰:۱۹-۳۸).
X علی رغم خاطرات تلخ بردگی در مصر، کتاب تثنيه تا آنجا پیش می رود که می پذیرد مصریان، همچون ابزاری برای تحقق نقشه الهی در گذشته، می توانند جایگاهی در میان قوم برگزیده داشته باشند (ر.ک. اش ۲۴:۱۹-۲۵).
*X این نحوه بیان مشابه است با نحوه بیانی که در تث ۱۲، به معبد اشاره می کند.
Y در خاور نزدیک باستان، باروری زمین (مؤنث) از سوی یکی از خدایان (مذکر) نقشی حیاتی ایفا می کرد. «روسیگیری مذهبی» در این شرایط، عملی عبادتی بود که به واسطه آن، انسانها موضوع باروری زمین را تقلید می کردند و خدایان را به انجام آن ترغیب می نمودند. کتاب تثنيه این رسوم را به کلی رد می کند و آن را هم انحراف و فساد جنسی می شمارد و هم اقدام به دست بردن در قدرت الهی.

ایوب ۳۶:۱۴

خوراك رهگذر

^{۲۵} چون وارد تاجکستان همسایه ات شوی، می توانی از انگورها به میل خود بخوری، تا آنجا که سیر شوی، اما از آن در سبوت ۲۴-۱۹-۲۱ نخواهی گذارد.^{۲۶} چون وارد گندمهای رسیده همسایه ات شوی، می توانی خوشه ها را با دست بچینی، اما داس را بر گندمهای رسیده همسایه ات تکان نخواهی داد. ۱۲:۱۲ موازی

مَنوعیت ازدواج مرد با زن خود که قبلاً طلاق داده

۲۴ چون مردی زنی بگیرد و او را به نکاح در آورد، اگر واقع شود که این زن در نظر او التفات نیابد زیرا او در وی چیزی تکان دهنده^b بیابد، برای وی طلاق نامه ای خواهند نوشت و به دست وی خواهد داد و او را از خانه خود بیرون خواهد کرد^{b*}.^۲ وقتی آن زن از خانه او بیرون رفت، چنانچه به مرد دیگری تعلق یابد،^۳ و این مرد دوم شروع کند به نفرت کردن از او^c و برای او طلاق نامه ای بنویسد و آن را به دست او بدهد و از خانه اش بیرون کند؛ یا چنانچه این مرد دوم که وی را به زنی گرفته، بمسیرد،^۴ شوهر اولش که وی را بیرون کرده، نخواهد

دستمزد سگ^z را داخل نخواهی ساخت؛ زیرا هر دو برای یهوه، خدایت، امری نفرت انگیز است.^{۲۵:۷}

وام با بهره

^{۲۰} به برادرت با بهره وام نخواهی داد: بهره نقره، بهره خوراکی، بهره برای هر چه که در مقابل وام (همچون) بهره گرفته می شود.^{۲۱} به خارجی می توانی با بهره وام بدهی، اما به برادرت، با بهره وام نخواهی داد، تا یهوه، خدایت، تو را در تمام اقدام دستت برکت دهد، در سرزمینی که وارد می شوی تا به مالکیت در آوری.

خروج ۲۲:۲۴

۳:۱۵

وفای نذر

^{۲۲} چون نذری برای یهوه، خدایت، بکنی، در وفای آن تأخیر موزز؛ وگرنه، یهوه، خدایت، در حساب خواستن از تو تأخیر نخواهد ورزید، و در تو گناهی خواهد بود.^{۲۳} اگر از نذر کردن خودداری کنی، در تو گناهی نخواهد بود.^{۲۴} آنچه از لبهایت بیرون می آید، آن را رعایت کرده، به عمل خواهی آورد، مطابق آنچه برای یهوه، خدایت، نذر کرده ای، همچون هدیه داوطلبانه که به دهانت بیان کنی.

اعد ۳۰:۳۰
جا ۳:۵-۴
امت ۲۰:۲۵
مز ۶۶:۱۳
مت ۵:۳۳

Z توازی این آیه با آیه ۱۸، حاکی از آن است که منظور مردی است که خود را به روسپیگری مذهبی سپرده است. این تنها بخشی از عهدعتیق است که از این کلمه در این معنا استفاده کرده است. بعدها یهودیت آن را برای اشاره به بت پرستان به کار می برد (ر.ک. مت ۱۵:۲۶-۲۷) و پولس از آن برای اشاره به برخی از دشمنان کلیسا استفاده می کند (ر.ک. توضیح فیل ۲:۳).

a تحت اللفظی: «از آن در اسباب خود نخواهی گذاشت».

b تحت اللفظی: «یک امر عریانی». این اصطلاح قضایی و فنی، احتمالاً دلالت دارد بر منهبیات لاو ۱۸۷

*b شریعت فرض را بر این می گیرد که این رسم را همه می شناسند و در اینجا صرفاً به بررسی موردی خاص و دشواری می پردازد. طلاق و الزام به دادن گواهی ای کتبی به زن، امری است پذیرفته شده که در هیچ جای کتاب مقدس، حکمی صریح در مورد آن نیامده است.

c ر.ک. توضیح ۲۱:۱۵

دزد خواهد مرد. بدینسان، بدی را از نزد خود خواهی رفت. هـ ۳-۱۳

۶:۱۳

دستوراتی در مورد جذام

^۸مراقب باش که به هنگام (بروز) زخم جذام، تمام آنچه را که کاهنان-لاویان برای شما توضیح خواهند داد، به دقت رعایت کنی و به عمل آوری؛ مراقب خواهید بود لا ۱۳-۱۴ که مطابق آنچه به ایشان امر کرده ام عمل نمایید. ^۹به یاد آور آنچه را که یهوه، خدایت، به مریم کرد، آن گاه که در راه بودید، به هنگام خروجتان از مصر.

اعد ۱۰:۱۲

حکم در مورد گرویی (دنباله)

^{۱۰}چون به همسایه ات هر نوع وامی می دهی، برای ستاندن گرویی اش وارد ۶:۲۴ خانه او نخواهی شد. ^{۱۱}در بیرون خواهی ایستاد، و شخصی که به او وام می دهی، ۸:۲۴ گرویی را به بیرون خواهد آورد. ^{۱۲}اگر مردی فقیر باشد، با نگاه داشتن گرویی اش، نخواهی رفت تا بخوابی؛ ^{۱۳}باید این گرویی را به هنگام غروب آفتاب به او پس بدهی، تا در عیای خود بخوابد و تو را برکت دهد، و این در حضور یهوه، خدایت، برای تو [عمل] عدالت خواهد بود* ۶:۲۴-۲۵:۲۲

توانست او را بار دیگر بگیرد تا زن او شود، پس از آنکه وی خود را ناپاک ساخته باشد^d: این در مقابل یهوه امری نفرت انگیز می باشد، و تو نباید سرزمینی را که یهوه، خدایت، به تو به میراث می دهد، به گناه بکشانی.

۲۵:۷

معافیت تازه داماد

^۵چون مردی به تازگی زنی گرفته باشد، او به لشکر نخواهد رفت، و بر او هیچ باری تحمیل نخواهند کرد، و او برای خانواده اش به مدت یک سال [از همه چیز] معاف خواهد بود، و زنی را که گرفته، خوش خواهد ساخت.

لو ۲۰:۱۴

حکم در مورد گرویی

^۶هر دو سنگ آسیاب را به گرو نخواهند گرفت، و نه حتی سنگ آسیاب بالایی را، زیرا این به منزله گرو گرفتن خود زندگی است.

ربودن مرد اسرائیلی^e

^۷اگر از میان بنی اسرائیل، مردی یافت شود که یکی از برادران خود را از میان پسران اسرائیل ربوده باشد، و با او بد رفتاری کرده یا او را فروخته باشد، این

خروج ۱۶:۲۱

^dزنی که طلاق داده شده، به خودی خود ناپاک نیست (چرا که ازدواج دوم او منع نشده): او فقط نسبت به شوهر اول خود ناپاک است. ریشه چنین ممنوعیتی احتمالاً برداشتهایی است که در مورد تقدس رایج بوده (این برداشت که رابطه با شوهر دوم، باعث بدشگون شدن بازگشت زن به شوهر اول خود می شود). اما مهم تر از همه، این حکم مفهومی اجتماعی دارد، به این معنا که این ممنوعیت باعث می شود که طلاق دادن زنان را سبک نگیرند، زیرا می دانند که تغییر عقیده ممکن نخواهد بود.

^e«آدم ربایی» جرمی مهم به شمار می آید و برای آن مجازات مرگ در نظر گرفته شده است. این نکته حکم «ده گفتار» را (۱۹:۵) بسط می دهد. در پیرامون این حکم در خصوص آدم ربایی، چندین حکم دیگر ذکر شده که به حقوق انسانی مردمان مربوط می شود، نظیر وام در مقابل بهره (۲۰:۲۳-۲۱) مقرراتی به نفع فقیران (۱۷:۲۴-۲۲) و موضوع گرویی (۶:۲۴، ۱۰-۱۳).

*چنین شیوه بیانی یادآور سخنی است که به ابراهیم گفته شد (پید ۶:۱۵).

۱۴:۲۱

حرمت مزدور

^{۱۴} از مزدور فقیر و تنگدست بهره‌کشی نخواهی کرد، خواه یکی از برادرانت باشد، خواه یکی از غریبانی که در سرزمین تو هستند، در دروازه‌های تو. ^{۱۵} دستمزد او را در همان روز [به او] خواهی داد؛ خورشید بر این [دستمزد] غروب نخواهد کرد، چرا که فقیر است و با بی‌صبری منتظر آن می‌باشد؛ بدینسان بر علیه تو نزد یهوه فریاد بر نخواهد آورد، و در تو گناهی نخواهد بود.

لاو ۱۹:۱۳
ایوب ۳۱:۳۹
یع ۴:۵

مسئولیت فردی

^{۱۶} پدران برای پسران کشته خواهند شد، و پسران برای پدران کشته خواهند شد؛ هر کس به سبب گناه خودش کشته خواهد شد.^f

مقرراتی به نفع فقیران

^{۱۷} حق غریبه را منحرف نخواهی ساخت، و نه حق یتیم را^g؛ و جامه بیوه‌زن را به گرو نخواهی گرفت. ^{۱۸} به یاد خواهی آورد که در مصر برده بودی و یهوه، خدایت، تو را از آن رهایی بخشید؛ به همین سبب است که تو را امر می‌کنم که به این شیوه عمل نمایی.

۱۹:۱۶
۱۹:۲۷
۸-۷:۲۷

۱۵:۵

^{۱۹} چون مرزعات را درو کنی، اگر بافه‌ای را در مزرعه از یاد ببری، برای بر

داشتن آن باز نخواهی گشت؛ آن برای غریبه، برای یتیم، و برای بیوه‌زن خواهد بود، تا یهوه، خدایت، تو را در تمامی اعمال دستت برکت دهد. ^{۲۰} چون درخت زیتون را تکان می‌دهی، پس از خودت بار دیگر [در شاخه‌ها] عبور نخواهی کرد؛ آن برای غریبه، برای یتیم، و برای بیوه‌زن خواهد بود. ^{۲۱} چون تاکستانت را خوشه‌چینی می‌کنی، پس از خودت خوشه‌ها را نخواهی چید؛ آن برای غریبه، برای یتیم، و برای بیوه‌زن خواهد بود. ^{۲۲} به یاد خواهی آورد که در سرزمین مصر برده بودی؛ به همین سبب است که تو را امر می‌کنم که به این شیوه عمل نمایی.

۲۵:۲۳-۲۶
لاو ۱۹:۹-۱۰
۲۲:۲۳
روت ۲:۱۵-۱۶

۱۵:۵

قواعد انصاف برای داوران

۲۵ چون مردان منازعه‌ای داشته باشند و خود را به محکمه معرفی کنند، بر ایشان داوری خواهند کرد، و حق را به حق دار خواهند داد و خطا را به خطاکار. ^۲ و چنانچه خطاکار سزاوار ضربه باشد، داور او را بر روی زمین خواهد خواباند و در مقابل خود، حکم خواهد داد که او را بزنند، به تعداد ضربه‌هایی که متناسب با خطاهایش باشد. ^۳ حکم خواهد داد تا چهل ضربه بر او بزنند، نه بیشتر، مبادا که اگر با ضربه‌های دیگر و بیش از این ضربه بزنند^h، برادرت در نظرت سرافکننده گردد.

۱۸:۱۶-۲۰
اش ۵:۲۰
عا ۶:۲
۱۲:۵

قرن ۱۱:۲۴

f در اینجا اصل مهمی در خصوص قوانین جزایی می‌یابیم که در نقطه مقابل آن رسم بدوی است که طبق آن، اغلب خانواده را نیز به همراه مجرم تنبیه می‌کردند (ز.ک. یوشع ۷:۲۴-۲۵). این حکم که مربوط به مسئولیت جزایی شخصی می‌شود، با تأکید بیشتر، از سوی حزقیال تأیید شده است (حزق ۱۸:۱-۲۰).

g قرائت عبری: «غریبه‌ای یتیم». ما در اینجا از ترجمه‌های قدیمی تبعیت کرده‌ایم.

h می‌توان این‌گونه نیز ترجمه کرد: «مبادا اگر به زدن ضربات بیشتر ادامه دهند، جراحاتی سخت وارد آید».

گاو در خرمنگاه

گاو را وقتی [دانه‌ها را] لگدمال می‌کند، پوزه بند مبنده^۴.

۷-۶:۲۲
قرن ۹:۹
تیمو ۱۸:۵

رسم برادر-شوهری

چون برادرانی با یکدیگر ساکن باشند و یکی از آنان بدون داشتن پسری بمیرد، زن شخص متوفی نمی‌تواند در بیرون، به یک بیگانه تعلق یابد؛ برادر شوهرش^۵ به سوی او خواهد رفت و او را به زنی خواهد

روت ۴:
مر ۱۲:۱۸-۲۷
موازی

گرفت و در حق او وظیفه برادر-شوهری را به‌جا خواهد آورد.^۶ و نخست‌زاده ذکوری که آن زن بزاید، نام برادر متوفی را خواهد گرفت؛ بدینسان نام او از اسرائیل زوده نخواهد شد.^۷ اما چنانچه این مرد را پسند نیاید که زن برادر خود را بگیرد، زن برادرش به دروازه، به سوی مشایخ بر خواهد آمد و خواهد گفت: «برادر شوهر من از حفظ کردن نام برادرش در اسرائیل سر باز می‌زند و نمی‌خواهد در حق من وظیفه برادر-شوهری خود را به‌جا آورد.»^۸ مشایخ شهرش او را فرا خوانده و با او سخن خواهند گفت. چنانچه او اصرار ورزد

۱۴:۹

و بگوید: «مرا پسند نمی‌آید که او را بگیرم»،^۹ زن برادرش در مقابل چشمان مشایخ، به سوی او جلو خواهد رفت، صندل پای او را بر خواهد کند و بر صورتش آب دهان خواهد انداخت و رشته سخن را به دست گرفته، خواهد گفت: «این چنین کنند با مردی که خانه برادر خود را بنا نکنند!»^{۱۰} و نامی که در اسرائیل او را با آن خواهند خواند، خواهد بود: خانه پابرهنه.

ضربه ممنوعه در دعاها

چون مردان با یکدیگر^k دعا کنند، و زن یکی از ایشان نزدیک شود تا شوهر خود را از دست کسی که او را می‌زند رهایی دهد، و دست خود را جلو ببرد و این شخص را از قسمت‌های شرم‌آورش بگیرد،^{۱۲} دست این زن را قطع خواهی کرد؛ چشمش بدون ترحم خواهد بود.^۱

درستکاری در تجارت

در کیسه‌ات دو نوع وزن^m نخواهی داشت، یکی بزرگ و یکی کوچک؛^۴ در

۱۶:۷

i به هنگام درو، خوشه‌هایی را که کوتاه بریده شده‌اند، در خرمنگاه جمع می‌کنند و گاو یا الاغی را در آن به حرکت وا می‌دارند که گاه آنها را به مازویی می‌بندند تا دانه‌ها از پوست بیرون بیایند (ر.ک. اش ۲۸:۲۸). منظور این است که مانع نشوند که حیوان به هنگام کار، دانه‌ها را بخورد. همین شفقت را در مورد حیوانات، در ۴:۲۲، ۶-۷ مشاهده می‌کنیم. پولس رسول از این حکم استفاده می‌کند تا بگوید خادم حق دارد دستمزدش را دریافت کند (۱-قرن ۹:۹؛ ۱-تیمو ۵:۱۸).

j کلمه عبری «یا بام» که مذکر است و در اینجا به کار رفته، دلالت دارد بر خویشی نزدیک که احتمالاً منحصر به برادر شوهر (مانند مورد این بخش) نمی‌شود. حالت مؤنث همین کلمه را برای اشاره به زن برادر استفاده می‌کنند (آیه ۷ و روت ۱:۱۵)؛ همچنین از شکل فعل همین کلمه استفاده می‌شود تا عمل انجام این وظیفه توصیف شود (آیات ۵ و ۷). موردی مشابه در پید ۳۸:۶-۸ ذکر شده است. در روت ۴:۴-۵، ۶، حق برادر-شوهری مرتبط شده به حق بازخرید میراث.

k تحت اللفظی: «مردی و برادرش». این برادر می‌تواند یا برادر واقعی خود شخص باشد (ر.ک. آیه ۵)، یا یک اسرائیلی دیگر (ر.ک. ۷:۱۵-۱۱؛ ۱:۲۲، ۴:۲۳-۲۰-۲۱).

l این دستور مرتبط است به حرمت امور جنسی و تا پوهایی مربوط به آن. این تنها موردی است در عهدعتیق که در آن مجازات قطع عضو تجویز شده، امری که نزد اقوام مجاور نسبتاً متداول بوده است.

m تحت اللفظی: «سنگ و سنگ». برای فروش کالا، آن را با ترازو وزن می‌کردند، اما نقره‌ای را که با آن وجه را می‌پرداختند نیز وزن می‌کردند: به همین دلیل، این وسوسه وجود داشت که برای این دو عمل، از دو وزن متفاوت استفاده کنند.

لاو ۱۹:۳۵-۳۶:
ع ۵:۸:
میک ۱۰:۱۱-۱۰:
امت ۱۱:۲۰:۱۰:

اهدای نوبرها. اعتراف ایمان

۲۶

اِيس چون وارد سرزمینی شوی که یهوه، خدایت، به تو به میراث می دهد، وقتی آن را مالک شوی و در آن سکونت گزینی، نوبرهای تمامی میوه های زمین را که از سرزمینت که یهوه، خدایت به تو می دهد، بر خواهی داشت؛ آنها را در زنبیلی خواهی گذارد و به مکانی که یهوه، خدایت، انتخاب خواهد کرد تا نامش را در آن ساکن سازد، خواهی رفت. ^۳ نزد کاهنی ^{۵:۱۲} که در آن ایام خواهد بود خواهی رفت، و به او خواهی گفت: «امروز به یهوه، خدایت^۵، اعلام می دارم که وارد سرزمینی شده ام که یهوه برای پدرانمان سوگند یاد کرد که به ما بدهد.» گاهن زنبیل را از دستت دریافت خواهد داشت و آن را در مقابل قربانگاه یهوه، خدایت، خواهد گذارد. ^۵ تو رشته سخن را به دست خواهی گرفت و در حضور یهوه، خدایت، خواهی گفت: P «پدرم آرامی سرگردانی^۹ بود، و با مردمانی اندک به مصر فرود آمد و در آنجا همچون غریبه زندگی کرد؛ در آنجا او ملت ^{۲۲، ۱۹، ۱۸، ۱۰} بزرگی شد، نیرومند و کثیر. ^۶ مصریان با ما

خانه ات دو نوع ایفهⁿ نخواهی داشت، یکی بزرگ و یکی کوچک. ^{۱۵} وزنی دقیق و درست خواهی داشت؛ ایفه ای دقیق و درست خواهی داشت، تا روزهایت بر زمینی که یهوه، خدایت به تو می دهد، طولانی شود؛ ^{۱۶} زیرا هر کس چنین کند، برای یهوه نفرت انگیز می باشد، هر آن کس که مرتکب بی عدالتی شود.

۴۰:۴

۲۵:۷

محکومیت عمالیقیان

^{۱۷} به یاد داشته باش آنچه را که عمالیق به تو کرد، آن گاه که در راه بودید، به هنگام خروجتان از مصر، ^{۱۸} که چگونه در راه به تو بر خورد و راه فرار را به روی جمیع لنگان نزد تو که در پشت بودند بست، حال آنکه تو درمانده و خسته بودی؛ و او از خدا نترسید! ^{۱۹} پس وقتی یهوه، خدایت، در سرزمینی که یهوه، خدایت، به تو به میراث می دهد تا آن را مالک شوی، تو را از جانب تمامی دشمنان پیرامونت استراحت بخشید، یاد عمالیق را از زیر آسمانها خواهی زدود؛ فراموش نخواهی کرد!

۹-۴:۲۳

خروج ۱۷:۸-۱۶:

عد ۲۴:۲۰:

اسمو ۱۵:۲-۳:

۱۴:۹

خروج ۱۷:۱۴:

n تحت اللفظی: «ایفه و ایفه». ایفه واحد حجم بود برای غلات (معادل حدود چهل لیتر).

O ترجمه یونانی چنین آورده: «یهوه، خدایم».

P در برخی از سرزمینهای خاور نزدیک باستان، هر ساله به مناسبت برداشت محصول، جشنی به افتخار بعل، خدای باروری و گیاهان، برگزار می کردند. کتاب تثنيه روح این جشن را تغییر می دهد: اعترافی ایمانی نیز که در آن ذکر شده، متمرکز است بر عمل الهی در رویدادهای تاریخی، خصوصاً رویدادهای مربوط به دوره ای شکوهمند که همانا دوره خروج باشد. متون مشابه را می توان در یوشع ۲۴:۲-۱۳؛ مز ۱۰۵؛ ۱۳۶؛ (و در دوره های بعدی) یهودیه ۵:۶-۱۹ یافت (نیز ر. ک. فرمولهای موجزتر در تث ۲۱:۶-۲۳؛ ۱۱:۳-۶ و ۱-سمو ۱۲:۸).

q در اینجا شاید منظور یعقوب، نبی اسرائیل باشد که در اینجا، «ارامی» خوانده شده است، مانند نیاکانش در پید ۲۵:۲۰؛ ۲۸:۵؛ ۳۱:۲۰-۲۴/ کلمه ای که در اینجا «سرگردان» ترجمه شده، به طور تحت اللفظی به معنی «آواره» یا «گمشده» می باشد، مانند گوسفند «گمشده» در بیابان (همین کلمه در ار ۵۰:۶؛ حزق ۳۴:۴، ۱۶؛ مز ۱۱۹:۱۷۶؛ ر. ک. ۴:۱۵-۶ به کار رفته است).

«آنچه را تقدیس شده می باشد از خانه خود زدودم و آن را به لاوی، به غریبه، به یتیم و به بیوه زن دادم، مطابق تمام حکمی که تو به من امر کردی؛ از هیچیک از احکام تو تخطی نوریزیده ام و از آن چیزی فراموش نکرده ام.^{۱۴} از آن در طول سوگواری ام نخوردم، و زمانی که ناپاک بودم چیزی از آن نزددم، و از آن چیزی به مرده ندادم؛^{۱۵} به صدای یهوه، خدایم، گوش فرا دادم، و مطابق هر آنچه مرا امر فرمودی به عمل آوردم.^{۱۵} از مسکن مقدست خم شو، از بالای آسمانها، و قوم خود، اسرائیل را برکت ده، و نیز زمینی را که به ما داده ای، مطابق آنچه برای پدرانمان سوگند یاد کردی، سرزمینی که در آن شیر و شهد جاری است.»

نتیجه: تعهد متقابل خدا و اسرائیل

^{۱۶} در این روز، یهوه، خدایت، تو را امر می فرماید که این دستورها و این قواعد را به عمل آوری؛ آنها را مرعی خواهی داشت و به عمل خواهی آورد، با تمام دلت و با تمام جانت.^{۱۷} امروز گذاشتی که به یهوه بگویی^{۱۸} که او خدایت خواهد بود، و اینکه در طریق های او سلوک خواهی نمود، و دستورها و احکام و قواعد او را رعایت

بدرفتاری کردند و ما را درمانده ساختند و بر ما بندگی سخت نهادند.^۷ ما نزد یهوه، خدای پدرانمان فریاد بر آوردیم، و یهوه صدای ما را شنید و شوربختی ما را دید، و رنج و ستمکشی ما را.^۸ یهوه ما را از مصر بیرون آورد، با دستی نیرومند و با بازویی درازشده، با وحشتی عظیم، با نشانه ها و کارهای شگفت انگیز.^۹ او ما را به این مکان رسانید و این سرزمین را به ما داد، سرزمینی که در آن شیر و شهد جاری است.^{۱۰} و اکنون نوبرهای میوه های زمینی را می آورم که تو ای یهوه، به من داده ای.»
آنها را در حضور یهوه، خدایت، قرار خواهی داد، و در حضور یهوه، خدایت، سجده خواهی نمود.^{۱۱} تو، لاوی، و غریبه ای که نزد تو خواهد بود، از تمامی مواهبی که به یهوه، خدایت، می دهی، تو و خانه ات، شادی خواهید کرد.^{۱۸:۱۰}

ده يك سه ساله

^۲ چون از پیش برداشت کردن تمامی ده یک درآمدت فارغ شوی، در سال سوم که سال ده یک است، و آن را به لاوی، به غریبه، به یتیم و به بیوه زن داده باشی تا در دروازه هایت از آن بخورند و سیر شوند،^۳ در حضور یهوه، خدایت، خواهی گفت:

Γ هدف این اظهارات که در پرستشگاه بیان می شود («در حضور یهوه»)، حصول اطمینان از تقدیس و تحقق علنی عملی است که در نهان انجام می شود، زیرا ده یک قبلاً، بدون نظارت کاهنان، پیش برداشت شده و در روستاها توزیع شده بوده است.
S شخص ایماندار یا بیان این سه فرمول، تأیید می کند که از اجرای برخی رسوم بت پرستی امتناع ورزیده است، رسومی که نمی توانیم دقیقاً به محتوا و مفهومشان پی ببریم.
t در هیچ جای دیگری کتاب مقدس چنین اظهاراتی را نمی یابیم، اظهاراتی که هر یک از طرفین عهد از طرف مقابل دریافت می دارد. عهدی که در اینجا مبتنی است بر مبادله گفته ها، از نظر شکلی حالت قرینه دارد (از نظر مطالبه اظهاراتی از طرف مقابل عهد)، اما از دیدگاهی عملی، مطلقاً قرینه نیستند (از نظر محتوای مطالباتش). این نخستین شکل از اشکال عهدی است که تا پایان فصل ۳۰ مورد تداعی قرار می گیرند.

از تمامی ملت‌هایی قرار خواهد داد که ساخته است، از لحاظ عزت، از لحاظ شهرت، و از لحاظ جلال، و اینکه تو قومی مقدس برای یهوه، خدایت، خواهی بود، مطابق آنچه که گفته است.»

خواهی کرد، و به صدایش گوش خواهی سپرد.^{۱۸} و امروز یهوه گذاشت که بگویی که تو قوم خاص او خواهی بود، مطابق آنچه به تو گفته است، و اینکه تمامی احکام او را مرعی خواهی داشت،^{۱۹} و او تو را بالاتر

۶:۷

عهد: جشن و مجازات (۱:۲۷ تا ۶۸:۲۸)

شما امر می‌کنم، بر کوه عیبال^۷ بر پا خواهی داشت و آنها را با گچ خواهی اندود.^۵ در آنجا قربانگاهی برای یهوه، خدایت، بنا خواهی کرد، قربانگاهی از سنگها که بر آنها آهن را تکان نداده باشی؛^۶ قربانگاه یهوه، خدایت، را با سنگهای نتراشیده بنا خروج ۲۵:۲۰ خواهی کرد، و بر روی آن، قربانی‌های سوختنی به یهوه، خدایت، تقدیم خواهی داشت.^۷ قربانی‌های آرامش ذبح خواهی کرد، و در آنجا خواهی خورد و در حضور یهوه، خدایت، شادی خواهی کرد.^۸ سپس بر روی سنگها، تمامی سخنان این شریعت را با حروف بسیار واضح خواهی نوشت.»
^۹ موسی^W، به همراه کاهنان-لاویان، به ۵:۱ این مضمون با تمام اسرائیل سخن گفت:
 «ای اسرائیل، خاموش باش و گوش فزاده!

آیین بزرگ نیایشی در شکیم^{۱۱}

۲۷ موسی، به همراه مشایخ اسرائیل، این حکم را به قوم داد: «تمام حکمی را که امروز به تو امر می‌کنم رعایت نما. ^۱پس در روزی که از اردن به سوی سرزمینی که یهوه، خدایت، به تو می‌دهد عبور نمایی، برای خود سنگهای بزرگ بر پا خواهی داشت و آنها را با گچ خواهی اندود. ^۲سپس به هنگام عبورت، تمامی سخنان این شریعت را بر آنها خواهی نوشت، تا وارد سرزمینی شوی که یهوه، خدایت، به تو می‌دهد، سرزمینی که در آن شیر و شهد جاری است، مطابق آنچه یهوه، خدای پدرانت، به تو گفته است.
^۳پس هنگامی که از اردن عبور کنی، این سنگها را مطابق آنچه که امروز آن را به

u این آیین نیایش که کتاب تثنيه محل آن را شکیم ذکر می‌کند، یعنی بین دو تپه عیبال و جریم، احتمالاً شامل این آیینها بود: قربانی‌های عهد، قرائت شریعت (ر.ک. ۱۰:۳۱-۱۳) و اعلام برصلا بت برکت‌ها و لعنت‌ها.
 v متن سامری در اینجا چنین قرائت می‌کند: «روی کوه جریم». ظاهراً پرستشگاهی قدیمی بر روی کوه عیبال وجود داشته است: به این پرستشگاه در اینجا و در یوشع ۸:۳۰-۳۲ اشاره شده است. قرن‌ها بعد، به هنگام شفاق میان سامریها و یهودیان (سده چهارم ق.م.)، پرستشگاهی بر کوه جریم بنا شد و مکان عبادت سامریان گردید: همین امر توجه‌کننده ویرایش نسخ سامری می‌باشد. این پرستشگاه از سوی آنتیوخوس اپیفان هتک حرمت شد (۲-مک ۶:۲) و بعد به دست یوحنا هیرکانوس در سال ۱۲۹ ق.م. ویران گردید. با اینحال، کوه جریم مکان مقدس سامریان باقی ماند (ر.ک. یو ۴:۲۱). امروز نیز جامعه سامریان حيفا و نابلس هر سال عید گذر را در آنجا جشن می‌گیرند.
 w خطابه کوتاهی که در دنباله این آیه در مورد عهد می‌آید، به شکل تخیلی در دهان موسی که از اردن عبور نخواهد کرد و در شکیم حاضر نخواهد بود، گذاشته شده است. لاویان در شکیم وظیفه اعلام عهد را بر دوش خواهند داشت؛ اما ایشان از هم اکنون نیز این وظیفه را بر عهده دارند (ر.ک. آیه ۱۴).

- ۱۶ ملعون باد آن کس که با پدرش یا
مادرش با خفت رفتار کند!^a - تمامی قوم
خواهند گفت: آمین!
- ۱۷ ملعون باد آن کس که حد همسایه خود
را جابه جا کند! - تمامی قوم خواهند گفت:
آمین!
- ۱۸ ملعون باد آن کس که نابینایی را از
راه منحرف سازد! - تمامی قوم خواهند
گفت: آمین!
- ۱۹ ملعون باد آن کس که حق غریبه و یتیم
و بیوه زن را منحرف سازد! - تمامی قوم
خواهند گفت: آمین!
- ۲۰ ملعون باد آن کس که با زن پدر خود
بخوابد، چرا که او دامن [عبای] پدر خود
را بلند کرده است!^b - تمامی قوم خواهند
گفت: آمین!
- ۲۱ ملعون باد آن کس که با هر نوع
حیوانی بخوابد! - تمامی قوم خواهند گفت:
آمین!
- ۲۲ ملعون باد آن کس که با خواهر خود
بخوابد، دختر پدرش یا دختر مادرش!^c -
تمامی قوم خواهد گفت: آمین!
- ۲۳ ملعون باد آن کس که با مادر زن خود
بخوابد! - تمامی قوم خواهند گفت: آمین!

در این روز، تو قوم یهوه، خدایت، شده ای.
۱۰ پس به صدای یهوه، خدایت، گوش
خواهی سپرد، و احکام و دستورهای او را
که امروز به تو امر می کنم، به عمل خواهی
آورد.»

۱۱ موسی در این روز، این حکم را به قوم
داد: ۱۲ «اینها هستند آنانی که برای برکت
دادن قوم، بر روی کوه جریشیم خواهند
ایستاد، آن زمان که از اردن عبور کرده
باشید: شمعون، لاوی، یهودا، یساکار،
یوسف و بنیامین. ۱۳ اینها هستند آنانی که
برای لعنت، بر روی کوه عیبال خواهند
ایستاد: رئوبین، جاد، اشیر، زبولون، دان و
نفتالی.

دوازده لعنت

۱۴ لاویان رشته سخن را به دست خواهند
گرفت و با صدایی بلند به تمام مردمان
اسرائیل خواهند گفت:^{۸:۳۳}
۱۵ ملعون باد آن کس که تمثالی یا بتی از
فلز ذوب شده بسازد - امری نصرت انگیز
برای یهوه، عمل دست صنعت گر - و آن را
در مکانی مخفی بگذارد! - تمامی قوم
پاسخ داده، خواهند گفت: آمین!^{۲۵:۷}
^{۳۱:۱۸} داورد

Y اظهاراتی که در پی می آید، یا متن نیایشی قدیمی است، یا نوعی برشماری حکمتی است: این اظهارات مطالبات عهد را به شکل فهرستی از دوازده لعنت عرضه می دارد.

Z کلمه «آمین» فرمولی است برصلاطت که از فعلی عبری گرفته شده و دلالت دارد بر آنچه که مستحکم و قابل اعتماد است و برای توصیف عمل ایمان به کار می رود (ر.ک. ۱:۳۲؛ اش ۹:۷). از این فعل، کلمات عبری «امت» (راستی) و «امونه» (وفاداری و امانت) مشتق شده است. گفتن «آمین» در پاسخ به این جملات، به معنی تعهد شخصی و گروهی به عهد می باشد.

a فعل عبری که در اینجا به کار رفته، تداعی کننده چیزی کوچک و استهزاء آمیز می باشد و اغلب در نقطه مقابل «جلال دادن» یا «حرمت کردن» به کار می رود (ر.ک. توضیح خروج ۲۰:۱۲).

b ر.ک. توضیح ۲۳:۱ / منظور تجاوز به حقوق پدر است.

c منظور خواهر ناتنی است (ر.ک. لاو ۹:۱۸).

لاو ۱۷:۱۸

زایش گاوانت و فزونی گوسفندان!

^۵مبارک خواهند بود زنبیل و تغارت!

^۶مبارک خواهی بود وقتی وارد می شوی،

و مبارک خواهی بود وقتی بیرون

می روی!

^۷یهوه کاری خواهد کرد که دشمنانت که

بر علیه تو بر می خیزند،

در برابر^h تو شکست بخورند؛

از یک راه بر علیه تو حرکت خواهند

کرد،

و از هفت راه از مقابل تو خواهند

گریخت!

^۸یهوه به برکت امر خواهد کرد تا با تو

باشد،

در انبهارهیت و در هر اقدام دستت؛

او تو را در سرزمینی که یهوه، خدایت،

به تو می دهد، برکت خواهد داد.

^۹یهوه تو را برای خود همچون قومی

مقدس بر پا خواهد داشت،

مطابق آنچه برایت سوگند یاد کرده

است،

^{۶:۷} چنانچه احکام یهوه، خدایت، را رعایت

کنی،

و چنانچه در طریق هایش سلوک نمایی.

^{۲۴}ملعون باد آن کس که در نهان،

همسایه خود را بزند!- تمامی قوم خواهند

گفت: آمین!

^{۲۵}ملعون باد آن کس که هدیه ای بپذیرد

برای زدن و کشتن خونی بی گناه^d!- تمامی

قوم خواهند گفت: آمین!

^{۲۶}ملعون باد آن کس که سخنان این

شریعت را حفظ نکند و آنها را به عمل

نیاورد!- تمامی قوم خواهند گفت: آمین!

۱۷:۱۰

۲۴:۲۳ یا ۲
غلا ۱۰:۳۶

برکت ها و لعنت ها

۲۸

^۱اما اگر به صدای یهوه، خدایت،

نیک گوش بسپاری و مراقب باشی

تا جمیع احکام او را که امروز به تو امر

می کنم به عمل آوری، یهوه، خدایت، تو را

بالاتر از تمامی ملت های زمین^e قرار خواهد

داد، ^۲و همه این برکت ها بر تو واقع

خواهند شد و نصیب تو خواهند گردید^f،

زیرا به صدای یهوه، خدایت، گوش فرا

داده ای:

^۳مبارک خواهی بود در شهر،

و مبارک خواهی بود در صحرا!

^۴مبارک خواهد بود ثمر شکمت،

و ثمره زمینت، و ثمره احشامت،

۳۰-۲۶:۱۱

۲۰-۱۵:۳۰

خروج ۳۳-۲۰:۲۳

لاو ۱۳:۲۶-۳

۱۵:۲۸

۱۶:۲۸

۱۳:۷

۵۱، ۱۸، ۱۱:۲۸

لو ۴۲:۱

d تحت اللفظی: «برای زدن حیات خونی بی گناه».

e کلمه عبری «ارئس» می تواند هم بر «سرزمین» دلالت داشته باشد، و هم بر «تمام دنیا» (ر.ک. ۴۹:۲۸). مشخص نیست که در اینجا آیا منظور مردمان سرزمین کنعان است (ر.ک. ۱۱:۲۲-۲۴) یا مردم تمام عالم.

f «برکت ها» و «لعنت ها» بر حسب اینکه بنی اسرائیل صدای خداوند را بشنوند یا نشنوند، بر ایشان واقع می شود (آیات ۱ و ۱۵ را مقایسه کنید). مجموعه دوم لعنت ها از آیه ۴۵ به بعد، این واقعیت را مد نظر دارد که بنی اسرائیل به صدای خداوند گوش فرا نخواهند داد: این حالت منجر به بازگشت ایشان به مصر خواهد شد (آیه ۶۸)، و به این ترتیب، تمامیت عمل خروج از مصر «باطل می گردد». این مجموعه را می توان با معاهده آسرحدون، پادشاه آشور، موازی دانست.

g «زنبیل» که در آن محصول زمین را می گذارند (ر.ک. ۲:۲۶، ۴) و «تغار» که به کار تخمیر و نگه داری نان می آید، در اینجا تداعی کننده خوراک روزانه است.

h منظور از شکست خوردن دشمنان «در برابر» اسرائیل، می تواند این باشد که ایشان «از» اسرائیل شکست خواهند خورد، یا اینکه ایشان «در برابر چشمان اسرائیل» به دست خداوند شکست خواهند خورد (ر.ک. توضیح ۴:۲۰).

	۱۰ جمیع قوم های زمین خواهند دید که تو را به نام یهوه می خوانند ^{۱۰} ، و از تو خواهند ترسید.	۱:۲۸ ۱۲:۹ع
۳:۲۸	۱۶ ملعون خواهی بود در شهر، و ملعون خواهی بود در صحرا! ۱۷ ملعون خواهند بود زنبیلت و تعارت!	
۵:۲۸	۱۸ ملعون خواهد بود ثمره شکمت، و ثمره زمینت، و حمل گاوانت و فزونی گوسفندان!	۴:۲۸
۴:۲۸	۱۹ ملعون خواهی بود وقتی وارد می شوی، و ملعون خواهی بود وقتی بیرون می روی! ۲۰ یهوه لعنت و اضطراب و تهدید را در هر آنچه که دستت اقدام به انجامش می کند، نزد تو خواهد فرستاد، تا آنجا که از میان بروی و به ناگاه هلاک شوی، به سبب بدی اعمالی که به واسطه آنها مرا ترک می کنی. ۲۱ یهوه طاعون را به تو خواهد چسباند تا آنجا که تو را از روی زمین قلع و قمع کند، زمینی که وارد آن خواهی شد تا مالکش شوی. ۲۲ یهوه تو را با سل و تب و تورم و تب داغ و خشکی ^k و سوزش و آب جوش خواهد زد و اینها تو را تعاقب خواهند کرد تا آن زمان که هلاک شوی. ۲۳ آسمانت بر روی سرت مفرغ خواهد بود، و زمین زیر تو آهن خواهد بود. ۲۴ یهوه باران سرزمینت را به گرد و به غبار تبدیل خواهد ساخت و اینها از آسمان بر تو فرود خواهند آمد تا آنجا که از میان بروی. ۲۵ یهوه کاری خواهد کرد که در برابر دشمنانت شکست بخوری؛	۲۴-۲۳:۲۸ ۴۴-۴۳:۲۸
۸:۲۸		
۱۴:۱۱		
۹:۴ع		
۱۲:۲۸		۲۸-۲۵:۴ ۲۱-۱۷:۳۱ لاو ۲۶-۱۴:۴۵ ۲-۱:۲۸
۷:۲۸		

i این فرمول بیانگر تعلق اسرائیل به خداوند است که اسرائیل را به نام خود نامیده تا ایشان را «قوم خاص» خود سازد.
j تهدیدها در مورد مصائب بسیار گسترده تر است از وعده ها در مورد سعادت؛ مصائب با اصطلاحاتی توصیف شده اند که با اصطلاحات مورد استفاده انبیا قرابت بسیار دارد.
k کلمه اصلی عبری، «شمشیر» است؛ این کلمه نمی تواند در این فهرست جایی داشته باشد. لذا با تغییری در حروف صدا دار، «خشکی» قرائت می شود. وولگات نیز قبلاً چنین کرده است. برخی از مترجمین، به جای «سوزش» و «آب جوش» کلماتی به کار می برند که دلالت دارند بر بیماریهای غلات؛ اما چنین چیزی در این مضمون بعید به نظر می رسد.

خواهد بود.^{۳۳} ثمره زمينت و تمام زحمت را قومی که نمی شناسی خواهند خورد، و همواره فقط مورد بهره کشی و بد رفتاری قرار خواهی گرفت، در تمامی روزها.^{۳۴} با مشاهده آنچه که چشمانت می بیند، دیوانه عا:^{۲۹:۲۸} ۱:۴ خواهی شد.^{۳۵} یهوه زانوان و رانهای تو را با زخمی بد که از آن شفا نمی توانی بیایی مضطرب سازد. ۲۷:۲۸ خواهد زد، از کف پا تا نوک سرت.^{۳۶} یهوه تو و پادشاهت را که بر خود برقرار می داری، به سوی ملتی خواهد برد که نمی شناختی، نه تو و نه پدرانت، و در آنجا خدایان دیگر را (که) از چوب و سنگ (هستند) خدمت خواهی کرد؛^{۳۷} و تو ویرانی و افسانه و استهزاء خواهی شد در میان جمیع قوم هایی که یهوه تو را به آنجا هدایت خواهد کرد.

^{۳۸} بذرهای بسیار به مزارع خواهی برد، اما برداشت کمی خواهی کرد، چرا که ملخ آن را از میان خواهد برد.^{۳۹} تاکستانها خواهی کاشت و آنها را پرورش خواهی داد، اما از شراب نخواهی نوشید و آن را انبار نخواهی کرد، زیرا کرم آنها را نابود خواهد ساخت.^{۴۰} در تمامی قلمرو خود درختان زیتون خواهی داشت و خود را با روغن آن نخواهی اندود، زیرا زیتونهایت خواهند افتاد.^{۴۱} پسران و دختران تولید خواهی نمود، اما ایشان از آن تو نخواهند بود، چرا که به اسارت خواهند رفت.^{۴۲} تمامی درختان و میوه زمينت را زنبور مالک خواهد شد.^{۴۳} غریبه ای که در میان تو خواهد بود، بیش از پیش از تو بالاتر

از یک راه بر علیه او حرکت خواهی کرد، و از هفت راه از مقابل او خواهی گریخت، و برای همه ممالک زمین تبدیل به وحشت خواهی شد.^{۲۶} جنازه ات تبدیل به خوراک جمیع پرندگان آسمان و حیوانات زمین خواهد شد، بدون آنکه کسی آنها را مضطرب سازد.

^{۲۷} یهوه تو را با زخم مصر خواهد زد، و با دمل ها، جرب و زخم پوست، که از آنها نمی توانی شفا بیایی.^{۲۸} یهوه تو را با دیوانگی و کوری و حماقت دل خواهد زد؛^{۲۹} در وسط ظهر کورمال راه خواهی رفت، همان طور که شخص کور در ظلمات کورمال راه می رود؛ اقدامات کامیاب نخواهد شد؛ همواره فقط مورد بهره کشی و غارت قرار خواهی گرفت، در تمامی روزها، و کسی برای رهایی [تو] نخواهد بود!^{۳۰} زنی را به نامزدی در خواهی آورد اما دیگری به او تجاوز خواهد کرد؛ خانه ای بنا خواهی کرد و در آن ساکن نخواهی شد؛ تاکستانی خواهی کاشت و نوبرش را نخواهی داشت!^{۳۱} گاو در مقابل چشمانت سر بریده خواهد شد و از آن نخواهی خورد؛ الاغت در مقابل تو دزدیده خواهد شد و به سوی تو باز نخواهد گشت؛ گوسفندانت به دشمنانت سپرده خواهند شد، و کسی برای رهایی ات نخواهد بود!^{۳۲} پسران و دختران به قومی دیگر سپرده خواهند شد؛ چشمانت آن را خواهند دید و تحلیل خواهند رفت و تمامی روز به سوی آنان [کشیده خواهند شد]، و دستت ناتوان

۳۷:۲۸

۱:۲۸

:۳۵:۲۸

خروج ۸:۹-۱۱

مکا: ۲:۱۶

۳۳:۲۸

عا: ۱۱:۵۵

۱ خانواده، خانه، و تاکستان در اسرائیل، سه عنصر بنیادین برای سعادت به شمار می روند؛ همین سه عنصر هستند که باعث می شوند شخص از رفتن به جنگ معاف شود.

۶۵:۲۸

خواهد رفت، و تو بیش از پیش پایین خواهی رفت.^{۴۴} او است که به تو قرض خواهد داد و تو به او قرض نخواهی داد؛ او است که بر سر خواهد بود، و تو در دم خواهی بود.

^{۴۵} تمامی این لعنت‌ها بر تو واقع خواهند شد و تو را تعاقب خواهند نمود و به تو خواهند رسید تا آنجا که از میان بروی، زیرا به صدای یهوه، خدایت، گوش فرا نمی‌دهی تا احکام و فرایض او را که به تو امر فرموده، به عمل آوری؛^{۴۶} آنها برای تو نشانه و کارهای شگفت‌انگیز خواهند بود، و نیز برای عقابت، برای ابد.

۳۴:۴

^{۴۷} از آنجا که یهوه، خدایت را خدمت نخواهی کرد، در شادی و دلی مسرور، در آن حال که همه چیز را به فراوانی داشتی،^{۴۸} دشمنانت را خدمت خواهی کرد، دشمنانی را که یهوه بر علیه تو خواهد فرستاد، در گرسنگی، در تشنگی، در عربانی، در محرومیت از همه چیز؛ ایشان یوغی آهنین بر گردنت خواهند نهاد تا آنجا که تو را از میان ببرند.

۵۷:۲۸

^{۴۹} یهوه ملتی را بر علیه تو بلند خواهد کرد که از دوردست می‌آید، از اقصای زمین، همچون عقابی که پرواز می‌کند، ملتی که زبانش را نمی‌فهمی،^{۵۰} ملتی با چهره‌ای خشن که اعتنایی به سالخورده و ترحمی بر کودک نخواهد داشت.^{۵۱} او ثمره احشامت و ثمره زمینت را خواهد خورد، تا آنجا که از میان بروی؛ او نه گندم برایت باقی خواهد گذارد، نه شراب تازه، نه روغن تازه، نه زایش گاو، و نه فزونی گوسفندان، تا آنجا که تو را هلاک سازد.

۴:۲۸

^{۵۲} او تو را در تمامی دروازه‌های سخت خواهد فشرد، تا آنجا که در تمام سرزمینت، بلندترین و مستحکم‌ترین حصارهایت فرو افتند، حصارهایی که به آنها اعتماد می‌داشتی؛ او تو را در تمامی دروازه‌هایت در تمام سرزمینت که یهوه، خدایت، به تو می‌دهد، سخت خواهد فشرد.^{۵۳} ثمره شکمت، یعنی گوشت پسران و دخترانت را که یهوه، خدایت، به تو می‌دهد خواهی خورد، در پریشانی و در اضطرابی که دشمنت تو را به آن مضطرب می‌سازد.

لا و ۲۶:۲۹:
یا ۲۸:۶-۲۹:
ار ۹:۱۹

اش ۱:۴۷

۷:۱۳

^{۵۴} ظریف‌ترین و لطیف‌ترین مرد نزد تو با چشمی بد به برادرش، به زنی که بر سینه‌اش خواهد بود، و به بقیه پسرانش که حفظ خواهد کرد، خواهد نگرست،^{۵۵} و نخواهد خواست که به هیچیک از ایشان، از گوشت پسرانش که با آنها خود را تغذیه می‌کند بدهد، زیرا برای او چیزی باقی نخواهد ماند، در پریشانی و در اضطرابی که دشمنت در تمامی دروازه‌هایت تو را به آن مضطرب خواهد ساخت.^{۵۶} ظریف‌ترین و لطیف‌ترین زن نزد تو که این خطر را نمی‌کرد که کف پایش را بر زمین بگذارد، آنقدر که لطیف و ظریف بود، با چشمی بد به مردی که بر سینه‌اش خواهد بود خواهد نگرست، و نیز به پسرش و دخترش،^{۵۷} به سبب جفت نوزادی که از پهلوهای او بیرون آمده، و پسری که می‌زاید؛ زیرا آنها را به خاطر نبود چیزی، در نهان خواهد خورد، در پریشانی و در اضطرابی که دشمنت تو را به آنها در دروازه‌هایت مضطرب خواهد ساخت.^{۵۸} اگر در به عمل آوردن تمامی سخنان این شریعت که در این

- ۲۰:۸ کتاب نوشته شده مراقبت نمایی و از این نام پرجلال و مهیب، یهوه، خدایت، ترسی، ^{۵۹}یهوه تو و اعقابت را با زخمهای خارق العاده، زخمهای بزرگ و سخت، بیماریهای بی رحم و سخت خواهد زد: ^{۶۰}او همه بیماریهای واگیردار مصر را که از آنها هراس داشتی، نزد تو باز خواهد آورد، و ^{۱۵:۷}آنها به تو خواهند چسبید. ^{۶۱}افزون بر این، تمامی بیماریها و همه زخمهایی که در کتاب این شریعت نوشته نشده، یهوه جمیع آنها را بر علیه تو خواهد آورد، تا آنجا که از میان بروی. ^{۶۲}و فقط مردمانی اندک باقی خواهید ماند، حال آنکه مانند ستارگان آسمان کثیر بودید، زیرا به صدای یهوه، خدایت، گوش فرا نخواهی داد.
- ^{۶۳}آنگاه، آن سان که سرور یهوه در این بود که به شما نیکی کند و شما را فزونی بخشد، به همان سان، سرور یهوه در این خواهد بود که شما را هلاک سازد و از میان ببرد، و شما از روی زمینی که وارد آن خواهی شد تا مالکش شوی، برکنده خواهید شد. ^{۶۴}یهوه تو را در میان جمیع قومها، از انتهای زمین تا انتهای زمین
- ۴۸:۲۸ پراکنده خواهد کرد، و در آنجا خدایان دیگر را خدمت خواهی کرد که نمی شناختی، نه خودت و نه پدرانت، (خدایانی) از چوب و سنگ. ^{۶۵}و در میان این ملت ها آسودگی نخواهی یافت، و برای کف پایت هیچ مکانی برای استراحت نخواهد بود. در آنجا، یهوه به تودلی لرزان، چشمانی تحلیل رفته، و جانی درمانده خواهد داد. ^{۶۶}زندگی ات در برابرت فقط همه خواهد بود؛ شب و روز در هراس خواهی بود؛ و بر زندگی خود حساب نخواهی کرد. ^{۶۷}بامدادان خواهی گفت: «کاش در شامگاه بودم!» و شامگاهان خواهی گفت: «کاش در بامداد بودم!» به سبب هراسی که دلت از آن هراسان خواهد بود و از منظره ای که چشمانت خواهند دید. ^{۶۸}یهوه تو را بر کشتیها به مصر باز خواهد گردانید، از راهی که به تو گفته بودم که آن را دیگر نخواهی دید. و در آنجا، خود را همچون بردگان به دشمنانت به فروش خواهید رساند- چه مرد و چه زن- و کسی برای خرید نخواهد بود!»
- ۳۶:۲۸:۲۸:۴
۳۲:۲۸
ایوب ۲۲:۲۴
۳۴:۲۸
خروج ۱۳:۱۴

واپسین خطابه موسی (۶۹:۲۸ تا ۲۰:۳۰)

- ^{۶۹}این چنین است سخنان عهدی که یهوه به موسی امر کرد تا با بنی اسرائیل منعقد کند، جدا از عهدی که با ایشان در حوریب منعقد کرده بود^m.
- ۵:۱

m از آنجا که بنی اسرائیل به صدای خداوند گوش فرا نخواهند داد (ر.ک. ۴۵:۲۸)، خداوند با ایشان عهد دومی منعقد می سازد، عهدی علاوه بر عهد سینا-حوریب. موضع کتاب تثنيه با موضع ارمیا فرق دارد؛ ارمیا در مقابل قطع رابطه قوم با خداوند، از عهدی «جدید» سخن می گوید، نه عهدی جدا یا اضافه بر عهد سینا، بلکه کاملاً متفاوت با آن (ر.ک. از ۳۱:۳۱-۳۴).

عهد در سرزمین موآب

۲۹^۱ موسی تمامی اسرائیل را احضار کرد و به ایشان گفت: شما دیدید تمام آنچه را که یهوه در مقابل چشمان شما در سرزمین مصر، به فرعون، به همه خدمتگزارانش و به تمام سرزمینش کرد، آن آزمایشهای بزرگ را که چشمانت دید، آن نشانه‌ها و آن کارهای شگفت‌انگیز عظیم را.^۳ اما تا به امروز، یهوه به شما دلی برای شناختن و چشمانی برای دیدن و گوشهایی برای شنیدن نداده است.ⁿ

۴^۵ من شما را در طول چهل سال در بیابان راه بردم؛ جامه‌هایتان بر روی شما پوسیده نشد و نعلینت بر پایت پوسیده نشد.^۵ نان نخوردید، و نه شراب نوشیدید و نه مسکرات، تا بدانید که من یهوه، خدای شما هستم.^۶ وقتی به این مکان رسیدید، سیحون، پادشاه حشیون، و عوج، پادشاه باشان، به ملاقات ما برای جنگ بیرون آمدند، و ما ایشان را شکست دادیم.^۷ سرزمین ایشان را گرفتیم و آن را به رثوبینیان و به جادیان و به نیم-قبیله منشیان به میراث دادیم.^۸ پس سخنان این عهد را مرعی خواهید داشت و به آنها عمل خواهید کرد، تا در هر آنچه می‌کنید، کامیاب شوید.

سختی تعهدات عهد

۹ اینک امروز همه در حضور یهوه، خدایتان، ایستاده‌اید، بزرگان قبیله هایتان، مشایختان و کاتبانتان، همه مردان اسرائیل،^{۱۰:۴} فرزندانتان و زنانتان، و غریبه‌ای که در میان اردوگاه تو است، از آن کس که هیزم می‌برد تا آن کس که آبت را می‌کشد؛^{۱۱} و وارد عهد یهوه، خدایت، خواهی شد، [این عهدی که همراه است با] نفرین P، عهدی که یهوه، خدایت، امروز با تو منعقد می‌سازد،^{۱۲} تا امروز تو را همچون قوم خود بر پا دارد و خودش خدای تو باشد، مطابق آنچه به تو گفته است، و مطابق آنچه برای پدرانت، ابراهیم و اسحاق و یعقوب سوگند یاد کرده است.^{۱۳} و فقط با شما نیست که این عهد [همراه با] این لعنت را منعقد می‌سازم،^{۱۴} بلکه با آن کسی است که امروز در اینجا با ما در حضور یهوه، خدایمان، ایستاده، و با آن کسی که امروز در اینجا با ما نیست.^۹

۱۵ زیرا شما می‌دانید که چگونه در سرزمین مصر سکونت داشتیم، و چگونه عبور کردیم از میان ملت‌هایی که از آنها عبور کردید.^{۱۶} شما «آشغالها» و «کنافات» آنها را دیدید، چوب و سنگ، نقره و طلا که نزد آنها است.^{۱۷} بادا که در میان شما نه مرد، نه زن، نه طایفه و نه

n آنچه حضور خداوند را آشکار می‌سازد، دیگر فقط «دیدن» رویدادها نیست، بلکه تبدیل دل نیز هست تا بتوان این نشانه‌ها را باز شناخت و از صدای خداوند که از میان آنها شنیده می‌شود اطاعت کرد.

o آیات ۴-۵ ناگهان شکل خطابه خود یهوه را به خود می‌گیرد تا تأکید شود که مشاهده خود او در رویدادهای گذشته، چه پاداشی در بر دارد.

p متعهد شدن به عهد در اینجا مستلزم سوگند است: بنی اسرائیل با پذیرش عهد، پلهای پشت سر خود را خراب می‌کنند و اذعان می‌دارند که بی‌وفایی به صدای خداوند راهی جز به مرگ نمی‌برد.

q عهد خداوند شامل تمام خوانندگان و شنوندگان مطالب کتاب تثنيه می‌گردد، چه نسل‌های آتی و چه نسلی که در رویداد خروج حضور داشت.

را بذریاشی نخواهند کرد، چیزی جوانه نخواهد زد، هیچ علفی در آن بلند نخواهد شد؛ این مانند واژگونی سدوم و عموره و آدمه و صبوئیم است که یهوه در خشم و غضب خود واژگون ساخت!»^{۲۳} و تمام ملت‌ها خواهند گفت: «از چه سبب یهوه این چنین با این سرزمین رفتار کرده است؟ از کجا می‌آید حدت این خشم عظیم؟»^{۲۴} و خواهند گفت: «زیرا عهد یهوه، خدای پدرانشان را ترک کردند، عهدی که با ایشان منعقد ساخته بود آن هنگام که ایشان را از سرزمین مصر بیرون آورد.»^{۲۵} ایشان رفتند و خدایان دیگر را خدمت کردند و در مقابل آنها سجده نمودند، خدایانی که نمی‌شناختند و او همچون سهم به ایشان نداده بود.^{۲۶} خشم یهوه بر علیه این سرزمین بر افروخته شد و تمامی لعنتی را که در این کتاب نوشته شده بود بر آن وارد آورده است؛^{۲۷} یهوه ایشان را از روی زمینشان بر کنده است، با خشم و غضب و غیظ عظیم، و ایشان را به سرزمینی دیگر افکنده است، آن سان که امروز [شده است].»^{۲۸} چیزهای مخفی از آن یهوه، خدای ما است، اما چیزهای آشکار شده از آن ما است و از آن پسران ما برای اید، تا تمامی سخنان این شریعت را به عمل آوریم.^{۲۹}

قبیله ای باشد که دلش امروز از یهوه، خدایمان، منحرف شود تا برود و خدایان این ملت‌ها را خدمت کند! بادا که در میان شما ریشه تولیدکننده سم و افسنتین نباشد! چنانچه کسی با شنیدن مفاد این نفرین، خود را در دل خود برکت دهد و بگوید: «زیرا مطابق سرکشی دلم سلوک می‌کنم، آرامش خواهم داشت، آن سان که آنچه را که سیراب شده با آنچه را که تشنه است از میان ببرد،»^{۱۹} یهوه به بخشودن او رضا نخواهد داد؛ زیرا آنگاه خشم یهوه بر علیه این شخص دودافشان خواهد شد، و نیز حسادت او، و تمامی نفرین مکتوب در این کتاب بر او نازل خواهد شد، و یهوه نام او را از زیر آسمانها محو خواهد ساخت.^{۲۰} یهوه او را از تمامی قبیله‌های اسرائیل اخراج خواهد کرد تا سیه روز شود، مطابق تمامی نفرین‌های عهدی که در این کتاب شریعت نوشته شده است.

^{۲۱} نسل آینده^۵، (یعنی) پسران شما که پس از شما بر خواهند خاست، و بیگانه ای که از سرزمینی دوردست بیاید، چون زخمهای این سرزمین را ببینند و بیماریهایی را که یهوه آن را با آنها بیماری می‌سازد، خواهند گفت: «گوگرد و نمک، تمامی سرزمینش سوخته است؛ آن

^r تحت اللفظی: «آنچه که سیراب شده، آنچه را که تشنه است، از میان می‌برد». این احتمالاً عبارتی است ضرب المثل وار که بیانگر حالت سیری کسی است که تمامی امیالش برآورده شده است، مانند آن مرد ثروتمند در مثل عیسی (لو ۱۲: ۱۹).

^s آیات ۲۱-۲۷ ظاهراً ویرایشی است مربوط به دوره تبعید که تبعیدیان را دعوت می‌کند که عهد را آنگونه که کتاب تثنيه در اینجا استنباط می‌کند، بپذیرند.

^t این سخن حکمت‌گونه محدودیت‌های شناخت بشری را تصدیق می‌کند و بیان می‌دارد که فقط خدا است که از همه امور آگاه است؛ اما تأکید می‌کند که انسان در مقابل آن بخشی از امور که خدا بر او آشکار ساخته، مسؤول است. این بخش از امور در شریعت آشکار شده است، شریعتی که تعالیمش بنیاد هر شناختی است و عمل کردن به آن، زندگی هر انسانی را جهت می‌بخشد.

بازگشت به سوی خداوند

داشتند و آزار رساندند، فرو خواهد آورد. ^۸ و تو باز خواهی گشت و به صدای یهوه گوش خواهی سپرد*^۷، و جمیع احکام او را که امروز به تو امر می‌کنم، به عمل خواهی آورد. ^۹ یهوه، خدایت تو را در هر عمل دستت، در ثمره شکمت، در ثمره احشامت و در ثمره زمینت، از مواهب لبریز خواهد ساخت. زیرا یهوه بار دیگر سرور خود را در ^{۱۱:۲۸} سعادت تو خواهد نهاد، آن سان که سرور ^{۶۳:۲۸} خود را در سعادت پدرانیت نهاد، ^{۱۰} به شرط آنکه به صدای یهوه، خدایت، گوش فرا دهی، و احکام و فرایض او را رعایت نمایی، (یعنی) آنچه را که در این کتاب شریعت نوشته شده است، اگر با تمامی دلت و با تمامی جانت به سوی یهوه باز گردی.

کلامی که بسیار نزدیک است

^{۱۱} زیرا این حکمی که امروز به تو امر می‌کنم، برایت غیرممکن نیست و نه بیرون از دسترس تو. ^{۱۲} در آسمان نیست که بگویی: «کیست که برای ما به آسمان بر آید و آن را برای ما برگیرد و آن را به ما بشنواند تا آن را به عمل آوریم؟» ^{۱۳} و در فراسوی دریا نیست که بگویی: «کیست که برای ما به فراسوی دریا عبور کند و آن را برای ما برگیرد و آن را به ما بشنواند تا آن را به عمل آوریم؟» ^{۱۴} نه، کلام بسیار

^{۳۰} پس چون تمامی این چیزها بر تو واقع شود، (یعنی) برکت و لعنتی که در مقابل تو قرار داده‌ام، چنانچه در میان تمامی ملت‌هایی که یهوه، خدایت، تو را به آنجا رانده باشد، آنها را به دل خود یادآوری نمایی^{۱۱}، چنانچه به سوی یهوه، خدایت، باز گردی و چنانچه تو و پسرانت به صدای او گوش فرا دهی، با تمام دلت و با تمام جانت، مطابق تمام آنچه که امروز به تو امر می‌کنم، ^۳ یهوه، خدایت، تقدیر تو را تغییر خواهد داد؛ او بر تو شفقت خواهد فرمود و بار دیگر، تو را از نزد تمامی قوم‌هایی که یهوه، خدایت، تو را به آنجا پراکنده ساخته است، گرد خواهد آورد.^۷ ^۴ حتی اگر راننده شدگان تو در اقصای آسمان باشند، یهوه، خدایت، از آنجا تو را گرد خواهد آورد، و از آنجا تو را بر خواهد گرفت. ^۵ یهوه، خدایت، تو را وارد سرزمینی خواهد ساخت که پدرانیت مالکش بوده‌اند، و تو آن را مالک خواهی شد؛ به تونیکی خواهد کرد و تو را بیش از پدرانیت فزونی خواهد بخشید. ^۶ یهوه، خدایت، دل تو و دل اعقابت را ختنه خواهد کرد تا یهوه، خدایت، را دوست بداری، با تمامی دلت و با تمامی جانت، تا زنده بمانی. ^۷ یهوه، خدایت، تمامی این نفرین‌ها را بر دشمنانت و بر آنان که تو را نفرت

^{۱۱} تحت اللفظی: «(آنها را) به سوی دل خود باز آوری». منظور «اندیشیدن» به آنها است.
^۷ با وجود سختی تهدیدهایی که در خصوص بی وفایی قوم بیان شده (ر.ک. توضیح ۱۵:۲۸)، آخرین کلام به مهربانی خدا بر می‌گردد. خدا نمی‌تواند از نقشه و طرح خود چشم پوشی کند، نقشه‌ای که هدفش اعطای سعادت و حیات بی انتها به اسرائیل است.

^۷ آنچه که امری غیرممکن، یعنی گوش فرا دادن به صدای یهوه را ممکن می‌سازد، ختنه دل به دست خود یهوه است (ر.ک آیه ۶).

بگذاری کشیده شوی به سجده کردن در مقابل خدایان دیگر و خدمت کردن به آنها،^{۱۸} این را امروز به شما اعلام می‌کنم: به یقین هلاک خواهید شد، و روزهای خود را بر زمینی که با عبور از اردن واردش می‌شوی تا آن را به مالکیت در آوری، طولانی نخواهید ساخت.^{۱۹} امروز آسمان و زمین را بر علیه شما شاهد می‌گیرم: آنچه در مقابل تو قرار داده‌ام، حیات و مرگ است، برکت و لعنت. حیات را بر گزین تا زیست کنی، تو و عقبابت،^{۲۰} و یهوه، خدایت، را دوست بدار و به صدایش گوش بسپار و به او بچسب؛ زیرا حیات تو همین است، با روزهایی طولانی که ساکن شوی در زمینی که یهوه برای پدرانت، ابراهیم و اسحاق و یعقوب سوگند یاد کرد که به آنان بدهد.»

نزدیک به تو است، در دهانت و در دلت، تا آن را به عمل آوری.^۷

نتیجه: انتخاب حیات

^{۱۵} بنگر! امروز در مقابل تو حیات و سعادت، و مرگ و سیه‌روزی را قرار داده‌ام.^{۱۶} چنانچه از احکام یهوه، خدایت، که امروز به تو امر می‌کنم، اطاعت نمایی، و یهوه، خدایت، را دوست بداری، و در طریق‌های او سلوک نمایی، و احکام و فرایض و قواعد او را رعایت کنی، خواهی زیست و فزونی خواهی یافت، و یهوه، خدایت، تو را در سرزمینی که وارد آن می‌شوی تا آن را به مالکیت در آوری، برکت خواهد داد.^{۱۷} اما چنانچه دلت منحرف شود و گوش نسپاری، چنانچه

۴۰:۴

۲۶:۴

۵:۶

۱:۲۸:۲۶:۱۱

۵:۶

وداع و رحلت موسی x (۱:۳۱ تا ۱۲:۳۴)

ساله هستم، و نمی‌توانم بروم و بیایم؛ یهوه به من گفته است: تو از این اردن عبور نخواهی کرد.^۳ یهوه، خدایت، هم‌او است که پیشاپیش تو عبور خواهد کرد، هم‌او است که این ملت‌ها را در مقابل تو نابود

انتصاب یوشع و سپردن شریعت به اسرائیل

^{۳۱} موسی رفت و این سخنان را به تمام اسرائیل گفت.^۲ سپس به ایشان گفت: «من امروز یکصد و بیست

۱:۱

۷:۳۴

یوشع ۱:۱۴:۱۱

۷:۳۱

۲۷:۳

^۷ این آیات، با واژگانی که یادآور واژگان کتاب‌های حکمتی است (ر.ک. امث ۸:۳۱؛ بنسی ۱۱:۲۴؛ حک ۱:۶)، تفسیر مجدد عهد سینا را پس از فاجعه خروج به پایان می‌رساند: اطاعت از خداوند امری غیرممکن نیست، زیرا خود او است که دل بنی اسرائیل را متحول می‌سازد (ر.ک. آیه ۶). آزادی انتخاب به طور کامل به انسان تعلق دارد؛ به همین سبب، در بخش بعدی، شخص دعوت می‌شود تا «حیات را برگزیند» (آیات ۱۵-۲۰).

^x این چهار فصل آخر در آن واحد، هم مؤخره کلی تورات را تشکیل می‌دهد، و هم بخش انتقالی به کتاب یوشع را. در آن می‌توان سبک روایتی موجود در خطابه-مقدمه مذکور در فصل‌های ۱ تا ۳ را تشخیص داد، و نیز نصیحتی را که در آغاز کتاب یوشع به چشم می‌خورد (ر.ک. ۳۱:۷-۸ و یوشع ۱:۵-۶). این فصل‌ها عمدتاً اثر دست ویراستار تثنيه ای است. بالینحال چند بخش که بعدها اضافه شده، مربوط می‌گردد به سنت کهنانتی که رحلت موسی را شرح می‌دهد (۳۲:۴۸-۵۲ و ۳۴:۷-۹). به علاوه، دو شعر به این مؤخره پیوند داده شده‌اند: «رود مذکور در فصل ۳۲ همراه با مقدم روایتی آن در ۳۱:۱۹-۲۲؛ و برکات فصل ۳۳ که منشأ آن می‌تواند به دوره پیش از آغاز سلطنت باز گردد. تذکری پایانی (۱۰:۳۴-۱۲) همچون خاتمه تمام تورات عمل می‌کند.

خواهد ساخت تا ایشان را خلع ید نمایی. یوشع است که پیشاپیش تو عبور خواهد کرد، مطابق آنچه که یهوه گفته است. ^۴یهوه با ایشان همان سان عمل خواهد کرد که با سیحون و عوج، پادشاهان اموریان، و با سرزمینهایشان کرد، و آنها را نابود ساخت. ^۵یهوه ایشان را به دست شما خواهد سپرد، و در همه امور مطابق حکمی که به شما امر کردم با ایشان عمل خواهید کرد. ^۶قوی و شجاع باشید! در برابر ایشان مترسید و لرزان مباشید، زیرا یهوه، خدایت، است که با تو راه می رود؛ او تو را و نخواهد گذارد و تو را رها نخواهد کرد.»

^۷موسی یوشع را فرا خواند و در مقابل چشمان تمام اسرائیل به او گفت: «قوی و شجاع باش! زیرا این تو هستی که این قوم را وارد سرزمینی خواهی کرد که یهوه برای پدرانشان سوگند خورده که به ایشان بدهد، و تو هستی که ایشان را وارث آن خواهی ساخت. ^۸یهوه خودش در برابر تو حرکت خواهد کرد و خود او با تو خواهد بود؛ او تو را و نخواهد گذارد و تو را ترک نخواهد کرد؛ مترس و هراسان مباش.»

^۹موسی این شریعت را نوشت و آن را به کاهنان، بنی لوی، که صندوق عهد یهوه را حمل می کردند، و به همه مشایخ اسرائیل داد. ^{۱۰}موسی این حکم را به ایشان داد:

«در پایان هفت سال، در زمان مقرر برای سال عفو، در عید آلونکها، ^{۱۱}آن هنگام که تمام اسرائیل خواهد آمد تا در برابر یهوه، خدایت، حضور یابد، در مکانی که انتخاب

۷:۳-۲۴:۲

پید ۲۸:۱۵:
یوشع ۱:۵:
عبر ۱۳:۵:

اعد ۲۷:۱۸-۲۳

خواهد کرد، این شریعت را در مقابل تمام اسرائیل، به گوشه‌هایشان، خواهی خواند. ^{۱۲}قوم را گرد آور، مردان و زنان و کودکان را، و غریبه‌ات را که در دروازه‌های تو است، تا بشنوند و تا بیاموزند که از یهوه، خدایتان، بترسند، و مراقب باشند که تمامی سخنان این شریعت را به عمل آورند. ^{۱۳}و پسران ایشان که نمی دانند، خواهند شنید و خواهند آموخت که از یهوه، خدایتان، بترسند، در تمامی روزهایی که بر زمینی که با عبور از اردن مالکش خواهید شد زندگی خواهید کرد.»

^{۱۴}یهوه به موسی گفت: «اینک روزهای مرگ تو نزدیک می شود. یوشع را فرا بخوان، و در خیمه ملاقات حضور یابید، تا دستورهایی به او بدهم.» موسی و یوشع رفتند تا در خیمه ملاقات حضور یابند. ^{۱۵}یهوه در خیمه پدیدار گشت، در ستونی از ابر، و ستون ابر در مدخل خیمه ایستاد.

^{۱۶}یهوه به موسی گفت: «اینک تو همراه پدرانت خواهی خفت، و این قوم خواهند رفت تا به دنبال خدایان خارج، (خدایان) این سرزمینی که به میان آن وارد خواهند شد، روسپیگری کنند: ایشان مرا رها خواهند کرد و عهد مرا که با ایشان بسته ام خواهند شکست. ^{۱۷}در آن روز، خشم من بر علیه ایشان بر افروخته خواهد شد؛ ایشان را رها خواهم کرد و روی خود را از ایشان پنهان خواهم ساخت، آن سان که ایشان را خواهند درید و انبوهی از بلاها و تنگیها بر ایشان وارد خواهد آمد؛ و در آن روز،

یوشع ۸:۳۲-۳۵:
۲:۲۳-۱:۳:
نخ ۸:
۴:۱۰:

خروج ۳۳:۹-۱۰:

خروج ۳۴:۱۵-۱۶:
داور ۲:۱۷:
حزق ۱۶:۱۵:

پید ۲:۳۵:
یوشع ۲۴:۲۳:
داور ۱:۱۶:
۱ سمو ۷:۳:

داور ۲:۱۴:

۲۰:۳۲

۸:۳۳

۸:۱۰

۱:۱۵

۱۳:۱۶

۱:۱

Y در خصوص آیین نیایش عهد و اعلام شریعت، ر.ک. توضیح ۲۷:۱ /
Z در کتاب تثنيه، به خیمه ملاقات (ر.ک. توضیح خروج ۲۷:۲۱؛ توضیح ۷:۳۳) فقط در اینجا اشاره شده است.

ساخت که من با سوگند وعده اش را داده ام، و من با تو خواهم بود.»

۷:۲

^{۲۴} پس چون موسی نوشتن سخنان این

۱۸:۱۷

شریعت را بر روی کتابی^a تا به آخر، به

پایان رسانید،^{۲۵} موسی این حکم را به

لاویانی که صندوق عهد یهوه را حمل

۸:۱۰

می کردند داد: «این کتاب شریعت را

بگیرید و آن را در کنار صندوق عهد یهوه،

۶۱:۲۸

خدایتان، قرار خواهید داد؛ آن در آنجا

۱۹:۳۱

شهادتی بر علیه تو خواهد بود.^{۲۷} زیرا من

طبع سرکش و گردن سخت تو را می شناسم؛

اگر امروز که هنوز در میان شما زنده هستم،

۷-۶:۹

۴۵:۵

نشان داده اید که در حق یهوه سرکش

هستید، چقدر بیشتر پس از مرگم!»

^{۲۸} «تمامی مشایخ قبیله هایتان و

کاتب هایتان را نزد من گرد آورید تا این

سخنان را به گوش شما بگویم، و بر علیه

۱۵:۱

۲۶:۴

ایشان آسمان و زمین را شاهد بگیرم.

^{۲۹} چرا که می دانم پس از مرگم، از فاسد

کردن خود کوتاهی نخواهید ورزید و از

۳۰-۲۹:۲۰

۱۶:۴

طریقتی که امروز به شما امر کردم دور

خواهید شد؛ و سیه روزی در دنباله روزها بر

شما واقع خواهد شد، زیرا آنچه را که در

نظر یهوه بد است انجام خواهید داد تا او را

۲۵:۴

با عمل دستانتان به خشم آورید.»

سرود برای صخره اسرائیل^b

^{۳۰} موسی سخنان این سرود را تا به آخر

به گوش تمام جماعت باز گفت:

خواهند گفت: آیا این بلاها به این سبب بر

من وارد نیامده که خدایم در میان من

نیست؟^{۱۸} و من در آن روز، پنهان خواهم

۱۶:۱۶

۴۲:۱

داور:۶:۱۳

مز:۴۲:۱۱

ساخت روی خود را، به سبب تمام بدی که

در اثر برگشتن به سوی خدایان دیگر،

خواهند کرد.

^{۱۹} «و اکنون این سرود را برای خود

بنویسید: آن را به بنی اسرائیل تعلیم بده، و

آن را در دهان ایشان قرار ده، تا این سرود

شاهد من باشد بر علیه بنی اسرائیل.^{۲۰} آن

هنگام که ایشان را وارد زمینی سازم که با

۲۶:۳۱

یو:۵:۴۵

سوگند به پدران من وعده دادم، [زمینی که]

در آن شیر و شهد جاری است، او خواهد

خورد و سیر خواهد شد و فربه خواهد

گشت؛ سپس به سوی خدایان دیگر بر

خواهد گشت؛ آنها را خدمت خواهند کرد و

۱۰:۱۱

۳۱:۳۲

مرا خوار خواهند شمرد، و او عهد مرا

خواهد شکست.^{۲۱} پس چون انبوهی از

بلاها و تنگیها بر او وارد آید، این سرود بر

علیه وی شهادت خواهد داد، زیرا از دهان

اعقابش فراموش نخواهد شد. در واقع،

طرحی را که امروز شکل می بخشد می دانم،

حتی پیش از آنکه او را وارد سرزمینی سازم

که با سوگند به پدران من وعده داده ام.»

^{۲۲} موسی در آن روز، این سرود را نوشت

و آن را به بنی اسرائیل تعلیم داد.

^{۲۳} او این دستورها را به یوشع پسر نون

داد: «قوی و شجاع باش! زیرا تو هستی که

بنی اسرائیل را وارد سرزمینی خواهی

a موسی پیش از اعلام شفاهی سرود و بیان برکتها، و نیز پیش از وفات خود، نگرارش کتابی را به پایان رساند: این کتاب به این ترتیب، نوعی وصیت است، و نهایتاً کتاب تثنيه این حالت وصیت را به خود داد.

b «سرود موسی» تأملی است شعرگونه در مورد تاریخ اسرائیل، همان چیزی که در سرودهای دیگر می بینیم که به شخصیت های دیگر نسبت داده شده اند (سرود موسی در خروج ۱۵: حنا در ۱- سمو ۲: داود در ۲- سمو ۲۲: مریم و زکریا و شمعون در لو ۱ و ۲). عموماً تصور بر این است که این متن متعلق به دوره تبعید یا دوره پارسیان باشد. به نظر می رسد که سرود موسی بیشتر

۲۸:۳

۲۶:۴

گوش فرا دهید، ای آسمانها؛ من سخن خواهم گفت، و بادا که زمین سخنان دهانم را بشنود!

اش: ۱۰:۵۵
هو: ۳:
ایوب: ۲۹:۲۳
مز: ۷۲:۶

بادا که دانش من به سان باران بچکد، بادا که سخنم همچون شبنم گسترده شود، همانند بارش باران بر سبزه ها، و به سان رگبار بر چمنزار! زیرا نام یهوه را می خوانم؛ عظمت را به خدای ما بدهید!

آن صخره^۲، کامل است عملش، زیرا همه طریق های او عدالت است؛ خدای صداقت و بدون بی انصافی، او عادل است، او، راست است.

مز: ۱۴۵:۱۷
مکا: ۱۵:۳
اش: ۲۵:۱
مرا: ۳۳:۲
۴:۳۳
روم: ۹:۱۴
۱:۱۸:۳۲
اش: ۴:۲:۱
هو: ۲:۲:۶
۱:۳۵:۳۵
مت: ۱۷:۱۷
مکا: ۴۰:۲
فی: ۱۵:۲

ایشان فاسد شده اند، آنان که او بی عیب تولید کرده بود^۳، نسل کج و نادرست!

آیا این است آنچه به یهوه پس می دهید ای قوم بی عقل و فاقد حکمت؟ آیا او نیست پدر تو که تو را به دست

اش: ۱۴:۱
۱:۴۳:۱۶:۶۳:۱:۴۳

آورد،

او که تو را ساخته و تو را برقرار داشته؟^۷ به یاد آور روزهای کهن را، سالها را دوره به دوره ملاحظه نمایید؛ از پدرت سؤال کن، و او تو را آگاه خواهد ساخت، از مشایخت، و ایشان آن را به تو خواهند گفت.

۱۸:۳۲

۳۲:۴

پید: ۱۰:

آع: ۱۷:۲۶

۶:۷

زک: ۱۶:۲

ار: ۲:۲:۶

حزق: ۱۶:۶

هو: ۱۳:۵

آن هنگام که پسران آدم را جدا می نمود، محدود قوم ها را بر پا داشت مطابق تعداد بنی اسرائیل^۴؛ چرا که سهم یهوه، قوم او است، یعقوب قسمت میراث او است.

آن را در سرزمینی بیابانی می یابد، در هرج و مرجی زوزه کشان و ویرانه؛ او را احاطه می کند و تحت مراقبت قرار می دهد،

او را همچون مردمک چشمش نگاه می دارد.

تداعی کننده دعوایی دادگاهی میان خداوند و قومش باشد؛ مجرم در طی آن مجازات می شود، اما به طور قطعی محکوم نمی گردد، زیرا پیروزی خداوند در این است که قومی را که برگزیده، به رایگان نجات بخشد. در این شعر، این بخشها به چشم می خورد: گشایش دادگاه (آیات ۱-۶)؛ نیکویی های خداوند (آیات ۷-۱۴)؛ سرکشی اسرائیل (آیات ۱۵-۱۸)؛ اعلام مجازات (آیات ۱۹-۲۵)؛ داوری خدا بر علیه دشمنان اسرائیل (آیات ۲۶-۳۵)؛ نابودی خدایان دروغین و پیروزی خداوند (آیات ۳۶-۴۲)؛ هلهله پایانی (آیه ۴۳).

c در عهدعتیق کرارا به خدا عنوان «صخره» داده شده است که در آن واحد، بیانگر دو حقیقت در مورد خدا است: یکی آنکه او پناهگاه مطمئنی است، و دیگر اینکه او بنیاد تزلزل ناپذیری است که بر روی آن می توان استوار ایستاد یا خانه خود را بنا کرد (ر.ک. ۳۱:۳۲-۲:۳۳؛ اش: ۲۶:۴؛ ۲۹:۳۰؛ ۴۴:۸؛ حب: ۱:۱۲؛ مز: ۱۸:۳، ۳۲؛ ۳۱:۴؛ ۹۲:۱۶؛ مت: ۲۴:۷-۲۵: توضیح ۱۸:۱۶).

d قرائت عبری چنین است: «او برای وی فاسد شده، نه پسرانش، عیب ایشان». ما این مصرع را بر اساس قرائت های سامری و یونانی ترجمه کرده ایم که ترجمه تحت اللفظی آن چنین است: «ایشان فاسد شده اند؛ ایشان برای او پسران عیب نبودند». این ترجمه سنتی متن عبری است. پاره ای دیگر چنین برداشت می کنند: «مطابق حدود بنی اسرائیل». اما ترجمه یونانی و نسخ قمران ترجمه دیگری ارائه می دهند: «مطابق تعداد پسران خدا». در این صورت، منظور موجوداتی الهی است که خداوند برای نگهبانی بر ملت ها گمارده است (ر.ک. ۱۹:۴)، و به این ترتیب، اشاره ای ضمنی به «خدایان دیگر» می شود؛ این امر احتمالاً بعدها باعث تعجب برداران و مترجمین شده و لذا متن را اصلاح کرده اند، طوری که متن امروزی به دست آمده است.

مز ۱۷:۸	او صخره نجات خود را سرافکننده می سازد.	۱۱ به سان عقابی که آشیانه و جوجه هایش را بر می انگیزد و بر فراز جوجه هایش به پرواز درمی آید، او بالهای خود را می گشاید و او را بر می گیرد، و او را بر پرهای خود حمل می کند.	۴۱:۷:۸:۶۴ خروج ۱۹:۴
۲۱:۳۲:۲۴:۴	۱۶ ایشان او را با «خارجی ها ^h » به حسادت می آورند، با «نفرت انگیزها ^۱ » او را به خشم می آورند؛	۱۲ فقط یهوه او را هدایت می نماید، هیچ خدای بیگانه ای به همراه او نیست.	پید ۲۴:۲۷: خروج ۱۳:۲۱: ۱۵:۱۳: مز ۸۰:۲
مز ۱۰۶:۳۷: ۱ قرن ۱۰:۲۰: مکا ۹:۲۰:	۱۷ برای دیوهایی که الوآه نیستند قربانی می کنند، برای خدایانی که نمی شناختند، برای تازه واردان که تازه از راه رسیده اند، که در برابر آنها پدران تنان نلرزیده بودند.	۱۳ او را بر بلندیهایی سرزمین سوار می کند ^f ، او را با محصولات مزرعه ها خوراک می دهد؛	
۲۸:۱۱	۱۸ تو صخره ای را که تو را تولید نموده، خوار می شماری، خدایی را که تو را به دنیا آورده، از یاد می بری!	۱۴ از ماست گاوان و شیر گوسفندان، همراه با پیه بره ها، قوچها، پسران باشان، و بزهای نر، همراه با پیه مغز گندم، و خون خوشه انگور که آن را تخمیر شده می نوشی.	مز ۸۱:۱۷: ایوب ۲۹:۶
۶:۳۲	۱۹ یهوه آن را می بیند و تحقیر می کند، پسران و دخترانش را، در خشم خود.	۱۵ یعقوب می خورد و سیر می شود، یشورون ^g فربه می گردد و لگد می اندازد؛	۲۶، ۵:۳۳ ۲۰:۳۱
۱۷:۳۱	۲۰ او گفت: روی خود را از ایشان پنهان خواهیم ساخت، و خواهیم دید که سرانجامشان چه خواهد شد؛	- تو فربه گشته، چاق شده، تا به گلو خورده ای! -	
۵:۳۲	زیرا این نسلی است فاسد، پسرانی که صداقت ندارند.	او الوآه را که او را ساخته، رد می کند،	
۱۶:۳۲	۲۱ ایشان با آنچه که خدا نیست، مرا به حسادت آوردند،		

f منظور «سوار کردن بر بلندیهها» مسلط ساختن قوم بر سرزمین و زندگی در امنیت می باشد (ر.ک. ۲۹:۳۳؛ حب ۱۹:۳؛ مز ۱۸:۳۴؛ عا ۱۳:۴؛ میک ۱:۳؛ اش ۱۴:۵۸).

g این لقبی است برای اسرائیل (ر.ک. ۲۶، ۵:۳۳؛ اش ۲:۴۴) و احتمالاً اسم تصغیر برای «یشر» (یعنی «راست») می باشد؛ لذا نسبت به نام «یعقوب» تداعی کننده نکات مثبت تری است (ر.ک. توضیح پید ۲۶:۲۵).

h «خارجی ها» اشاره ای است به خدایان اقوام دیگر (ر.ک. اش ۱۲:۴۳؛ ار ۲:۲۵).

۱ اصطلاحی است تحقیرآمیز که برای خدایان خارجی به کار می رود، خدایانی که خدا نیستند (ر.ک. آیه ۱۷).

با «بطالت‌های^۲» خود مرا به خشم آوردند؛

بسیار خوب! من نیز با آنچه که قومی نیست ایشان را به حسادت خواهم آورد، با ملتی بی عقل ایشان را به خشم خواهم آورد.

^۲ زیرا که آتشی در بینی من افروخته شده،

و تا ژرفاهای شئول می سوزد، زمین را نابود می سازد، و نیز محصولش را،

بنیادهای کوهها را به آتش می کشد. ^{۲۳} بر ایشان بلاها خواهم انباشت، تیرهایم را بر علیه ایشان به اتمام خواهم

رساند؛ ^{۲۴} در اثر گرسنگی تغییر قیافه خواهند داد

و در اثر تب^۱ از میان خواهند رفت و در اثر طاعون تلخ؛

بر علیه ایشان دندان حیوانات را خواهم فرستاد

و زهر آنهایی را که در خاک می خزند. ^{۲۵} در بیرون شمشیر ایشان را از فرزند محروم خواهم ساخت،

در اندرون، وحشت خواهد بود برای مرد جوان و برای دختر جوان، برای شیرخواره به همان اندازه که برای مرد سپیدموی!

^{۲۶} گفتم: «ایشان را به غبار تبدیل خواهم ساخت،»

یاد ایشان را از میان فانیان محو خواهم نمود،

^{۲۷} اگر از خشم دشمن نمی ترسیدم از اینکه خصمانشان در مورد خود اشتباه کنند

و بگویند: دست ما بلند شده، و همه اینها را یهوه انجام نداده است.»

^{۲۸} زیرا این ملتی است که در مشورت‌های خود گمراه می شود،

و در ایشان هوشمندی ای نیست. ^{۲۹} اگر حکیم می بودند، این را می فهمیدند،

و تشخیص می دادند که عاقبتشان چه خواهد بود.

^{۳۰} چگونه یک نفر به تنهایی می توانست هزار (نفر) را تعاقب کند،

و دو (نفر) می توانستند ده هزار (تن) را فراری دهند،

مگر نه به این سبب که صخره ایشان، آنان را فروخته

و یهوه ایشان را تسلیم کرده است؟ ^{۳۱} چرا که صخره ایشان مانند صخره ما نیست،

و دشمنان ما در این مورد شاهدند؛ ^{۳۲} چرا که تاکستان ایشان، تاکستان

سدوم است

عا ۷:۹
روم ۱۹:۱۰
۱۱:۱۱
قرن ۱۰:۲۲

۷:۱۱

۴۲:۳۲
حزق ۵:۱۶
مز ۳۸:۳
۱۸:۷۷
ایوب ۶:۴

۵۷-۵۳، ۴۸:۲۸

لاو ۲۲:۲۶

۵۰:۲۸

۲ معنی تحت اللفظی این کلمه «دمها» است، یعنی آنچه که سبک و نامتسجم و ناپایدار و بدون نیرو است؛ این نیز دلالتی است تحقیرآمیز بر آنها (ار ۸:۱۹؛ ۱۰:۸؛ ۱۴:۲۲؛ ر.ک. مز ۳۱:۷).

۱ برخی این کلمه را «صاعقه» ترجمه می کنند؛ صاعقه نزد فنیقیان نماد خدای طوفان بود.
 ۲ معنی این عبارت روشن نیست.

۳ درک این متن دشوار است. برخی از مترجمین حالت نفی مصرع‌های نخست را در این عبارت نیز تکرار می کنند و چنین ترجمه می کنند: «و نه دشمنان ما شاهد آند». ترجمه یونانی چنین آورده: «و دشمنان ما ابله هستند».

اش:۵:۲ ار:۲۱:۳ پید:۱۳:۱۳	و برای شما پناهگاهی باشند! ۳۹ اکنون ببینید که این منم که من هستم و بادا که در کنار من خدایی نباشد؛ من هستم که می میراند و زنده می کند؛ من زخمی می کنم و من هستم که شفا می بخشد؛ و کسی از دست من نمی رهااند. ۴۰ آری، دست خود را به سوی آسمان بلند می کنم و می گویم: به همان راستی که تا ابد زنده هستم، ۴۱ آن گاه که شمشیر براق خود را تیز کرده باشم و دستم داوری را نگاه دارد، انتقام را علیه خصمانم بر خواهم گرداند و به آنان که مرا نفرت می دارند، دینشان را خواهم پرداخت؛ ۴۲ تیرهایم را با خون سرمست خواهم ساخت، و شمشیرم گوشت را خواهد درید، خون کشتگان و اسیران را، سر دشمن را که زلفهایی پریشان دارد. ۴۳ ای ملت ها ^p ، برای قومش هلهله کنید، چرا که او انتقام خون خدمتگزارانش را می گیرد، انتقام را بر علیه خصمانش بر می گرداند	و درخت انگور عموره؛ انگورهایشان انگورهای مسموم است، چه خوشه های تلخی است خوشه های آنان! ۳۳ شرا بشان زهر مار ^l است، سم مهلك افعی ها! ۳۴ آبا این نزد من ذخیره نشده، و در گنجهای من مهر نشده است ^m ؟ ۳۵ انتقام و پاداش از آن من است ⁿ ، آن هنگام که پایشان خواهد لغزید! زیرا که نزدیک است روز سیه روزی شان، و آنچه انتظارشان را می کشد، شتاب می کند. ۳۶ آری، یهوه عدالت را در حق قومش به جا خواهد آورد، و بر خدمتگزارانش ترحم خواهد نمود، آن هنگام که ببیند نیرویشان از میان رفته و دیگر نه برده ای هست و نه مردی آزاد ^o . ۳۷ آنگاه خواهد گفت: کجایند خدایان نشان، صخره ای که در آن پناه می گرفتند، ۳۸ آنان که پیه قربانی هایشان را می خوردند، و باد هدایای ریختنی شان را می نوشیدند؟ بادا که بر خیزند و به یاری شما آیند	مکا: ۱۰: ۵-۶ ح: ۱۱: ۳ مزا: ۱۳: ۱۴ داور: ۱۰: ۱۴ پا: ۱۸: ۲۷ ار: ۲۸: ۲ ۳۱: ۳۲ مز: ۵: ۱۲-۱۳
--------------------------------	---	--	--

l این اصطلاح به زبان عبری به معنی مارهای بزرگ است. ر.ک. خروج ۷: ۹، ۱۰، ۱۲؛ مز ۹۱: ۱۳
m آیه ۳۳-۳۴ در ارتباط با مجازات بت پرستان، اما رحمت خدا و نجات قوم برگزیده می باشد.
n این عبارت در روم ۱۲: ۱۹ و عبر ۱۰: ۳۰ با شکلی اندکی متفاوت نقل قول شده است: «انتقام از آن من است؛ منم که پاداش
می دهد».

o در خصوص این اصطلاح، ر.ک. توضیح ۱- پاد ۱۴: ۱۰
p این هلهله پایانی در ترجمه یونانی و نسخ قمران به شکلی طولانی تر وجود دارد (مصرع هایی که ما در پرائتز گذاشته ایم، در
نسخه های قمران از قلم افتاده است):
«ای آسمانها، با او شادی کنید!
بادا که جمیع پسران خدا در مقابل او سجده کنند.
(ای ملت ها، با قوم او شادی کنید،

و کفاره را برای زمین قومش^q انجام می دهد. ۸:۲۱

۴۴ موسی رفت و تمامی سخنان این سرود را به گوشهای قوم گفت، او و یوشع^t پسر نون.

۴۵ چون موسی از گفتن تمامی این سخنان به جمیع اسرائیل فارغ شد،^{۴۶} به ایشان گفت: «تمامی سخنانی را که امروز به واسط آنها بر علیه شما آن را شهادت می دهم، در دل نگاه دارید؛ آنها را به پسرانتان امر کنید تا مراقب باشند که تمامی سخنان این شریعت را به عمل آورند. ۴۷ زیرا این برای شما کلامی تهی نیست، بلکه حیات شما است، و به واسط این کلام است که روزهای خود را بر زمینی که با عبور از اردن آن را به مالکیت در خواهید آورد، طولانی خواهید ساخت.» ۴۰:۴

اعلام رحلت موسی^s

۴۸ در همان روز، یهوه به این مضمون با موسی سخن گفت: ۴۹ «بر کوه عباریم که اینجا است بر آری، بر قله نبو، که در سرزمین موآب است، در مقابل اریحا، و سرزمین کنعان را نگاه کن که آن را به بنی اسرائیل به مالکیت می دهم. ۵۰ سپس بر کوهی که به آن بر خواهی آمد، بمیر و به خویشانت بیونند، همان سان که برادرت هارون بر کوه هور مرد و به خویشانش پیوست. ۵۱ از آنجا که در میان بنی اسرائیل، در آبهای مریب قادش، در صحرای سین، به من وفادار نبودید، و از آنجا که قدوسیت مرا در میان بنی اسرائیل نمودار نساختید،^t ۵۲ سرزمین را از دور خواهی دید، اما وارد آن نخواهی شد، به این سرزمین که به بنی اسرائیل می دهم.» ۲۲:۲۱ لو
اعد ۲۷-۱۲-۲۳
:۱:۳۴
پید ۲۵:۸، ۱۷:
:۲۹:۳۵
۳۳:۴۹
اعد ۲۰:۲۴-۲۵:
۲:۳۱
:۳۷:۱
:۸، ۲:۳۳
خروج ۱۷:۱-۷:
اعد ۱۳:۲۰
۲۷:۳

و جمیع فرشتگان خدا برای او نیرومند باشند.)

زیرا انتقام خون پسرانش گرفته شده؛

او انتقام خواهد گرفت و انتقام را بر دشمنانش فرو خواهد آورد.

آنان را که او را نفرت می دارند جزا خواهد داد؛

خداوند زمین قومش را پاک خواهد ساخت.»

در روم ۱۰:۱۵ و عبر ۱:۶ از دو قسمت از این مؤخره طولانی تر نقل قول شده است.

q تحت اللفظی: «زمینش قومش». برخی ترجمه می کنند: «زمینش و قومش». ترجمه ما مبتنی است بر ترجمه یونانی (همان گونه که در توضیح p نقل قول شده است).

r در متن عبری، به جای «یوشع» (یعنی «یهوه نجات است»)، نام اولیه این شخصیت به کار رفته، یعنی «هوشع» (ر.ک. اعد ۱۳:۸، ۱۶). ما بر اساس متن سامری و ترجمه های قدیمی، آن را با «یوشع» جایگزین کرده ایم.

s آیات ۴۸-۵۲ متعلق به سنت «کهانتی» است. این آیات تکرار بخشی از اعد ۲۷-۱۲-۲۳ می باشند. روایت «کهانتی» مربوط به زندگی موسی در تث ۳۴:۱a، ۷-۹ به پایان می رسد.

t تحت اللفظی: «مرا تقدیس نکردید»؛ این می تواند یا به این معنی باشد: «تصدیق نکردید که من می توانستم حاکمانه و با قدرت عمل کنم»، یا به این معنی: «اجازه ندادید قدوسیت من ظاهر شود». در خصوص موضوع مجازات موسی، ر.ک.

توضیح ۲۷/۳

برکت دادن دوازده قبیله اسرائیل

پید ۴۹

۱ و این برکتی است که موسی، مرد خدا، پیش از مرگ خود، بنی اسرائیل را با آن برکت داد. گفت^۱:

۲ یهوه از سینا آمد، و از سعیر برای ایشان بر خاست؛

از کوه فاران درخشید،

از کرورهای قاش^۷ آمد،

از جنوب، برای ایشان، به آشدوت^۷.

۳ به یقین او قوم ها^x را دوست می دارد،

اما جمیع مقدسات^y در دست تو هستند

و ایشان در مقابل پایهای تو فرود

می آیند؛

هر یک (چیزی) از سخنان تو دریافت

می دارد.

۴ موسی شریعتی برای ما مقرر داشت،

مالکیتی برای جماعت یعقوب.

مز ۱۸:۶۸

داور ۵:۴

حب ۳:۳

۵ در بشورون پادشاهی بود^z،

آن گاه که بزرگان قوم گرد آمدند،

قبیله های اسرائیل، با هم.

۶ بادا که رئوبین زیست کند و نمیرد!

اما مردمانش به تعداد کمی باشند!

۷ و اینک برای یهودا: گفت:

گوش فرا ده، ای یهوه، به صدای یهودا

و او را به سوی قومش باز آور^a؛

دستانت برای او جنگ خواهند کرد

و تو امدادی خواهی بود علیه خصمانش.

۸ و برای لاوی گفت^b:

تسیم^c تو و اوریم تو

برای مرد دیندار تو است،

که او را در مسا آزمایش کردی،

و در آبهای مریبه نزاع نمودی^d،

۹ هم او که در باره پدرش و مادرش خروج ۱:۱۷-۷

می گوید:

ii «برکت موسی» متشکل است از دو عنصر متمایز: از یک سو، سرودی است در ستایش خدای اسرائیل و یادآوری اعمالش برای قوم؛ هر دو بخش این سرود چارچوبی را برای تمام فصل تشکیل می دهد (آیات ۲-۵ و ۲۶-۲۹)؛ از سوی دیگر، بخش مرکزی این فصل، مجموعه ای از سخنانی است که به سرنوشت هر یک از قبیله ها در آینده می پردازد. شرایطی که در این آیات، یعنی ۶-۲۵، تداعی شده، منعکس کننده دوره بعد از استقرار قبیله ها در کنعان و پیش از اتحاد آنها تحت فرمانروایی داود می باشد. متن اصلی در نسخ خطی در شرایط خوبی حفظ نشده، خصوصاً بخش سرود آن، و مترجم ناگزیر از توسل به حدس و گمان می باشد.

v متن عبری را می توان این گونه نیز ترجمه کرد: «از کرورهای قدوسیت بیرون آمد» (ر.ک. توضیح یهو ۱۴). اشاره ای که در ابتدای این آیه به سینا شده، ما را بر آن می دارد که کلمه «قدوسیت» را «قاش» بخوانیم (ر.ک. ۱: ۱۹-۴۶).

w در متن عبری، به جای «آشدوت»، واژه «اشدات» (احتمالاً به معنی «آتش شریعت») آمده و ترجمه ما مبتنی است بر حدس و گمان. شاید منظور «شبهای» فسجه (ر.ک. ۳: ۱۷: ۴۹: ۴) در نزدیکی نبو باشد، همان جایی که موسی رحلت خواهد کرد (ر.ک. ۳: ۲۷: ۳۲-۴۹: ۵۰-۳۴: ۱).

x «قوم ها»: این اصطلاح احتمالاً اشاره ای است به قبایل اسرائیل که در آیات ۴-۵ صراحتاً به آنها اشاره شده است.

y به معنای فرزندان قوم برگزیده، قومی که به طور مخصوص به یهوه وقف شده است.

z این «پادشاه» به نظر می رسد که خود خداوند باشد که از این پس بیگانه سرور اسرائیل است. اما در آن می توان اشاره ای به پادشاه اسرائیل را نیز مشاهده کرد که استقرارش عمل خداوند است (ر.ک. مز ۲: ۲، ۷).

a در اینجا یهودا جدا از سایر قبایل به نظر می رسد: این نقطه نظر اسرائیلیانی است که در مرکز و شمال سرزمین استقرار یافته اند. اما بر عکس، در پید ۸-۱۲، از یهودا تحسینی به عمل آمده که خاص سنت های جنوب است.

b ترجمه یونانی این عبارت را چنین تکمیل می کند: «به لاوی تسیم و اوریم خود را بده».

c در خصوص «تسیم و اوریم» که ابزارهای دریافت مشورت از خدا هستند، ر.ک. توضیح خروج ۲۸: ۳۰.

d در عبری با نامهای «مسا و مریبه» بازی با کلمات صورت گرفته و از این راه، آنها را به ترتیب به «آزمایش» و «نزاع» مرتبط کرده اند.

	«ایشان را ندیدم»، هم او که برادرانش را نمی شناسد و در باره پسرانش هیچ نمی داند. زیرا که ایشان کلام تو را رعایت کردند و عهد تو را نگاه داشته اند؛ ۱۰ قواعد تو را به یعقوب تعلیم می دهند ^e و شریعت تو را به اسرائیل؛ بخور ^f را زیر بینی تو قرار می دهند و هدیه کامل را بر قربانگاه تو. ۱۱ ای یهوه، ارزش او را برکت بده و عمل دستانش را مقبول بدار؛ گرده های مهاجمانش را خرد ساز و گرده های آنانی را که او را نفرت می دارند: بادا که دیگر بر نخیزند! ۱۲ برای بنیامین گفت: محبوب یهوه، او در امنیت ساکن می باشد؛ آن متعال او را تمامی روز محافظت می نماید و در میان شان هایش ^h سکونت می گزیند. ۱۳ و برای یوسف گفت: مبارک یهوه است سرزمین او! از آن او باد عطیه مرغوب آسمان از بالا، و از لجه که در پایین گسترده است، ۱۴ عطیه مرغوب محصولات خورشید، عطیه مرغوب میوه های دوره های ماه،	خروج ۳۲:۲۵-۲۹ مت ۱:۳۷ موازی
۱۵ بهترین عطیه کوهساران گذشته، عطیه مرغوب تپه های کهن، ۱۶ عطیه مرغوب زمین و آنچه که آن را پر می سازد، و لطف «آن کس» که در بیشه ساکن است! باشد که [این برکات] بر سر یوسف بیاید، بر جمجمه آن که در میان برادرانش تقدیس شده است! ۱۷ نخست زاده گاو نر، شکوهمندی از آن او باد! شاخهای گاو میش باد شاخهای او! با آنها قوم ها را خواهد زد، همگی آنان را با هم تا اقصای زمین. این چنین هستند کروورهای افراییم، این چنین هستند هزاران منسی ⁱ . ۱۸ و برای زبولون گفت: سعادت مند باش، ای زبولون، در لشکرکشی هایت، و تو، ای یساکار، در خیمه هایت! ۱۹ قوم ها بر کوهی که بر فراز آن دعا می کنند، قربانی های عادلانه تقدیم می دارند، زیرا آنان فراوانی دریاها را به سوی خود جلب می کنند	پید ۴۹:۲۶ حب ۳:۶	
		۱ سمو ۲:۲۸
		۲ تسا ۲:۱۳
		۲۸:۳۳
		پید ۴۹:۲۵

^e در عبری، از همین فعل است که کلمه «تورات» مشتق می شود، کلمه ای که دلالت دارد بر شریعت.

^f می توان «دود» نیز ترجمه کرد، یعنی دود قربانی ها.

^h منظور اشاره به پرستشگاهی است که واقع بوده در منطقه تپه هایی که به این قبیله تعلق داشته است، احتمالاً «شیلوه» (۱- سمو ۳-۱). منظور ممکن است معبد اورشلیم نیز باشد، زیرا این شهرگاه متعلق به قبیله بنیامین نیز تلقی شده است.

ⁱ افراییم و منسی با هم، خاندان یوسف را تشکیل می دهند (ر. ک. پید ۴۸:۱۳-۲۰).

^j این کوه احتمالاً کوه تابور است که در هر دو سرزمین زبولون و نفتالی واقع شده است. پرستشگاهی که بر قله آن بنا شده، نقطه اجتماع چندین قبیله بوده است (ر. ک. سقوم هاز در آیه ۳)، و شاید حتی نقطه اجتماع کنعانیان. باراق پیش از جنگ با سبیرا، لشکر اسرائیل را بر همین کوه تابور گرد می آورد (داور ۴:۱۲-۱۶).

اش ۵:۶۰	۲۵ بادا که کَشوهای (دروازه هایت) از آهن و مفرغ باشد و امنیت ⁿ تو به اندازه روزهایت به درازا بینجامد!	۲۰ و گنجهای نهفته شده در شن را ^k . مبارک باد آن کس که جاد را وسعت می بخشد!	پید ۹:۴۹ اعد ۹:۲۴ توا ۹:۱۲
۳۳:۳۳-۳۴:۴	۲۶ هیچکس همانند خدای یشورون نیست، که بر آسمانها سوار می شود تا به یاری تو خروج ۱۱:۱۵	او همچون شیر ماده می آرامد، بازو و جمجمه را می درد. ۲۱ نوبرها را برای خود کسب کرده، زیرا در آنجا سهم رئیس ذخیره شده است.	
۱۵:۳۲	و بر ابرها، در عظمت خود. ۲۷ خدای دوره های گذشته پناهگاه است و در این پایین، بازوهای جاودانی؛ دشمن را از مقابل تو رانده، گفته: «قلع و قمع کن!»	او به بزرگان قوم پیوسته، عدالت بیهو را به جا آورده و داوریهای او را بر اسرائیل. ۲۲ و برای دان گفت: دان شیری است جوان که از باشان می جهد. ۲۳ و برای نفتالی گفت: نفتالی، سیر از لطف و آکنده از برکت بیهو، دریا ^l و جنوب را به مالکیت در آور! ۲۴ و برای اشیر گفت: مبارک باد اشیر در میان [تمامی] پسران!	یوشع ۱۳-۱۲:۴
۱۲:۳۳ ار ۶:۲۳	چشمه یعقوب جدا می ماند در سرزمین گندم و شراب تازه، و آسمانش شبنم را می چکاند. ۲۹ سعادت مند هستی تو، ای اسرائیل! کیست مانند تو، قومی نجات یافته به دست بیهو، سپری که تو را یاری می دهد، شمشیری که تو را ظفرمند می سازد؟ دشمنانت تو را مدح خواهند گفت، و تو، بر قله های ایشان راه خواهی رفت.	۲۸ اسرائیل در امنیت ساکن است، چشمه یعقوب جدا می ماند در سرزمین گندم و شراب تازه، و آسمانش شبنم را می چکاند. ۲۹ سعادت مند هستی تو، ای اسرائیل! کیست مانند تو، قومی نجات یافته به دست بیهو، سپری که تو را یاری می دهد، شمشیری که تو را ظفرمند می سازد؟ دشمنانت تو را مدح خواهند گفت، و تو، بر قله های ایشان راه خواهی رفت.	پید ۹:۴۹
۲۹-۲۸:۲۷ پید ۱۲:۳۳ ۱۵:۱۴۴	۲۹ سعادت مند هستی تو، ای اسرائیل! کیست مانند تو، قومی نجات یافته به دست بیهو، سپری که تو را یاری می دهد، شمشیری که تو را ظفرمند می سازد؟ دشمنانت تو را مدح خواهند گفت، و تو، بر قله های ایشان راه خواهی رفت.		
۱۱-۹:۱۱۵ مز ۱۳:۳۲	۲۹ سعادت مند هستی تو، ای اسرائیل! کیست مانند تو، قومی نجات یافته به دست بیهو، سپری که تو را یاری می دهد، شمشیری که تو را ظفرمند می سازد؟ دشمنانت تو را مدح خواهند گفت، و تو، بر قله های ایشان راه خواهی رفت.		ایوب ۶:۲۹

k در اینجا به منافی اشاره می شود که این دو قبیله از بازرگانی دریایی با همسایگان فنیقی خود به دست می آوردند، و نیز احتمالاً از ساخت شیشه از شنهای دریا. منظور می تواند «دریای مدیترانه» واقع در غرب باشد. اما با توجه به اینکه قلمرو نفتالی در شرق دریاچه جلیل واقع شده بود، می تواند اشاره به این دریا نیز باشد.

m «روغن» اغلب در کتاب مقدس تصویری است از فراوانی.

n معنی این کلمه مشخص نیست. ترجمه یونانی آن را «قوت» برگردانده، و وولگات نیز «سالخوردگی».

رحلت موسی

مز ۹۳:۱۳-۱۵	<p>بیست ساله بود؛ چشمش ضعیف نشده بود و طراوتش از میان نرفته بود. ^۸ بنی اسرائیل در بیابانهای موآب به مدت سی روز برای موسی گریستند، و پس از آن، روزهای زاری برای سوگواری موسی پایان یافت. ^۹ یوشع پسر نون از روح حکمت پر بود، زیرا که موسی دستان خود را بر او تکیه داده بود. بنی اسرائیل او را اطاعت کردند و مطابق آنچه که یهوه به موسی امر فرموده بود، به عمل آوردند.</p>	<p>۳۴ ^۱ موسی از بیابانهای موآب به کوه نبو، به قله فسججه برآمد که در مقابل اریحا است، و یهوه تمام سرزمین را به او نشان داد: جلعاد تا به دان، ^۲ تمام نفتالی، سرزمین افراییم و منسی، تمام سرزمین یهودا تا به دریای غربی، ^۳ نِگب، ناحیه، دره اردن، شهر نخلستان تا به صوغر. ^۴ یهوه به او گفت: «این است سرزمینی که با سوگند به ابراهیم و به اسحاق و به یعقوب وعده دادم و گفتم: آن را به اقباب تو خواهم داد. گذاشتم که آن را با چشمانت ببینی، اما به آنجا عبور نخواهی کرد.»</p>
خروج ۳۳:۱۱؛ قرن ۱۳:۱۲	<p>^{۱۰} در اسرائیل دیگر نبی ای همچون موسی بر نخاست ^P - هم او که یهوه او را رو به رو می شناخت - ^{۱۱} خواه برای تمامی نشانه ها و کارهای شگفت انگیزی ^Q که یهوه او را فرستاد تا در سرزمین مصر بر علیه فرعون، و بر علیه جمیع خدمتگزارانش و بر علیه سرزمینش انجام دهد، ^{۱۲} خواه برای همه قدرت عظیم و همه وحشت عظیمی که موسی در مقابل چشمان تمام اسرائیل به عمل آورده بود.</p>	<p>^۵ در اینجا بود که موسی، خدمتگزار یهوه، مرد، در سرزمین موآب، مطابق امر یهوه؛ ^۶ او وی را در دره دفن کرد،^O در سرزمین موآب، در مقابل بیت-فغور، و هیچکس تا به امروز از آرامگاه او اطلاعی ندارد. ^۷ موسی به هنگام مرگ یکصد و</p>

O فاعل فعل احتمالاً خداوند است. اما این گونه نیز می توان ترجمه کرد: «او را دفن کردند». در یهو ۹ اشاره ای به راز این آرامگاه شده است که احتمالاً الهام یافته از کتاب های آپوکریفای یهود می باشد.

P این متن با تأیید این نکته که دیگر هرگز نبی ای همچون موسی ظهور نکرد، ظاهراً نکته ای خلاف ۱۵:۱۸-۱۸ بیان می دارد (ر.ک. توضیح ۱۵:۱۸)، و نیز خلاف اعد ۶:۱۲-۷ که در آن موسی «نبی» نیست. سنت همواره میان دو عقیده در نوسان بوده: یکی اینکه موسی شخصیتی منحصر به فرد بوده، و دیگری آنکه مردان خدا در نسل های بعد نیز بر همان سیاق بوده اند.

Q از آنجا که در جاهای دیگر، نشانه ها و کارهای شگفت انگیز را خود خدا انجام داده، این فرمول بیشتر بر بزرگی غیرقابل مقایسه موسی تأکید می گذارد (ر.ک. ۳۴:۴).